



از خیابان‌های انقلاب تا میدان‌های خدمت

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | ۲۰ اکتبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

خمار عشق

۱۶
جوانآرش فهیم
خوش غیرتی که هم‌رکاب شهدا بود۱۳
فرهنگ

انقلاب اسلامی و تغییر ایران!

۱۱
خرد

صبح صادق اصرار برخی از بازیگران سیاسی بر مناقشه در فصل همدلی را واکاوی می‌کند

آینه عبرت

۲
سرمقاله

شاید سخنان گاه و بی‌گاه حسن روحانی فوایدی نیز داشته باشد؛ چه اشکالی دارد فردی که در حکمرانی مایه عبرت‌های فراوانی می‌تواند باشد، گاه در جلوی چشم‌ها ظاهر شود تا بتوان راه‌های درست را بهتر تشخیص داد و مسیر آینده را با هزینه کمتری پیمود!

در جنگ در حالی که نیروهای مسلح ایران عزیز، با همه توان مشغول انجام وظایف تخصصی خود بودند، مسئولان کشور و خاصه دولت و شخص رئیس‌جمهور محترم بنا به گفته شخصیت‌های گوناگون کشور موضوع پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از جنگ را به شکل مطلوب به پیش بردند.

رفتار بازیگران سیاسی ایران از این حیث که پرچم انسجام ملی را برافراشته‌اند یا مروج تفرقه هستند، آن هم در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کنونی از جنبه‌های گوناگون تأثیرگذار و تعیین‌کننده به شمار می‌آید؛ چرا که دشمنان به تشدید منازعات داخلی و حکمفرما شدن مناقشات داخلی امید بسیار بسته‌اند.



پرونده

عملیات گروگان‌گیری!

۷
دین

وقتی حاکمان دنیا پرست می‌شوند!

نیم نگاه

شوک چین به ترامپ!



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

تنش‌های اقتصادی بین پکن و واشنگتن که از ابتدای دولت ترامپ آغاز شده، روزهای اخیر به یک مبارزه تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شده است، ابتدا آمریکا عوارض ورودی کشتی‌هایی را که از مقصد چین بودند، افزایش داد و در مقابل، چین افزون بر اینکه تمام کشتی‌هایی را که با پرچم آمریکا بودند یا در آمریکا به ثبت رسیده بودند، مشمول عوارض واردات کرد، و واردات ۱۰ میلیارد دلاری سویا از آمریکا را نیز متوقف کرد! اما این اقدامات موجب عقب‌نشینی ترامپ نشد، ترامپ با اعلام اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی بر واردات از چین و تهدید لغو دیدار خود با «شی جینگ‌پینگ» پاسخ پکن را داد.

در این بزنگاه بود که چین برگ برنده‌ای تازه رو کرد؛ پکن تهدید کرد صادرات «فلزات نادر خاکی» را به آمریکا محدود می‌کند؛ این موضع چین، موجی از نگرانی را در بین فعالان حوزه اقتصادی و نظامی آمریکا ایجاد کرد، تهدیدی که تأثیر خود را بسیار زود در سقوط سهام «وال‌استریت» و سقوط رمز ارزها به‌ویژه «بیت کوین» نشان داد!

این شوک چین به اقتصاد آمریکا ترامپ را به سرعت سر عقل آورد تا اعلام کند، دیدارش با رهبر چین را حتماً انجام خواهد داد! رئیس‌جمهور ایالات متحده در عقب نشینی‌ای واضح نوشت: «نگران چین نباشید، همه چیز خوب خواهد شد!»، اما این تهدید چه بود که تا این حد ترامپ را ترسانده است؟

فلزهای نادر خاکی، عناصری کمیاب، شامل گروهی از ۱۷ عنصر فلزی هستند که در صنایع پیشرفته، الکترونیک، تجهیزات نظامی، راکتورهای هسته‌ای، خودروهای الکتریکی و انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌شوند؛ در واقع این عناصر پیش‌نیاز فناوری روز دنیا و شناخت ریزترانشه‌ها هستند

چین از دهه ۱۹۹۰ فرآیند انحصار خود را در این عناصر کمیاب آغاز کرد و امروز کنترل ۸۵ درصد عناصر کمیاب سبک خالص، و ۹۵ درصد از عناصر کمیاب سنگین خالص را در اختیار دارد.

در دهه ۹۰ میلادی تولید عناصر کمیاب در آمریکا و ژاپن متمرکز بود؛ اما چین با نیروی کار ارزان، پارانه‌های دولتی و مقررات زیست محیطی ضعیف، تولید را به داخل چین کشاند و به تدریج چین از صادرات خام عناصر خاکی به سمت تصفیه و تولید محصولات با ارزش افزوده حرکت کرد. این جابه‌جایی راهبردی سهم چین را از ۲۰ درصد در ۱۹۹۰ به ۹۰ درصد تولید در سال ۲۰۱۹ رساند.

اکنون آمریکا ۸۰ درصد عناصر کمیاب خود را از چین وارد می‌کند و اگر یک روز واردات این عناصر به مشکل بخورد، اقتصاد آمریکا به شدت آسیب می‌بیند! برای نمونه، در صنعت نظامی، براسای تولید یک فروند هواپیمای اف ۳۵ حدود ۴۱۵۰ کیلوگرم از این عناصر نیاز است! برای تولید هر تلغن هوشمند، ۵۰ تا ۱۰۰ گرم، در تولید هر خودروی الکتریکی نزدیک به ۲۰۰۰ گرم و در ساخت هر دستگاه ام آرای حدود ۷۰۰۰ گرم از این عناصر استفاده می‌شود! اکنون با توجه به کسری بودجه، تعطیلی دولت و افزایش تنش با ونزوئلا، جنگ تعرفه‌ای و.. اقتصاد آمریکا به شدت تحت فشار است و با این تهدید چین با مشکلات بزرگ‌تری روبه‌رو شده است؛ مشکلاتی که گارد ترامپ را کاملاً باز کرده و باید منتظر عقب‌نشینی‌های بیشتر او باشیم!



عزیز غضنفری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق



رفتار بازیگران سیاسی ایران از این حیث که پرچم انسجام ملی را برافراشته‌اند یا مروج تفرقه هستند، آن هم در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کنونی از جنبه‌های گوناگون تأثیرگذار و تعیین‌کننده به شمار می‌آید؛ چرا که دشمنان به تشدید منازعات داخلی و حکمفرما شدن مناقشات داخلی امید بسیار بسته‌اند. از این منظر به نظر می‌رسد حسن روحانی با اظهارات گاه و بی‌گاه خودش که بر ترویج اختلاف و به راه انداختن دعوای‌های داخلی اصرار دارد، به یک مدل قابل مطالعه در فضای سیاسی ایران تبدیل شده است. آقای روحانی پیش از آنکه بخواهد برای وضعیت فعلی کشور راهکار صادر کند، خود دقیقاً شخصیتی است که رفتارهایش در گذشته برای اداره حال و آینده کشور عبرت‌آموزی فراوانی دارد. اصلاً کاری به این نداریم که کدام ناراحتی‌ها از کجا و کدام نهاد روحانی را عصبانی کرده است. فعلاً چه اهمیتی دارد که تصور کنیم برخورد دستگاه قضایی با تخللفات برادر روحانی، رفتار و کلام حسن روحانی را به تلخی و تندمزاجی کشانده یا نه؟! هر چند بازگشت به آن دوره و مرور اظهارات آقای روحانی در همین زمینه همه چیز را آشکار می‌کند. حرف اصلی این



یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی

نشست «شرم‌الشیخ» برگزار شد و هر چه جلوتر می‌رویم، زوایای گوناگونی از این نشست رمزگشایی می‌شود. حالا هر کارشناس منصفی می‌تواند این نتیجه را بگیرد که در دنیای آنارشیسکال کنونی، نه ترامپ بازیگر و سازنده صلح است و نه نتانیاهو صلحی را گردن می‌نهد. نشست شرم‌الشیخ را از منظر روان‌شناسی سیاسی می‌توان تلاش ترامپ برای مخفی نگه داشتن بغض فرو خفته‌اش از ندادن صلح نویل به او دانست؛ اما خوشبختانه با سیاستمداری مواجه هستیم که نمی‌تواند بغضش را فرو بنشاند و به سمت «یوناس گار استوره» نخست‌وزیر نروژ به عنوان متولی صلح نویل رو کرده و آشکارا می‌گوید: «نروژ را هم داریم. او! نروژ! نروژ، پس چه شد؟ نروژ، پس چه شد؟»

ناظم مدرسه یا مدیر سیرک؟

این روزها عبارات بسیاری درباره نشست شرم‌الشیخ منتشر شد. عبارت «سیرک صلح» شاید پر بسامدترین

است که در میانه حجم انبوهی از تهدیدهای دشمن و بعد از یک جنگ تاریخی بر سر بود و نبود ایران، اختراع دوگانه و دوقطبی «حاکمان و ایران» آیا کمکی به حل مسائل کشور می‌کند؟ یا اینکه بر دامنه تهدیدها و طمع‌ورزی‌های دشمن می‌افزاید؟!

ترجمه این اظهارات روحانی و ساخت این دوگانه‌های نایخته و خسارت‌آمیز مثل این می‌ماند که بگوییم در سال ۱۳۹۸ و در ماجرای بنزین و ناراحتی شدید مردم، به جای تلاش خردمندانه و منطبق بر منافع ملی برای حل مسئله و چالش بزرگ پیش آمده، عده‌ای بگویند روحانی را باید به خاطر نحوه عملکردش و خاصه آن عبارت تاریخی که گفت صبح شنبه متوجه شدم، به عنوان عامل اصلی فجایع سال ۱۳۹۸ به دادگاه کشاند و به سزای اعمالش رساند؛ چون به غیر از در نظر گرفتن پیامدهای ویرانگر تصمیم نادرستش برای کشور، حاکمان را نیز در مقابل مردم و ایران قرار داده است! مصداق مهم تحلیل و دوگانه نادرست امروز روحانی، عملکرد ناصواب خودش در سال ۱۳۹۸ است که خشم ملی در کشور تولید کرد. متأسفانه گاه در میان چهره‌های سیاسی درک نکردن شرایط و نشناختن اولویته‌ها و تلاش نکردن برای حل مسائل اصلی خسارات جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد.

ایران اسلامی با اتحاد مقدس از جنگی که طراحان و مجریانش به قصد تجزیه ایران آن را آغاز کردند با سربلندی خارج شده؛ هر چند

هنوز به طور کامل از تهدیدهای مرتبط با جنگ خارج نشده است، حال پرسش اساسی از فردی که در جایگاه‌ها و موقعیت‌های گوناگون جمهوری اسلامی بوده، این است که نسبت این حرف‌های شما با وضعیت فعلی کشور چیست؟ دقیقاً چه می‌گویید و در پی چه چیزی می‌گردید؟ موضوع این نیست که نباید نقد کرد و ضعف‌ها و کاستی‌ها را دید، مسئله این است که بین نقادی و عقده‌گشایی تفاوت وجود دارد. سخن این است که طرح این عبارت که مردم در دوره جنگ ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی در کنار ایران بودند و نه حاکمان، نسبتی با واقعیات ندارد و نه تنها تکمیل پازل جنگ روانی دشمن است؛ بلکه حقد و عقده در آن اظهارات و گوینده آن موج می‌زند. این نوع نگاه به سیاست پیش و بیش از آنکه ایراد سیاسی داشته باشد، خطای اخلاقی بزرگ به شمار می‌آید. حال با این خصلت‌های رفتاری بر هم زنده وحدت ملی که در تار و پود فکر و عمل سیاسی رئیس‌جمهور پیشین افتاده، چه باید کرد؟ فرض کنید برخی تحت تأثیر عملیات روانی دشمنان و بد عمل کردن برخی رسانه‌های داخلی، قائل به دوگانه حاکمان و ایران در دوره جنگ هستند، در این صورت باید این خطای تحلیلی و شناختی ایجاد شده در برخی اذهان را اصلاح کرد نه اینکه بر این آتش برافروخته شده دمید. در جنگ در حالی که نیروهای مسلح ایران عزیز، با همه توان مشغول انجام وظایف تخصصی خود بودند، مسئولان کشور و خاصه

بگیرند، کسانی هستند که به صورت منفرد و مجزا یا به صورت مشترک، متن نگاشتند و توصیه کردند که «آقای رئیس‌جمهور فرصت شرم‌الشیخ را از دست ندهید.»

♦ فرصتی برای بازاندیشی

حالا که شرم‌الشیخ گذشت و مشخص شد آنچه اتفاق افتاده، نه «فرصت شرم‌الشیخ»، بلکه محفلی بود که ترامپ متکلم وحده و تنها بازیگر آن به شمار می‌رفت و هدفش نه ایجاد صلح، بلکه محلی برای نمایش‌های تهی‌ع‌آور و گاه طنز ترامپ بود، فرصت خوبی است که جریان غرب‌بگرا آرا و نگاهش به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را بازخوانی کند. خوب است که این گروه کمی با خود ببینیشد که بر فرض رئیس‌جمهور به هپروت ذهنی این عزیزان ترتیب اثر می‌داد و در آنچه به توهم «فرصت شرم‌الشیخ» می‌خواندند، شرکت می‌کرد، به نظر تان بعدش چه اتفاقی می‌افتاد؟ به نظر تان به جز چند طعنه و حرف‌های بی‌ربط از بازیگر استندآپ آن، چه چیزی نصیب پژوهشگران می‌شد؟ باز هم باید به تصمیم سیاست‌گذاران احسنت گفت و آن را تحسین کرد که به دام این هپروت غرب‌گرایی نیفتادند که خیال می‌کنند با یک عکس یا دست دادن به ترامپ، کل تاریخ و روابط منطقه متحول می‌شود.

♦ لطفاً خواب ننماید

تحولات این روزها فرصت خوبی برای این طیف یا

دولت و شخص رئیس‌جمهور محترم بنا به گفته شخصیت‌های گوناگون کشور موضوع پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه از جنگ را به شکل مطلوب به پیش بردند. همواره در کشور ما این نگرانی وجود داشت که اگر جنگی آغاز شود نیازها و تقاضاهای عمومی و روزانه مردم را چگونه باید تأمین کرد؛ اما در جنگ ۱۲ روزه مسئولان کشور و بخش‌های گوناگون مردم با همه سلاقی و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بهترین شکل ممکن در کنار یکدیگر و پای کار ایران ایستادند و مرتبط با وظایف خود چیزی کم نگذاشتند. با این اوصاف آیا رواست که این مزیت درخشنده و برجسته کشور در دوره جنگ را هم راستا با دشمنان، به نقطه ضعف تبدیل کرد و دوگانه ایران و حاکمان به راه انداخت؟ این روزها می‌گذرد و گرد و غبارها فرو می‌نشیند، اما اندکی بعد تاریخ درباره کسانی که وحدت و انسجام ملی را نشانه گرفته‌اند قضاوت دقیق و روشن خواهد کرد.

به صدر این نوشته برمی‌گردیم و از زاویه دیگر نکته نهایی بیان می‌شود؛ شاید سخنان گاه و بی‌گاه حسن روحانی فایده‌ی نیز داشته باشد؛ چه اشکالی دارد فردی که در حکمرانی مایه عبرت‌های فراوانی می‌تواند باشد، گاه در جلوی چشم‌ها ظاهر شود تا بتوان راه‌های درست را بهتر تشخیص داد و مسیر آینده را با هزینه کمتری پیمود!

استندآپ ترامپ و هیروت غرب‌گرایان!

گروه است که بداند جامعه بین‌الملل، نه کارکردگرایانه است که همکاری، همکاری یابود و حسن نیت، حسن نیت تولید کند و از سر ریز این همکاری‌ها صلح تولید شود و نه آرمانشهر است که بخواهیم ایده‌های شاذ و نادر خود را به دولت تجویز کنیم و خیال کنیم جواب می‌دهد، تحولات این روزها فرصت خوبی برای این طیف یا گروه است که به این نتیجه برسد جامعه بین‌الملل یک فضای رنالیستی و واقع‌گرایانه است که در آن نه خوش‌بینی و توهم، بلکه قدرت پاسخگوست. در این فضای آنارشیستی آنچه می‌تواند امورات را پیش ببرد، خودیاری و تولید قدرت است، نه قرار گرفتن در یک قلابی که سراسرش تحقیر و توهین است. هر چند بعید است که این طیف به دنبال بازاندیشی و اصلاح روند پیشین خود باشد؛ چرا که اگر به دنبال اصلاح روند فکری‌اش بود، باید از جنگ ۱۲ روزه عبرت می‌گرفت؛ وقتی در میانه مذاکرات، بر روی میز مذاکره بمب ریخته شد و ترامپ مثل یک گالگستر زیر میز زد. این روزها برای افکار عمومی هم فرصت خوبی است تا کامی از فضای سیطره مجاز نوشته‌های آکادمیک بیرون بیاید و به حقیقت واقعی مسلط بر جامعه بین‌الملل برسد. فضای بین‌الملل آنگونه که در کتاب‌ها می‌نویسند، نیست؛ بلکه همین شوازی‌ها و استندآپ کمدی‌های ترامپ و نتانیاهوست.

جنگنده‌ها باز می‌گردند؟

صبح صادق، پایداری آتش‌بس در غزه را بررسی می‌کند

اسرا به سمت تخریب تونل‌ها حرکت نکرده بود و اکنون بعد از آزادی اسرا با هدف نابودی تونل‌های حماس عملیات‌هایی را انجام خواهد داد.

موضوع دیگری که از این هدف صهیونیست‌ها پرده برمی‌دارد، این است که صهیونیست‌ها بارها اذعان کردند، وجود تونل‌ها در غزه عامل اصلی ناکامی رژیم در برابر حماس است و بر این باورند که تا وقتی این تونل‌ها وجود داشته باشند، شکست حماس در غزه غیر ممکن است و حماس زیست خود را در آنها انجام خواهد داد و به طرح‌های ابتکاری و عملیاتی روی خواهد آورد، بنابر این برای نابودی حماس باید تونل‌ها را نابود کرد.

در نتیجه در حال حاضر بهترین وضعیت برای این رژیم فراهم شده که به مقابله با این تونل‌ها روی آورد تا دو هدف جنگ، یعنی آزادی اسرا و نابودی حماس را به نتیجه برساند.

خواهد شد. بدین گونه که رژیم اشغالگر حملات هدفمند و نقطه‌ای بسا ادعاهایی دروغین در غزه انجام خواهد داد. در این زمینه بی‌شک آمریکایی‌ها همراهی خواهند کرد و کشورهای متضمن توافق نیز نمی‌توانند اقدام بازدارنده و مؤثری انجام دهند؛ زیرا نه جنگ گسترده اتفاق افتاده و نه رژیم به طور کامل توافقات را نادیده گرفته است.

اما در صورت آغاز مجدد حملات به غزه، هدف‌گذاری رژیم چه خواهد بود؟

در پاسخ به این مسئله هم باید گفت، نشانه‌ها حاکی از آن است که حمله رژیم صهیونی به غزه با هدف نابودی تونل‌های حماس باشد. در این زمینه «کاتس»، وزیر جنگ رژیم اعلام کرده است پس از آزادی اسرا به ارتش دستور خواهد داد برای تخریب تونل‌های حماس آمادگی لازم را داشته باشد. همچنین نتانیاهو در سخنانی اعلام کرد جنگ در خاور میانه تمام نشده است. بسیاری این استدلال را مطرح می‌کنند که رژیم صهیونی تاکنون به خاطر

الفـ. برخی افراد حاضر در کابینه نتانیاهو، همچون «بن‌گور» که مخالف پایان جنگ بودند، با توافق پایان جنگ نیز در کابینه مانده‌اند. این نشان می‌دهد رژیم صهیونی برای بعد از توافق اولیه برنامه‌هایی خواهد داشت و این افراد را با پیشنهادهایی ماندگار کرده است.

بـ. احتمال دست یافتن به توافق در مذاکرات آتی به ویژه بحث خلع سلاح حماس که نتانیاهو بر روی آن تأکید ویژه دارد و در مقابل حماس آن را قبول نکرده و آن را منوط به تصمیم خود جنبش کرده است.

جـ. خارج نشدن ارتش صهیونی از برخی نقاط غزه. دـ. نیاز رژیم و خود نتانیاهو به آغاز مجدد جنگ؛ زیرا زیست آنها در جنگ برای باقی ماندن در قدرت است.

بسا تجمیع این مؤلفه‌ها به نظر می‌رسد محتمل‌ترین سناریو، آغاز مجدد جنگ در غزه باشد؛ اما این جنگ بعید است که به صورت گسترده و با شدت باشد؛ بلکه مدل لبنان، در غزه نیز اجرایی



محمدرضا فرهادی

کارشناس مسائل منطقه

یکی از پرسش‌های پرتکرار در باره آینده غزه، وضعیت تداوم آتش‌بس و احتمال از سرگیری دوباره جنگ است.

در پاسخ به این پرسش، گروهی از تحلیلگران بر اساس این سه گزاره که «رژیم نیروها و ادوات نظامی خود را از غزه خارج کرده است»، «میانجی‌ها تضمین دادند که اجازه شعله‌ور شدن دوباره جنگ را نخواهند داد» و «بازگشت مردم به مناطق شمالی» بر این باورند که صهیونیست‌ها بعید است بار دیگر به سمت جنگ گسترده در غزه بروند.

در مقابل عده‌ای دیگر از تحلیلگران معتقدند، نتانیاهو بار دیگر جنگ را پس از یک وقفه کوتاه آغاز خواهد کرد. ادله این گروه موارد ذیل است:

دست برتر ایران

صبح صادق نقش پهپادهای نیروی هوافضای سپاه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را بررسی می کند



علی حدیری علی آبادی

کارشناس سیاسی

در جنگ دوازده روزه فرماندهی پهپاد نیروی هوافضای سپاه با استفاده از تنوع پهپادی خود اعم از انهدامی و چند منظوره توانست ضربات سنگینی به زیرساخت‌های نظامی رژیم صهیونی وارد کند. ما در این مقاله قصد داریم صهیونی را بررسی کنیم.
دارسم چهار محور کلیدی را بررسی کنیم.
محورهایی که نه تنها در فهم ماهیت جنگ دوازده روزه اهمیت دارند، بلکه در تحلیل روندهای آینده منطقه نیز نقش تعیین کننده‌ای خواهند داشت.
این مقاله با کوشش معاونت سیاسی نیروی هوافضای سپاه در تلاش است که تبیین و تحلیل دقیق این چهار محور را در بستر جنگ دوازده روزه، که نه تنها در میدان نبرد، بلکه در ذهن استراتژیست‌های منطقه‌ای و جهانی ردپای ماندگار بر جای گذاشت، به خوبی انجام دهد.

۱- تاریخچه تشکیل یگان پهپادی نیروی هوافضای سپاه؛

۲- جنگ نامتقارن با هزینه پایین و تحمیل هزینه‌های سنگین به رژیم صهیونی و پشتیبانی کنندگان آن در جنگ دوازده روزه از طریق یگان پهپادی نیروی هوافضای سپاه؛

۳- اختلال و تمرکززدایی سامانه‌های دفاع هوایی رژیم صهیونیستی؛

۴- تغییر معادلات منطقه‌ای با نقش ایثار، تخصص و شهادت برخی از نیروهای یگان پهپادی.

♦ تاریخچه و سیر تکاملی یگان پهپادی

با گذر زمان و تحول در عرصه‌های نظامی، فناوری‌های نوین به ویژه در حوزه پرنده‌های بدون سرنشین نقش فزاینده‌ای در راهبردهای دفاعی و امنیتی کشورها ایفا کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز با درک اهمیت این تحول، از دهه‌های نخست پس از انقلاب اسلامی گام‌هایی مؤثر در زمینه طراحی ساخت و بهره‌برداری از پهپادها برداشت.

در دهه ۱۳۶۰ همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیاز به ابزارهای شناسایی دقیق و کم هزینه برای جمع‌آوری اطلاعات از خطوط مقدم و مناطق عملیاتی به شدت احساس می‌شد. در آن زمان پهپادها فناوری نوظهور در جهان شناخته می‌شدند. اما سپاه با تکیه بر توان داخلی و ابتکار مهندسان جوان نخستین گام‌ها را در طراحی و ساخت نمونه‌های ابتدایی برداشت.

♦ جنگ نامتقارن

جنگ دوازده روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، نمونه برجسته از یک نبرد نامتقارن بود. نبردی که در آن علاوه بر یگان‌های موشکی، یگان‌های پهپادی نیروی هوافضای سپاه توانست با بهره‌گیری از فناوری بومی و ابزارهای کم هزینه، مانند پهپادهای انتحاری ساختار دفاعی و حتی روانی رژیم صهیونی را به چالش بکشد. پهپادهای نیروی هوافضای سپاه با هزینه ساخت پایین و کارایی بسیار مؤثر توانستند به عمق سرزمین‌های اشغالی نفوذ کرده و مراکز حساس را هدف قرار دهند؛ در حالی که هر پهپاد نیروی هوافضای سپاه کمتر از چند هزار دلار هزینه داشت. رژیم صهیونی برای مقابله با آنها مجبور

به فعال‌سازی سامانه‌های زمین پایه، هوایاپه و دریا پایه اعم از جنگنده اف۱۶، بالگرد آپاچی، سامانه‌های زمینی فلاخن داود، گنبد آهنین و غیره با هزینه‌های میلیون دلاری شد. برای نمونه، هر شلیک سامانه گنبد آهنین حدود ۷۰ هزار دلار هزینه دارد؛ در حالی که پهپادهای انتحاری نیروی هوافضای سپاه کمتر از ۴۰ هزار دلار هستند. این پهپادها توانستند این سامانه‌ها را به چالش بکشند در حالی که هزینه یک روز استفاده عملیاتی از این سامانه ۳۵ میلیون دلار است. یک نمونه دیگر طبق اظهارات مقامات رژیم صهیونیستی تعداد ۲۵ موشک (باراک با قیمت پایه ۲.۵ میلیون دلار) از طریق دریا پایه برای رهگیری پهپادها شلیک شده است که با احتساب اعداد و ارقام قیمت هر عدد ۲.۵ میلیون دلار در مجموع حدود ۶۲ میلیون دلار برآورد می‌شود. اگر فرض کنیم ۲۵ فروند پهپاد انهدامی به سمت سرزمین‌های اشغالی رژیم صهیونی شلیک شده باشد و همه این ۲۵ فروند پهپاد هم از طریق سامانه‌های فوق رهگیری شده باشند، با احتساب هر فروند ۴۰ هزار دلار مجموع هزینه کرد پهپادها یک میلیون دلار برآورد می‌شود که در مقابل ۶۲ میلیون دلار، به معنای تحمیل هزینه گزاف به رژیم صهیونیستی است.

♦ اختلال در تمرکز سامانه‌های

دفاع هوایی رژیم صهیونیستی

پهپادهای نیروی هوافضای سپاه در جنگ دوازده روزه در دسته‌های متعدد و از جهات گوناگون به پرواز درآمدند. این حملات موجی، سامانه‌های دفاعی رژیم صهیونی را مجبور به واکنش هم زمان در چند محور کرد. نتیجه این فشار عملیاتی



کاهش تمرکز و افت شدید در میزان رهگیری بود. پهپادها عملاً سامانه‌های دفاعی را درگیر کرده و ظرفیت آنها را اشباع کردند.

با درگیر شدن سامانه‌های دفاعی در رهگیری پهپادها، موشک‌های نیروی هوافضا توانستند با آزادی عمل بیشتری مانور دهند. بسیاری از موشک‌ها به اهداف برخورد کردند و بخشی از این موفقیت، ناشی از عملکرد پهپادها در اختلال دفاعی رژیم صهیونی در جنگ دوازده روزه بود.

♦ تغییر معادلات منطقه‌ای

جنگ دوازده روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونی صرفاً یک درگیری نظامی نبود، بلکه نقطه عطفی در باز تعریف جایگاه ایران در معادلات امنیتی و راهبردی منطقه بود. در این تحول بر یگان موشکی، یگان پهپادی نیروی هوافضای سپاه نقشی فراتر از یک واحد عملیاتی ایفا کرد. نقشی که با ایثار، تخصص و شهادت برخی از نیروهایش به نماد بازدارندگی نوین جمهوری اسلامی تبدیل شد.

رسانه‌های صهیونی از پیشرفت پهپادهای نیروی هوافضای سپاه در زمینه فناوری پهپادی به منزله تهدیدی استراتژیک یاد کرده‌اند؛ آنها به ویژه از توانایی یگان پهپادی نیروی هوافضای سپاه در تولید پهپادهایی با برد بالا و قدرت تخریبی قابل توجه ابراز نگرانی کرده‌اند. این واکنش‌ها نشان می‌دهد رژیم صهیونی با وجود برتری‌های نظامی خود در برابر فناوری جدید و کم هزینه نیروی هوافضای سپاه احساس آسیب‌پذیری می‌کند.

متسن کامل این گزارش را در پایگاه اینترنتی «بصیرت» بخوانید.

دیدگاه

شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

صداق

روزنه

جامعه نمونه از نظر نهج البلاغه - ۲

ادامه‌دهنده

راه حضرت رسول(ص)

علی معبودی

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه سید الشهدا استان تهران



رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ابتدای سال در عظمت امیرمؤمنان(ع) با تأکید بر اهمیت دادن فعالان فرهنگی به نهج البلاغه فرمودند: «امیرالمؤمنین(ع) قله عدالت است، قله تقواست، قله گذشت است، در طول تاریخ اگر ملت ایران و ملت‌های مسلمان بخواهند استفاده کنند از درس این انسان بزرگ و برترین انسان‌ها بعد از پیغمبر اکرم(ص)، باید بیشتر به نهج البلاغه مراجعه کنند. من توصیه می‌کنم، امسال فعالان عرصه فرهنگی به مطالعه نهج البلاغه و آموزش نهج البلاغه توجه ویژه‌ای داشته باشند.»

پیرو فرمایش امام خامنه‌ای(حفظه‌الله) درصدد بیان جامعه نمونه در منظر نهج البلاغه علی(ع) برآمدیم.

امیرمؤمنان(ع) اولین وصی پس از رسول خدا(ص) است، ایشان مأمور به استمرار بخشیدن ایجاد و بسط جامعه اسلامی و نمونه در ابعاد گوناگون بود. اگرچه حضرت علی(ع)، قرآن ناطق و وصی پیامبر(ص) بر اثر توطئه منافقان و غفلت توده‌های مردم پس از ارتحال رسول اکرم(ص) خانه‌نشین شد و تاریخ جامعه بشری را برای همیشه از کوثر معرفت محروم کردند و حتی در دوران خلافت ظاهری حضرت امیر(ع) با تحمیل جنگ‌های سگانه جمل، نهروان و صفین، فرصت ایجاد جامعه‌الگور را از بین بردند؛ اما در همان زمان اندک، حضرت علی(ع) تلاش بسیاری کردند تا براساس تقلید قرآن و سیره اهل بیت(ع) هدف نهایی حکومت را پیاده کنند.

خطبه‌ها، نامه‌ها حضرت علی(ع) گواهی می‌دهند، چقدر حضرت امیرالمؤمنین(ع)، این قله عدالت، برای حرکت دادن جامعه به سمت عدل و عقل مجاهدت کرده‌اند، چنانکه ایشان در خطبه «قاصعه» که در اواخر حکومت امام علی(ع) در کوفه ایراد شده است، می‌فرمایند: «من از قومی هستم که ملامت هیچ ملامتگری را از راه خدا باز نمی‌دارد، چهره آنان چهره راستگویان است و سخنان‌شان سخنان نیکان و شب را به عبادت بیدارند و روزها مردم را چراغ هدایتند. چنگ در ریسمان قرآن زده‌اند و سنت‌های خدا و سنت‌های پیامبرش را زنده نگه می‌دارند، نه گردن‌کشی می‌کنند و نه برتری می‌فروشند، از نادرستی و تبهکاری به دورند، دل‌های‌شان در بهشت است و تنهایی‌شان در کار عبادت است.»

امیرالمومنین(ع) درسخنانی دیگر گلابه‌مند از همراهی نکردن و در خواب غفلت ماندن گروهی فرمودند: «همانا دنیا روی برگردانده و وداع خویش را اعلام داشته و آخرت روی آورده و طایفه‌های آن آشکار گر دیده است. بدانید امروز روز تمرین و آمادگی است و فردا روز مسابقه. جایزه برندگان بهشت و سرانجام (شوم) عقب ماندگان آتش دوزخ است...»

آگاه باشید! شما در دوران امید و آرزویی به سر می‌برید (که فرصت بسیار گرانبهایی است) و مرگ در پی آن است (با این حال) هر کس (از این فرصت استفاده کند) و در ایام امیدش، پیش از فرا رسیدن اجلش به عمل صالح پردازد، اعمالش به او سود می بخشد و فرا رسیدن اجلش، زبانی به او نمی‌رساند.... مانند بهشت چیزی را ندیده‌ام که جوینده آن به غفلت خفته باشد و مانند دوزخ چیزی را ندیده‌ام که گریزنده آن.»

بنابر این امام علی(ع) ترسیمی از جامعه الگو کرده و کمر همت برتشکیل چنین جامعه‌ای بسته بودند و ما تلاش داریم طی چندین یادداشت نشانه و شاخص‌های جامعه الگورا از نگاه حضرت علی(ع) در نهج البلاغه به مدد الهی دنبال کنیم.

پیشخوان

باید به شکار برویم!



روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت: «تورم قیمت مواد غذایی در آمریکا در حال افزایش است و مصرف‌کنندگان را تحت فشار قرار داده است. مصرف‌کنندگان می‌گویند که میزان خریدهای خود را کاهش داده‌اند، برخی مواد غذایی را ذخیره می‌کنند یا به دنبال فروشگاه‌هایی می‌روند که مواد غذایی را با قیمت پایین‌تری عرضه می‌کنند. خریداران برای تهیه مایحتاج خود، بسته‌های کوچک‌تر را انتخاب کرده و از کوبن‌های تخفیف بیشتری استفاده می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های خرید مواد غذایی خود را تا حد امکان کاهش دهند.» به نوشته این روزنامه، قیمت کالاهای اساسی، از جمله گوشت گاو آمریکایی افزایش چشمگیری داشته است. تعرفه‌های اعمال‌شده از سوی دولت ترامپ به طور جداگانه هزینه واردات انواع کالاهای، از روغن زیتون اسپانیایی گرفته تا موز گواتمالایی و میگوی ویتنامی را افزایش داده است. «استیو اسمیت» افسر پلیس بازنشسته ۶۵ ساله از کلرادو، به این روزنامه گفت، به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی به تغییر رژیم غذایی روی آورده، بیشتر سالاد درست می‌کند و غذاهای پرپروتئین، مانند کینوا می‌خورد. او افزود، قیمت بالای گوشت گاو موجب شده است به فکر گرفتن تفنگش و شکار گوزن یا آهو بیفتد.

بن‌بست ناتمام



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «تعطیلی فعلی دولت به دلیل خشم دو حزب از یکدیگر و نبردشان بر سر این است که چه کسی واشنگتن را برای سه سال آینده اداره کند. این امر موجب شده که مسئله، قابل پیش‌بینی نباشد و حل آن دشوارتر شود. تعطیلی‌های قبلی زمانی پایان می‌یافتند که رأی‌دهندگان میانه‌رو مشخص می‌کردند چه کسی را مقصر می‌دانند و این امر باعث می‌شد یکی از احزاب به دلیل عواقب سیاسی تسلیم شود. امروزه، تعداد چنین رأی‌دهندگان میانه‌رویی کاهش یافته و حامیان سرسخت احزاب منتظرند تا علیه هر توافق، به عنوان تسلیم غیرقابل قبول شورش کنند.»

ایسن روزنامه افزود: «برای بسیاری از دموکرات‌ها، این مبارزه بر سر ایستادگی در برابر یک رئیس‌جمهور اقتدارگر است که قانون اساسی را نادیده می‌گیرد و به دنبال دیکتاتوری است. برای تیم ترامپ، نبردی است بر سر برقراری حق رئیس‌جمهور برای کنترل کامل شاخه اجرایی و هزینه‌های فدرال. پس از دو هفته تعطیلی دولت، برخی پیش‌بینی می‌کنند که این تعطیلی می‌تواند رکورد عدم انعطاف‌پذیری را بشکند. شاید تصادفی نباشد که طولانی‌ترین تعطیلی پیشین نیز در دوران اول ریاست‌جمهوری ترامپ رخ داد، بن‌بستی ۳۴ روزه بر سر دیوار مرزی که در دسامبر ۲۰۱۸ آغاز شد و تا ژانویه ۲۰۱۹ ادامه یافت.»

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

در طول قرن بیستم، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) طر‌ح‌های متعددی برای سرنگونی دولت‌ها، ترور رهبران برجسته و پشتیبانی تسلیحاتی از گروه‌های مخالف در کشورهای گوناگون طراحی و اجرا کرد. واشنگتن سابقه‌ای طولانی و اغلب شرم‌آور در مداخله در امور کشورهای آمریکای لاتین دارد. این کشور در گذشته با مکزیک وارد جنگ شد، نیروهایی را در کوبا مستقر کرد و به پاناما حمله برد تا رهبران کشور را برکنار کند. با این حال، در بیشتر دوره‌های قرن بیستم، مداخلات آمریکا در این منطقه عمدتاً از طریق سازمان سیا هدایت و اجرا می‌شد.

حالا، گزارش‌ها حاکی از آن است که دولت ترامپ به‌طور محرمانه به سازمان سیا اجازه داده است تا عملیات‌های مخفیانه‌ای در ونزوئلا انجام دهد. این دستور با هدف تشدید فشارها علیه «نیکلاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا صادر شده است. این اقدام بار دیگر یادآور عملیات‌های سیا در دهه‌های گذشته است که شامل کودتاها، طر‌ح‌های ترور و حمایت از گروه‌های مسلح بود. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین این عملیات‌ها اشاره می‌کنیم.

کودتا در گواتمالا

در سال ۱۹۵۴، «خاکوبو آربنز» رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک گواتمالا، در کودتایی سرنگون شد. دولت آیزنهاور این رویداد را قیامی علیه یک دولت کمونیستی متحد با اتحاد جماهیر شوروی معرفی کرد؛ اما اسناد محرمانه‌ای که دهه‌ها بعد منتشر شد، نشان داد این کودتا با حمایت مستقیم سیا انجام شده بود.

ترامپ با اعلام خبر گفت‌وگوی تلفنی خود با «ولادیمیر پوتین» و توافق برای برگزاری دیداری در مجارستان، نه تنها تحلیلگران، بلکه شخص «ولودیمیر زلنسکی» را نیز غافلگیر کرد، آن هم درست در لحظه‌ای که رئیس‌جمهور اوکراین تازه وارد واشنگتن شده بود.

بر اساس گزارش «اکسیوس»، زلنسکی پس از فرود در پایگاه هوایی اندروز، در حالی به دیدار با ترامپ امیدوار بود که در روزهای اخیر از «تمایل رئیس‌جمهور آمریکا برای ارسال موشک‌های دوربرد تاماهاک» ابراز رضایت کرده بود. اما تنها دقایقی پس از ورود او، ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی خود اعلام کرد با پوتین تلفنی صحبت کرده و توافق کرده‌اند به‌زودی در بوداپست دیدار کنند؛ پایتخت کشوری که «غیر از روسیه، کمترین دوستی را با اوکراین در اتحادیه اروپا دارد.»

به نوشته اکسیوس، این خبر «پارچ آب سرد» بر تیم زلنسکی فرود آمد. او امیدوار بود سفرش به آمریکا به نتایج ملموسی در زمینه دریافت تسلیحات جدید از جمله موشک‌های تاماهاک بینجامد، اما اکنون دیدار قریب‌الوقوع ترامپ با پوتین ممکن است بر اولویت‌های کاخ سفید در قبال کی‌یف سایه بیفکند.

ترامپ پیشتر گفته بود که زلنسکی در این

قمار صهیونیست‌ها

«اسکات ریتز» بازرس پیشین سازمان ملل گفت: «هدف اسرائیل از حمله به ایران این بود که سطوح بالای رهبری را از بین ببرد و فرماندهی نظامی را از کار بیندازد تا اختلاف و سردرگمی ایجاد کند، یعنی نوعی شوک تا ایران را مطیع خود کند و مقاومت ایران را از بین ببرد. هدف اسرائیل جنگ فرسایشی نبود، بلکه شوک دادن به ایران بود تا تسلیم شود؛ اما قمار اسرائیل شکست خورد. اسرائیلی‌ها متوجه شدند که اوضاع به مرحله‌ای خواهد رسید که ایرانی‌ها خسارات تقریباً مهلکی به اسرائیل وارد خواهند کرد. به همین دلیل است که اسرائیلی‌ها به روشی که شاهد آن بوده‌ایم، برای آتش‌بس تلاش کردند.»



نصیحت ترامپ!

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» خواستار پایان فوری جنگ میان روسیه و اوکراین شد. وی نوشت: «اکنون زمان آن رسیده که کشتار متوقف و توافقی حاصل شود. خون‌های زیادی ریخته شده است. آنها باید در همین نقطه متوقف شوند. هر دو طرف اعلام پیروزی کنند و بگذارند تاریخ قضاوت کند! دیگر تیراندازی نه، دیگر مرگ نه، دیگر هزینه‌های هنگفت و غیرقابل تحمل نه.» ترامپ همچنین تأکید کرد، اگر در کاخ سفید بود، این جنگ «هرگز آغاز نمی‌شد» و افزود: «هزاران نفر هر هفته قتل‌عام می‌شوند. دیگر بس است، به خانه‌های‌تان نزد خانواده‌های‌تان بازگردید و در صلح زندگی کنید!»



بازخوانی تاریخ مداخلات سازمان سیا در آمریکای لاتین

سیگاره‌های سمی!

این عملیات را آماده کرد. این حمله که در آوریل ۱۹۶۱ اجرا شد، به فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شد. طرح این بود که حدود ۱/۵۰۰ تبعیدی کوبایی، با پشتیبانی سیا و بمباران بخشی از نیروی هوایی کوبا به دست خلبانان سیا، دولت کمونیستی کاسترو را سرنگون کنند. اما این نیروها از نظر تعداد و تجهیزات بسیار ضعیف‌تر از ارتش کوبا بودند و به‌سرعت شکست خوردند.

گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای بررسی این عملیات نشان داد، تقریباً هیچ‌یک از افسران سیا درگیر در این ماجرا به زبان اسپانیایی مسلط نبودند و سازمان یک ساختار عملیاتی «پیچیده و عجیب» با احتمال موفقیت بسیار پایین ایجاد کرده بود.

اقداماتی برای ترور

بر اساس گزارش کمیته اطلاعاتی سنا که بخشی از آن در سال ۱۹۷۵ منتشر شد و سال‌ها بعد به‌طور کامل افشا شد، سیا دست‌کم هشت طرح برای ترور فیدل کاسترو طراحی کرده بود. برخی از این طرح‌ها بسیار پیچیده بودند. در یکی از آنها، قرص‌های سمی به کوبا ارسال شد. طرح دیگری شامل تحویل ابزارهای ترور، مانند یک قلم سمی، به یک مخالف کوبایی بود. سیا همچنین ایده‌هایی، مانند استفاده از سیگارهای آغشته به سم بوتولینوم، یک صدف دریایی انفجاری در منطقه‌ای که کاسترو برای غواصی می‌رفت و حتی

یک لباس غواصی آلوده به باکتری عامل بیماری سسل را بررسی کرد.

علاوه بر این، سیا اسلحه‌هایی را در اختیار مخالفانی قرار داد که در سال ۱۹۶۱ «رافائیل لئونیداس تروخیو مولینا»، رهبر جمهوری دومینیکن را ترور کردند. همچنین، یکی از مأموران سیا به سربازان بولیویایی کمک کرد تا چه گوارا را در سال ۱۹۶۷ دستگیر کنند، عملیاتی که به اعدام گوارا منجر شد.

ایجاد «فضای کودتا» در شیلی

با به قدرت رسیدن «سالوادور آلنده» به‌عنوان رئیس‌جمهور سوسیالیست شیلی در سال ۱۹۷۰، دولت نیکسون نگران شد که او به ال‌گویی برای دیگر کشورهای منطقه تبدیل شود. به همین دلیل، اقداماتی علیه او آغاز کرد. اسناد محرمانه منتشر شده نشان می‌دهد، سیا با هدف «ایجاد فضای کودتا» فشار حداکثری بر دولت آلنده اعمال کرد. این اقدامات شامل تأمین بودجه برای کمپین‌های رسانه‌ای ضدولتی، جلوگیری از اعطای وام‌های بین‌المللی به شیلی، حمایت مالی مخفیانه برای تحریک اعتصابات و اطمینان دادن به ارتش شیلی از پشتیبانی کامل آمریکا بود. پس از کودتا، ژنرال آگوستو پینوشه رهبری خونتای نظامی را بر عهده گرفت و برای ۱۶ سال رژیم سرکوبگری را اداره کرد که به اتهام شکنجه گسترده، اعدام‌ها و ناپدیدسازی اجباری افراد شناخته شد.

مداخلات سیا در آمریکای لاتین در قرن بیستم نمونه‌هایی از تلاش‌های ایالات متحده برای حفظ نفوذ خود در منطقه است که اغلب با پیامدهای فاجعه‌بار انسانی همراه بود. این عملیات‌ها، از کودتاها گرفته تا طر‌ح‌های ترور، نشان‌دهنده رویکردی تهاجمی برای مقابله با دولت‌هایی است که با منافع ایالات متحده هم‌راستا نبودند و تأثیرات آن بر کشورهای منطقه تا به امروز ادامه دارد.

پنجره

محاصره ۵۰۰ روزه

سرنوشت شوم در انتظار ده‌ها هزار سودانی

به نوشته این روزنامه، «مدگلوبال» اعلام کرد: «تخریب خانه‌ها و زیرساخت‌های درمانی باعث شده ال‌فاشر غیرقابل سکونت شود.» در ماه گذشته امیدهایی برای پایان محاصره پدید آمد. زمانی‌که «مسعد بولوس» مشاور ارشد ترامپ در امور آفریقا، ادعا کرد با کمک امارات متحده عربی که بارها به حمایت از آراس‌اف متهم شده موفق به توافقی برای ورود کمک‌ها به شهر شده است؛ اما این تلاش‌ها شکست خورد و نیروهای آراس‌اف حلقه محاصره را تنگ‌تر کردند. اکنون ال‌فاشر با خاکریزهای بزرگ احاطه شده و فرار غیرنظامیان تقریباً غیرممکن است. برآوردها نشان می‌دهد، از هر پنج کودک زیر پنج ساله، یک نفر دچار سوء‌تغذیه شدید است و این رقم در کودکان زیر هجده ماه به ۲۷/۵ درصد می‌رسد. همچنین ۳۸ درصد از زنان باردار و شیرده دچار سوء‌تغذیه‌اند. بالاترین میزان سوء‌تغذیه در میان دختران نوجوان ۱۵ تا ۱۹ سال دیده شده است؛ جایی که ۶۰ درصد از آنها دچار «تحلیل رفتن شدید بدنی» هستند. گلوبله‌اران بی‌هدف موجب شده است بسیاری از خانواده‌ها روز‌ها را در سنگرها یا پناهگاه‌های زیرزمینی بگذرانند. نیمی از مردم گفته‌اند قربانی خشونت شده‌اند و ۷۱ درصد شاهد حمله به همسایگان خود بوده‌اند.

شهر «ال‌فاشر» آخرین پایگاه ارتش سودان در غرب این کشور، بیش از پانصد روز است که زیر حملات نیروهای شبه‌نظامی موسوم به نیروهای پشتیبانی سریع (آراس‌اف) مقاومت کرده است. براساس داده‌های جدید، بیشتر خانه‌ها در این شهر ویران شده و ساکنان با گرسنگی و سوء‌تغذیه گسترده دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ال‌فاشر اکنون به شهری «غیرقابل سکونت» تبدیل شده است.

به نوشته «گاردین» در حالی که گلوبله‌اران توپخانه‌ای و حملات پهبادی بی‌وقفه ادامه دارد، حدود ۲۵۰ هزار نفر در منطقه‌ای کوچک و محاصره شده به سختی زنده مانده‌اند. به مدت ۵۴۹ روز، نیروهای آراس‌اف ایسن شهر را در محاصره نگه داشته‌اند و با جلوگیری از ورود کمک‌های انسانی، تلاش می‌کنند آخرین سنگر ارتش سودان در غرب کشور را تصرف کنند.

گزارش‌هایی از خانواده‌هایی که به تازگی موفق شده‌اند از شهر بگریزند (نزدیک به ۹۰۰ نفر) گفتند جمعیت گرفتار شده «تا مرز نابودی» پیش رفته است. بسیاری دیگر هنگام تلاش برای فرار ربوده یا کشته شده‌اند. سه‌چهارم ساکنان می‌گویند دست‌کم سه بار مجبور به تغییر محل زندگی شده‌اند و ۸۱ درصد گفتند هیچ‌وقت احساس امنیت نکرده‌اند.

توافق ابراهیم

«استیو ویتکاف» فرستاده ویژه ترامپ، ادعا کرد: «وقتی آمریکا با شفافیت و قاطعیت رهبری کند، صلح ناگزیر به دنبال آن می‌آید و جهان برای نسل‌های آینده امن‌تر می‌شود!» وی افزود: «ما عمیقاً متعهد به گسترش اساسی توافقات‌های ابراهیم هستیم.» ویتکاف با اشاره به اینکه صحنه‌های اعدام و درگیری‌های داخلی، به مسئله غزه بُعد پیچیده انسانی و امنیتی بخشیده است، ادعا کرد که ساکنان شایسته یک زندگی شرافتمندانه هستند و بدون آن، نمی‌توان از صلح پایدار صحبت کرد. ویتکاف در سخنان خود به صراحت از لزوم خلع سلاح کامل حماس سخن گفت و ادعا کرد، این جنبش «آینده‌ای در غزه به شکل سابق ندارد، مگر اینکه قاطعانه خلع سلاح شود.»



نگاهی به گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره فرصت‌ها و چالش‌های گذار جمعیتی کشور

ایران ۱۴۵۰ و مسئله گذار جمعیتی



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در لایه‌های زیرین تحولات روزمره سیاسی و اقتصادی کشورمان، یک دگرگونی بنیادین و خاموش در حال شکل‌دهی به سرنوشت دهه‌های آتی است که از آن با عنوان «گذار جمعیتی» یاد می‌شود. این فرآیند بنیادین که با کاهش مستمر میزان باروری و افزایش امید به زندگی، هرم سنی جامعه را از قاعده‌ای جوان و پهن به ساختاری سالخورده و رأسی باریک مبدل می‌کند، پدیده‌ای فراتر از یک آمار جمعیت‌شناختی است. این گذار، یک ابرچالش راهبردی با ابعاد درهم‌تنیده اقتصادی، اجتماعی و امنیتی است که پایداری نظام رفاهی، توان تولید ملی و انسجام بین‌نسلی را به طور مستقیم هدف قرار می‌دهد. کشورمان امروز دقیقاً بر روی گسل این تحول عظیم ایستاده است؛ در نقطه‌ای عطف که پنجره فرصت سود اول جمعیتی، یعنی دوره طلایی رشد اقتصادی ناشی از فرونی جمعیت در سن کار، رو به بسته شدن است. گزارش سیاستی و آینده‌نگر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با عنوان «پاسخ به گذار جمعیتی در ایران» که ماه گذشته منتشر شد با دقت علمی چشم‌انداز تحولات تا سال ۱۴۵۰ را ترسیم کرده، زنگ هشدار جدی را به صدا درآورده است که غفلت از این پیچ تاریخی و تعلل در اصلاحات ساختاری، ممکن است کشور را در دهه‌های آینده با بحران‌های عمیق در نظام بازنشستگی، سلامت و پایداری مالی دولت مواجه کند. بنابراین، پرسش محوری و حیاتی این نوشتار این است که چگونه می‌توان این گذار اجتناب‌ناپذیر را نه به منزله یک تهدید قریب‌الوقوع، بلکه همچون فرصتی تاریخی برای خلق و انباشت یک سرمایه ملی پایدار و بین‌نسلی مدیریت کرد؟ متخصصان و صاحب‌نظران پاسخ این پرسش را در گرو یک بازاریابی هوشمندانه، شجاعت‌انه و فوری در الگوهای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و معماری نظام حمایتی کشور می‌دانند، اما در ادامه به طور عمیق‌تر این موضوع را بررسی می‌کنیم.

پنجره‌ای که به‌زودی بسته می‌شود

مفهوم «سود جمعیتی» یا «Demographic Dividend» در ادبیات توسعه، به دو پنجره فرصت متمایز برای جهش اقتصادی اشاره دارد. سود اول، که کشورمان از اواخر دهه ۱۳۶۰ از مزایای آن بهره‌مند شده و طبق برآوردهای دقیق تا حدود سال ۱۴۰۶ به پایان راه خود می‌رسد، ناشی از یک وضعیت مطلوب جمعیتی، یعنی افزایش چشمگیر سهم جمعیت در سن کار (۱۵ تا ۶۴ سال) نسبت به جمعیت وابسته (کودکان و سالمندان) است. این دوره طلایی، که در آن بار تکفل اقتصادی بر دوش خانوارها و دولت به‌طور طبیعی کاهش می‌یابد، به‌طور بالقوه فرصتی استثنایی برای افزایش پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حیاتی، توسعه انسانی و جهش تولید فراهم می‌آورد. داده‌های گزارش مذکور نشان می‌دهد، این دوره در کشورمان، هر چند به دلیل سرعت بالای کاهش باروری، کوتاه‌تر از بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه بوده، اما شدت و تأثیرگذاری بیشتری داشته و به‌طور میانگین حدود

۲ درصد به رشد اقتصادی سالانه کمک کرده است. بااین حال، باید اذعان کرد که به دلیل چالش‌های ساختاری اقتصاد و فشارهای خارجی، احتمالاً از تمام ظرفیت این پنجره تاریخی بهره‌برداری نشده است. اکنون این فرصت ماهیتی گذرادارد و در حال بسته شدن است. نسل پرشمار متولد دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ که موتور محرک این سود جمعیتی بودند، به‌سرعت در حال عبور از دوره میانسالی و نزدیک شدن به آستانه بازنشستگی هستند. این به معنای پایان دوران وفور نسبی نیروی کار و آغاز دورانی جدید با الزامات و قواعدی کاملاً متفاوت است.

شمشیر دو لبه سالمندی

با بسته شدن پنجره سود اول، چالش اصلی، یعنی سالخوردگی جمعیت، بسا تمام قوا خود را بر صحنه سیاست‌گذاری کشور تحمیل خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که از حدود سال ۱۴۲۰، رشد جمعیت سالمند شتابی بی‌سابقه خواهد گرفت و این امر فشار عظیمی بر نظام‌های حمایتی کشور، به‌ویژه صندوق‌های بازنشستگی وارد خواهد کرد. مدل فعلی غالب بر صندوق‌های ما که مبتنی بر نظام «پرداخت جاری» است، بر این اصل استوار است که حق بیمه دریافتی از شاغلان امروز، صرف پرداخت مستمری بازنشستگان امروز می‌شود. این مدل که بر یک قرارداد نانوشته بین‌نسلی تکیه دارد، در ساختار جمعیتی جوان کارآمد است، اما در جامعه‌ای که تعداد مستمری‌بگیران به‌سرعت در حال افزایش و تعداد بیمه‌پردازان در حال کاهش است، معادل یک بمب ساعتی مالی است که به ورشکستگی صندوق‌ها، ناتوانی دولت در ایفای تعهدات و تعمیق بی‌عدالتی بین‌نسلی منجر خواهد شد. اما در دل همین چالش سهمگین، فرصتی بزرگ و راهبردی نهفته است: «سود دوم جمعیتی». این سود، برخلاف سود اول که مبتنی بر «کمیت نیروی انسانی» است، بر «کیفیت و انباشت سرمایه» استوار است. در این دوره، سالمندان می‌توانند با استفاده هوشمندانه از پس‌اندازها و دارایی‌هایی که در طول دوران اشتغال خود انباشته‌اند، از طریق مصرف هدفمند، انتقال ثروت به نسل بعد و به‌ویژه سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی و بخش‌های مولد اقتصاد، به یک موتور قدرتمند برای رشد اقتصادی تبدیل شوند. تحقق این فرصت، یک پیش‌شرط اساسی دارد: اینکه نسل میانسال امروز بتواند ثروت خلق کرده، آن را از گزند تورم مصون داشته و به سرمایه مولد برای دوران سالمندی خود و نسل‌های آتی تبدیل کند.

الگوهای جهانی، درس‌های بومی

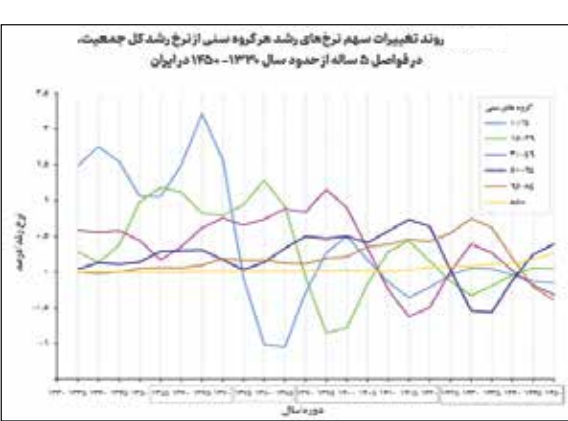
بحران سالخوردگی پدیده‌ای جهانی است و کشورمان می‌توانند با مطالعه تطبیقی تجارب دیگر کشورها، از آزمون و خطاهای پرهزینه پرهیز کند. ژاپن، به‌عنوان یکی از پیشگامان سالخوردگی، نمونه‌ای هشداردهنده است که نشان می‌دهد تأخیر در اصلاحات چگونه می‌تواند به «دهه‌های ازمست‌فته» اقتصادی و رکود ساختاری منجر شود. در مقابل، کشورهای اروپایی نظیر آلمان و سوئد، با حرکت به سمت نظام‌های «چندلایه»، ترکیبی از تأمین اجتماعی دولتی، بیمه‌های شغلی و پس‌اندازهای خصوصی را برای توزیع ریسک و افزایش پایداری به کار گرفتند. اما شاید آموزنده‌ترین الگوها، کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی باشند که با اجرای سیاست‌های پس‌انداز اجباری، ایجاد صندوق‌های بازنشستگی فردی مبتنی بر سرمایه‌گذاری و تمرکز همزمان بر ارتقای سرمایه انسانی، توانستند گذار جمعیتی را به فرصتی برای انباشت سرمایه، جهش فناوری و تبدیل شدن به قدرت اقتصادی جهانی بدل کنند. نکته مشترک در تمامی این تجارب موفق، «آینده‌نگری»، «عقلانیت راهبردی» و «اقدام پیش‌دستانه» است. این کشورها منتظر نماندند تا بحران فرا برسد، بلکه دهه‌ها قبل از اوج‌گیری پدیده سالمندی، اصلاحات ساختاری، هر چند دشوار و نامحبوب را کلید زدند. این درس برای ما حیاتی است؛ هر سال تأخیر در اصلاحات، تنها هزینه‌ها را به صورت نمایی افزایش داده و از اثربخشی راهکارها می‌کاهد. مسیر پیش‌روی کشورمان برای عبور ایمن از این گردنه تاریخی، نیازمند یک نقشه راه منسجم، یک اجماع نخبگانی و یک عزم ملی است. چالش جمعیتی رانمی‌توان با راه‌حل‌های کوتاه‌مدت یا مسکن‌های مقطعی مدیریت کرد؛ این یک مسئله تمدنی است که نیازمند یک «پیمان جدید بین‌نسلی» بر پایه عدالت و مسئولیت‌پذیری است. این پیمان باید بر چهار ستون اصلی و مکمل استوار باشد. نخست، بازاندیشی بنیادین در فلسفه نظام بازنشستگی است. باید به‌تدریج از اتکال صرف به مدل‌های ناکارآمد و شکننده «پرداخت جاری» فاصله گرفت و به سمت نظام‌های ترکیبی حرکت کرد که در آن «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری فردی» نقشی محوری ایفا می‌کند. این امر مستلزم تقویت و توسعه صندوق‌های پس‌انداز شخصی، ترویج بیمه‌های عمر و بازنشستگی تکمیلی و مهم‌تر از همه، ایجاد ابزارهای مالی جذاب، متنوع و امن برای تشویق سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است.

دوم، اصلاحات ساختاری در نظام‌های موجود امری

اجتناب‌ناپذیر است. بازنگری در پارامترهای کلیدی، مانند سن بازنشستگی و اتصال منطقی آن به «شاخص امید به زندگی» و همچنین اصلاح فرمول‌های محاسبه مستمری به‌گونه‌ای که ماندگاری بیشتر و بهره‌ورتر در بازار کار را تشویق کند، اقداماتی ضروری برای تضمین پایداری مالی صندوق‌ها و جلوگیری از فروپاشی آنهاست. این اصلاحات باید به‌صورت تدریجی، شفاف و با اقعاع اجتماعی صورت گیرد تا از بروز تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود.

سوم، سرمایه‌گذاری حداکثری بر سرمایه انسانی است. در شرایطی که کمیت نیروی کار رو به کاهش است، کیفیت و بهره‌وری، آن باید به شکل جهشی افزایش یابد. این امر مستلزم یک انقلاب در نظام آموزشی و مهارتی کشور و اتصال آن به نیازهای واقعی اقتصاد دانش‌بنیان» است. به‌طور خاص، همان‌گونه که گزارش وزارت رفاه نیز اشاره می‌کند، تسهیل مشارکت اقتصادی زنان به‌عنوان یک ظرفیت عظیم و کمتر استفاده شده، و همچنین ایجاد انگیزه برای ماندگاری نخبگان و جوانان تحصیل کرده، می‌تواند کاهش کمی جمعیت فعال را تا حد زیادی جبران کند.

و سرانجام، ایجاد محیط اقتصاد کلان باثبات، پیش‌نیاز و ضامن موفقیت تمام موارد فوق است. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بلندمدت در محیطی که تورم مزمن و بالا و عدم قطعیت اقتصادی شکل نمی‌گیرد. تورم بالا، دشمن شماره یک پس‌انداز و بزرگ‌ترین مانع بر سر راه انباشت سرمایه بین‌نسلی است. کنترل پایدار تورم، ثبات‌بخشی به سیاست‌ها و ایجاد بازارهای مالی شفاف، کارآمد و عمیق، زیربنای جلب اعتماد عمومی برای تبدیل پس‌اندازهای خرد شهروندان به سرمایه‌های کلان ملی است. در پایان و با عنایت بر آنچه بیان شد، باید پذیرفت که گذار جمعیتی یک انتخاب نیست، یک واقعیت گریزناپذیر است، اما تبدیل آن به یک بحران ویرانگر با یک فرصت تاریخی برای توسعه، کاملاً در اختیار امروز ماست. فرصت باقی‌مانده برای سیاست‌گذاری هوشمندانه، کوتاه اما هنوز مغتنم است. این گذار، نه یک تقدیر محتوم، بلکه یک میدان انتخاب راهبردی است. اگر امروز با شجاعت، دوراندیشی و اجماع ملی، بذر اصلاحات ساختاری را بکاریم، می‌توانیم اطمینان یابیم که آینده کشورمان بر پایه‌های اقتصادی مستحکم و عدالت بین‌نسلی استوار خواهد بود و «سرمایه ملی» انباشته شده، رفاه، امنیت و عزت نسل‌های امروز و فردا را تואمان تضمین خواهد کرد.



اندیشکده

تحلیلی بر ابعاد پنهان یک چالش ملی با عنوان صندوق‌های بازنشستگی

امنیت، جمعیت و مسئله اقتصاد فردا!

از سوی دشمنان خارجی و جریان‌های معاند بهره‌برداری شود. در عصر جنگ‌های ترکیبی، بی‌ثبات‌سازی از درون، یکی از کارآمدترین راهبردهای تضعیف یک کشور است. بحران صندوق‌های بازنشستگی، بستری ایده‌آل برای عملیات‌های نفوذ و جنگ روانی فراهم می‌آورد. شبکه‌های رسانه‌ای معاند می‌توانند با بزرگ‌نمایی مشکلات، انتشار اخبار نادرست درباره فساد در صندوق‌ها و تحریک احساسات بازنشستگان، به‌راحتی آتش نارضایتی را شعلهور کنند و انسجام اجتماعی را هدف قرار دهند. این آسیب‌پذیری، کشور را در مقابل فشارهای خارجی شکننده‌تر کرده و توان چانه‌زنی دیپلماتیک و قدرت بازدارندگی آن را در عرصه بین‌المللی کاهش می‌دهد. دولتی که در داخل با چنین بحران و اعتراضات گسترده روبه‌رو شود، در صحنه خارجی نیز یک بازیگر ضعیف و آسیب‌پذیر تلقی خواهد شد. افزون بر این، فرسایش طبقه متوسط که بخش بزرگی از بازنشستگان را تشکیل می‌دهد، می‌تواند به رادیکالیسم و خشونت سیاسی و کاهش مشارکت مدنی منجر شود و زمینه

است. نظام بازنشستگی، یکی از ملموس‌ترین و حیاتی‌ترین ستون‌های این قرارداد است؛ یک پیمان بین‌نسلی که در آن، شهروندان دهه‌ها از عمر و نیروی خود را در ازای تضمین یک زندگی آبرومندانه در دوران سالمندی، در اختیار چرخه توسعه کشور قرار می‌دهند. زمانی که این پیمان به دلیل سوء‌مدیریت، محاسبات نادرست یا فشارهای ساختاری در آستانه شکست قرار می‌گیرد، آنچه فرومی‌ریزد تنها توان مالی یک صندوق نیست، بلکه «اعتماد عمومی» به منزله سرمایه اصلی حاکمیت است. از دست رفتن این اعتماد، به‌ویژه در میان میلیون‌ها بازنشسته که تمام امنیت روانی و معیشتی خود را بر این تعهد بنا کرده‌اند، می‌تواند به سرخوردگی عمیق، نارضایتی سازمان‌یافته و در نهایت، کشنگری‌های اعتراضی منجر شود که کنترل آن بسیار دشوار خواهد بود. این جمعیت، برخلاف گروه‌های دیگر، پراکنده و فاقد سازمان نیست؛ بلکه شبکه‌ای گسترده و منسجم است که ظرفیت بالایی برای بسیج اجتماعی دارد. از منظر امنیتی، هرگونه شکاف و نارضایتی داخلی، یک «نقطه آسیب‌پذیر» است که می‌تواند

سید علی حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

در گفتمان راهبردی کشور، تهدیدهای امنیت ملی اغلب در چارچوب‌های نظامی، ژئوپلیتیکی یا سایبری تعریف می‌شوند؛ اما گاهی خطر ناک‌ترین تهدیدها، نه در مرزهای جغرافیایی، بلکه در گسل‌های خاموش اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد: تهدیدهایی که به آرام‌پی، اما با قاطعیتی ویرانگر، پایه‌های ثبات و انسجام ملی را اسست می‌کنند. از این منظر، چالش پیچیده و عمیق صندوق‌های بازنشستگی، که در گذار جمعیتی کشورمان ریشه دارد، صرفاً یک مسئله معیشتی یا چالش اقتصادی نیست؛ بلکه یک «اثر پدید» امنیت ملی با امکان ایجاد بی‌ثباتی‌های گسترده اجتماعی است. غفلت از این بمب ساعتی، می‌تواند هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر از هرگونه بحران خارجی بر کشور تحمیل کند.

اساس امنیت پایدار در هر کشوری، بر استحکام «قرارداد اجتماعی» میان حاکمیت و مردم استوار

۵

راهبرد

شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

صداقت

دیگران

شاخص جهانی بازنشستگی

صبح صادق این نوشتار را صرفاً برای اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند*گزارش

سال ۲۰۲۵ در «شاخص جهانی بازنشستگی مر سر و مؤسسه CFA» به تحلیل و رتبه‌بندی ۵۲ نظام بازنشستگی در سراسر جهان می‌پردازد و با برجسته ساختن چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران، چشم‌اندازی جامع از وضعیت امنیت دوران بازنشستگی ارائه می‌دهد. امسال با افزودن کشورهای کویت، نامیبیا، عمان و پاناما، دامنه تحلیل خود را گسترش داده و با بهره‌گیری از داده‌های به‌روز سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و معرفی معیارهای جدید در سنجش یکپارچگی، به درک عمیق‌تری از عملکرد این نظام‌ها دست یافته‌است. ارزیابی بر پایه سه شاخص اصلی «کفایت»، «پایداری» و «یکپارچگی» استوار است که با بیش از ۵۰ زیرشاخص، تصویری چندبعدی از هر نظام ارائه می‌کند. در سال ۲۰۲۵، کشورهای هلند، ایسلند، دانمارک، سنگاپور موفق به کسب رتبه ممتاز «A» شدند. در این میان، دستیابی سنگاپور به این جایگاه به عنوان نخستین کشور آسیایی، یک نقطه عطف تاریخی محسوب می‌شود. نتایج امسال که شامل هشت مورد ارتقاء و تبه و هیچ مورد تنزلی نبود، نشانگر یک روند جهانی مثبت و رو به رشد در جهت تقویت تاب‌آوری نظام‌های بازنشستگی در بلندمدت است.

در ارزیابی‌های دقیق‌تر بر اساس هر یک از شاخص‌های اصلی، نتایج جالبی به دست آمده است. در شاخص «کفایت»، که به میزان مستمری دریافتی بازنشستگان می‌پردازد، کویت، هلند و فرانسه بهترین عملکرد را داشته‌اند. در شاخص «پایداری»، که توانایی یک نظام برای تداوم ارائه خدمات در آینده را می‌سنجد، ایسلند، دانمارک و هلند در صدر قرار گرفته‌اند. این نشان می‌دهد که این کشورها توانسته‌اند تعادل مناسبی میان تعهدات فعلی و ظرفیت‌های آتی خود ایجاد کنند. سرانجام، در شاخص «یکپارچگی»، که بر اعتماد عمومی، شفافیت و حاکمیت صحیح نظام بازنشستگی تمرکز دارد، فنلاند، سنگاپور و هنگ‌کنگ بهترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این تفکیک نشان می‌دهد که یک نظام بازنشستگی موفق، حاصل ترکیبی متوازن از ارائه مزایای کافی، تضمین پایداری مالی در طول زمان و جلب اعتماد شهروندان از طریق ساختارهای شفاف و قابل اتکا است و هر کشوری می‌تواند در یکی از این ابعاد سرآمد باشد.

یکی از مباحث محوری گزارش ۲۰۲۵، بررسی توازن حساسی است که دولت‌ها در تشویق صندوق‌های بازنشستگی خصوصی به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دارای اولویت ملی با آن روبرو هستند. این موضوع، پرسش‌های مهمی را در نقطه تلاقی سیاست‌گذاری عمومی و تأمین امنیت بازنشستگی مطرح می‌کند. در حالی که بسیاری از دولت‌ها تمایل دارند از سرمایه عظیم انباشته در این صندوق‌ها برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی کلان، مانند توسعه زیرساخت‌ها، استفاده کنند، این رویکرد نباید هدف اصلی و بنیادین صندوق‌ها را که همانا تأمین منافع حداکثری اعضا و بازنشستگان است، به خطر اندازد.

در نهایت، گزارش به این نکته می‌پردازد که بهترین نظام‌های بازنشستگی زمانی شکل می‌گیرند که نوآوری و اولویت‌های ملی با مسئولیت همیشگی در قبال منافع سرمایه‌گذاران نهایی، یعنی خود بازنشستگان، در تعادل قرار گیرند. اصول پیشنهادی در این گزارش، راهنمایی برای این همکاری است؛ اصولی که بر پایه مفاهیمی چون «اولویت تأمین درآم‌د بازنشستگی برای اعضا»، «تعهد امانا به حفظ منافع ذی‌نفعان» و «شفافیت کامل در افشای سرمایه‌گذاری‌ها» استوار است.

***مقاله‌ای از مؤسسه Mercer**

یادداشت

مردم نباید تنها بمانند!

رحمان سعادت

اقتصاددان

موضوع حمایت از معیشت مردم با توجه به افزایش قیمت‌هایی که در ماه‌های اخیر، وضعیت زندگی را بر مردم سخت کرده است، از جمله مباحثی است که کارشناسان اقتصادی پیر آن تأکید داشته و همواره خواستار آن هستند که دولت در این زمینه نسبت به برنامه‌های حمایتی، رویکردی جدی‌تر و غیر منفعلانه اتخاذ کند.

با اینکه از سال گذشته تا کنون بحث حمایت از معیشت مردم در قالب اعطای کالا برک به خوبی دنبال شده و این راهبرد قابل تأیید و حمایت است؛ اما روند حمایتی به گونه‌ای نیست که حداقل برای اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه، احساس آرامش ایجاد شود.

از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی بر این موضوع تأکید کرده که یارانه سه دهک درآمدی اول جامعه حذف می‌شود، حذف یارانه دهک‌های دارای درآمد بالا موضوع مهمی است؛ اما ناظر بر تحقق این موضوع که دولت نسبت به شناسایی درست دهک‌های ثروتمند و دارای درآمد اطمینان خاطر داشته باشد. با توجه به این موضوع که متأسفانه رصد و پایش‌های صورت گرفته در این حوزه آنچنان که باید و شاید درست نبوده است.

دولت خود را موظف به حمایت از معیشت مردم می‌داند؛ اما این حمایت به درستی تعریف نشده است.

قالب‌های گوناگون حمایتی باید مشخص شوند. حمایت‌های بهداشتی، درمانی، آموزشی و... از جمله ضروریات و اولویت‌هایی است که بیشتر مردم جامعه از جمله دهک‌های پایین درآمدی به شدت نیازمند آن هستند؛ لذا از این موضوعات بسیار مهم نباید غافل شویم، باید این موضوعات هم در لیست حمایتی دولت گنجانده شوند.

در بخش مسکن، اجاره بها معیشت قشر مستأجر را که اغلب کارگران و کارمندان با درآمد‌های ثابت و حداقلی هستند، تحت‌الشعاع قرار داده است و بخش قابل توجهی از درآمد آنها به سبد اجاره بها واریز می‌شود.

دولت متأسفانه به صورت قطعی و دقیق مشخص نکرده است که می‌تواند چه حمایت‌هایی از مردم داشته باشد. برای نمونه، دولت با کسری بودجه سنگینی که دارد و آثار منفی آن عموماً در ماه‌های آخر سال مشهود می‌شود، آیا می‌تواند به جز یارانه‌ای که در قالب کالا برک به مردم می‌دهد، حمایتی در بخش کاهش نرخ دارو، یا حمایت‌هایی در شکل وام‌های کمک‌ودیعیه با سودهای پایین از مردم داشته باشد یا خیر؟

در وضعیت حساس کشور که بخش قابل توجهی از مردم تحت فشارهای معیشتی هستند، حمایت دولت از مردم را نباید به حمایت درحوزه یارانه کالا برک تقلیل داد؛ زیرا این حمایت‌ها تأمین‌کننده چند قلم کالا در ماه است؛ در حالی که مستأجران زیر فشار اجاره بها، هزینه‌های دارو، درمان و آموزش فرزندان خود قرار دارند. بنابراین به نظر می‌رسد در بخش حمایت دولت از اقشار ضعیف جامعه نیازمند بازنگری و بازتعریف واژه حمایت هستیم؛ اگر اینگونه نشود، به این معناست که دولت مردم را در مقابل این چالش‌های جدی تنها گذاشته است، چالش‌هایی که خطر آن را نباید کمتر از خطرهایی دانست که در حوزه امنیتی و نظامی کشور را تهدید می‌کند.

حمید حاج اسماعیلی، در گفت‌وگو با صبح صادق

نظارت بر قیمت‌ها باید تشدید شود!



نظارتی خود را گسترش دهد؛ زیرا قیمت تمامی کالاها افزایش یافته و مردم هر روز با قیمت‌های جدیدی مواجه می‌شوند. درست نیست مردمی که به فروشگاه‌های زنجیره‌ای مراجعه می‌کنند هر روز با قیمت‌های گران‌تر از روزهای قبل مواجه شوند! اگر چه ما مدت‌هاست با تورم‌های بالا و ساختاری مواجهیم، وضعیت قیمت کالا‌های اساسی در گذشته اینچنین نبود. متأسفانه می‌توان گفت طی یک سال و نیم اخیر، قیمت‌ها در این فروشگاه‌ها به شدت افزایش یافته و این روند نشان می‌دهد دولت نظارت بر قیمت‌ها را رها کرده است. »

حمید حاج اسماعیلی معتقد است: «واقعیت این است که به خاطر شرایط خاصی که در کشور داریم، دولت به مباحث امنیتی توجه بیشتری از مباحث معیشتی دارد، در حالی که مسئله تأمین معاش مردم هم می‌تواند مانند مباحث امنیتی، مهم و حتی چالش‌زا باشد و حتی خود به یک مسئله امنیتی تبدیل شود.»

وی در این باره تصریح کرد: «دولت اگر شناختی از بحث امنیت نداشته باشد، دچار اشکال می‌شود. همانطور که مسائل امنیتی و نظامی را اولویت می‌داند معیشت مردم را نیز هم‌پای مسائل امنیتی و نظامی مهم بداند.»

حاج اسماعیلی تأکید کرد: «با از دست رفتن معیشت مردم، امنیت داخلی دستخوش حوادث بسیاری می‌شود، لذا دولت باید به مسائل نگاه جامعی داشته باشد تا امنیت عمومی مردم در بخش معیشتی دچار چالش نشود.»

بی‌تردید دولت اهرم‌هایی برای کنترل بازار مثل فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای و میادین میوه و تره بار برای عرضه ارزان کالا در اختیار دارد؛ اما شواهد امر در هفته‌های گذشته حاکی از آن است که متأسفانه دولت از این ابزارها استفاده مناسب نکرده و این بخش‌ها را به حال خود رها کرده است. چنانکه متوسط قیمت هر کیلو میوه در میادین تره بار بیش از ۱۵۰ هزار تومان شده است. این موضوع بیانگر نبود نظارت یا کاهش نظارت دولت بر فروشگاه‌های بزرگ در زمینه ارائه کالاها و موضوع قیمت‌هاست.»

وی در این باره تصریح کرد: «به نظر می‌رسد دولت دیگر قیمت گوشت، مرغ یا سایر کالاها را در فروشگاه‌های زنجیره‌ای رصد نمی‌کند؛ زیرا قیمت‌ها در این فروشگاه‌ها بسیار افزایش یافته است.»

حاج اسماعیلی با اشاره به اینکه در شهرستان‌ها نیز باید تهربارهایی برای خرید با نرخ‌های پایین برای مردم در نظر گرفته شود و این موضوع فقط خاص کلانشهرها نباشد، گفت: «با توجه به کاهش قدرت خرید مردم در شهرستان‌ها، حتماً دولت باید بدین موضوع ورود کند و شرایط خاص را نه فقط برای مردم کلانشهرهایی، مثل تهران و البرز بلکه برای مردم همه شهرها و استان‌ها لحاظ کند. اگر دولت برای خرید مردم، بازارهایی با نرخ‌های پایین‌تر از بازار آزاد تعبیه نکند، بی‌تردید مردم از تورم آسیب می‌بینند؛ زیرا حقوق‌ها و درآمدها کفاف تأمین زندگی را نمی‌دهد.»

وی همچنین گفت: «دولت باید شبکه

در خرید با کالا برک، انتخاب آزادانه‌ای داشته باشند تا حداقل بخشی از نیاز تغذیه‌ای مردم از این طریق تأمین شود، البته با تذکر نسبت به این موضوع که انتخاب و آزادی عملی که به مردم داده می‌شود، بدین معنا نباشد که موضوع کالا برک دچار انحراف شود و مردم به سراغ خریدهای دیگری بروند که خرید کالا‌های اساسی و اقلام تغذیه‌ای نیست.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است: «با توجه به اینکه چالش‌ها و مشکلات زندگی امروز مردم بسیار افزایش یافته، این احتمال داده می‌شود که آنها به سراغ خریدهایی بروند که جزء موارد تغذیه‌ای نیست، بنابراین دولت باید خرید کالا‌های اساسی را تضمین کند و این مسیر را به صورت خط اعتباری مطمئن برای خانواده‌ها تضمین کند تا اعتبار کالا برگی که داده می‌شود، فقط در حوزه تغذیه مردم مصرف شود.»

حمید حاج اسماعیلی یادآور شد: «دولت باید خط اعتباری معیشتی را در ارتباط با کالا‌های اساسی حفظ کند که حتماً مردم آن کالاها را خریداری کنند؛ زیرا خطر افزایش بیماری‌ها، هزینه‌های جانبی سنگینی بر شبکه بهداشت و درمان کشور وارد می‌کند. البته دولت در طرح کالا برک باید تنوع کالاها را در نظر داشته باشد تا نیاز مشترک عموم رعایت شود.»

این کارشناس اقتصادی با انتقاد نسبت به نبود نظارت بر قیمت کالا‌های اساسی در فروشگاه‌های دولتی و میادین میوه و تره بار گفت: «متأسفانه در ماه‌های گذشته شاهد افزایش قیمت همه کالاها، از جمله کالا‌های اساسی بوده‌ایم.

ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر بازار کار گفت:
«متأسفانه مدت زمانی است که شاهد انحراف دولت از توجه به معیشت مردم هستیم؛ در حالی که دولت در حوزه عمومی باید اولویت‌ها را دسته‌بندی کند. همانطور که مسائل نظامی و امنیتی برای هر کشوری اولویت است، معیشت مردم را نیز باید هم‌پای امنیت موضوع مهمی بدانیم.»

«حمید حاج اسماعیلی» کارشناس بازار کار در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره تداوم اعطای طرح کالا برک، نظارت دولت بر قیمت کالا‌های اساسی و اهمیت موضوع تأمین معیشت مردم و جلوگیری از سوء تغذیه با راهکارهای یارانه‌ای حمایتی به چند نکته مهم در زمینه این موضوع اشاره کرد و گفت: «متأسفانه روند افزایش قیمت‌ها شیب تندی به خود گرفته است، با اینکه برخی کالا‌های اساسی مثل گوشت، روغن، لبنیات و ماکارونی و... نیز به سبد کالا‌های اساسی افزوده شده‌اند و مردم با کالا برک می‌توانند این کالاها را خریداری کنند، اما دولت باید بداند خانوارها فقط نیازمند خرید این چند قلم کالا نیستند.»

وی افزود: «دولت باید به صورت میدانی و کارشناسی، کالا‌های بیشتری را وارد سبد معیشتی مردم کند تا مردم بتوانند با کالا برک این اقلام را تهیه کنند. به عبارت دیگر مردم باید

شاخص

بحران اشتغال

کارشناسان اقتصادی می‌گویند جوانان در انگلیس بیش از سایر گروه‌ها از وضعیت شکننده بازار کار این کشور که تحت تأثیر سیاست‌های بودجه‌ای ریچل ریزو، وزیر دارایی، در مسیر دشواری قرار گرفته است، آسیب دیده‌اند. بر اساس تازه‌ترین آمار رسمی بریتانیا، شمار جوانان بیکار در سه‌ماهه منتهی به ماه اوت افزایش یافته و میزان کلی بیکاری نیز به بالاترین سطح در چهار سال اخیر رسیده است. در عین حال، تعداد فرصت‌های شغلی کاهش یافته و هزینه دستمزد در بخش دولتی رشد قابل توجهی را نسبت به بخش خصوصی تجربه کرده است. تحلیلگران می‌گویند بخشی از این وضعیت ناشی از افزایش هزینه اشتغال است.



افزوده

ورشکسته

«ورشکستگی» در قانون تجارت، یعنی یک تاجر از پرداخت تعهدات خود عاجز شود؛ البته ممکن است تاجر املاک و مستغلات فراوانی داشته باشد و به دلیل در رهن بودن این املاک نتواند تعهدات خود را انجام دهد و به موجب آن ورشکسته تلقی می‌شود. از جمله معایبی که می‌تواند در مواجهه با ورشکستگی ذکر کرد، این است که تاجر دیگر نمی‌تواند در اموال خودش دخل و تصرفی داشته باشد. همچنین، ورشکستگی موجب سلب اعتبار تاجر در امور اقتصادی می‌شود. ورشکستگی برای بسیاری از تاجران پایان راه است و اگر نتوانند این دوران را به درستی مدیریت کنند، ممکن است عمر فعالیت تجاری آنها را به آخر برساند.



منهای نفت

۴۳۰ هزار تن

ایران با داشتن بیش از ۴۰۰ رقم و ژنوتیپ خرما، یکی از غنی‌ترین ذخایر ژنتیکی این محصول ارزشمند را در جهان داراست. خرمای پیرام هرمزگان، شاهانی فارس، کیکاب بوشهر، استعمران خوزستان، مضافتی کرمان و ربی سیستان و بلوچستان تنها بخشی از تنوع بی‌نظیر خرمای ایرانی هستند که شهرت جهانی دارند. ایران در سال گذشته حدود ۴۳۰ هزار تن خرما به ارزش نزدیک به ۳۹۵ میلیون دلار صادر کرده است. با توجه به این ظرفیت، تمرکز بر بهبود کیفیت، بسته‌بندی مناسب می‌تواند ارزش افزوده بیشتری برای کشور داشته باشد. علاوه بر این، صنعت خرما در مناطق روستایی، نقش مهمی در اشتغال پایدار و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند.



حضرت زینب(س) عالمه غیر معلمه

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین علی نظری منفرد



و کم‌نظیری است؛ یعنی در آن عصری که زنان در جامعه جاهلیت آن روز هیچ ارزشی نداشتند، خداوند متعال به پیامبر (ص) یک دختری عنایت کرد مثل فاطمه زهرا(س) و به امیرالمؤمنین(ع) یک دختری عنایت کرد مثل زینب کبری(س)، واقعاً اینها زن‌های نمونه‌ای هستند در تاریخ که

حضرت زینب(س) بزرگ‌ترین دختر امیرالمؤمنین(ع) و فاطمه زهرا(س) است. پیامبر اسلام(ص) را درک کردند، پنج ساله بودند که پیامبر(ص) از دنیا رفت. بنابراین می‌شود گفت جزء زن‌هایی هستند که صحابه پیامبر(ص) بودند. واقعاً این دختر زینت پدر و مادر است.

دختری که تمام صفات پسندیده در او جمع شده بود. سال رحلت ایشان هم رجب سال ۶۲ بوده؛ یعنی یک سال و نیم بعد از امام حسین(ع) حیات ایشان طول کشید. بنابراین سن ایشان هنگام رحلت‌شان همان ۵۷ سال بود. این یک اجمالی از این بزرگوار است... صفات پسندیده، ایمان، تقوا، صبر و ایثار، اینهاست که انسان را ارزشی می‌کند و هویت انسان را متجلی می‌کند و حضرت زینب(س) اینگونه بسود؛ یعنی تنها حضرت زینب(س) نسبی ندارد که بی‌بدیل هست، در عرصه ایمان انسان بی‌بدیلی است. در عرصه علم انسان فوق‌العاده‌ای است. عالمه غیر معلمه و فهمة غیر مفهمه است. در عرصه صبر انسان بی‌بدیلی است. در شجاعت انسان بی‌نظیر



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

یکی از آشکارترین انحرافات که پیامبران الهی و اوصیای آنان همواره در برابرش ایستادند، دنیاطلبی و جاه‌طلبی بود؛ بیماری‌ای که اگر در دل انسان رسوخ کند، تمام ارزش‌های الهی را به حاشیه می‌برد. انسان در این حالت، خود را نه در برابر خدا بلکه در برابر دیگران می‌سنجد و هر چه از دید مردم بزرگ‌تر و پرشکوه‌تر به نظر برسد، احساس پیروزی و موفقیت بیشتری دارد. این روحیه اگر در میان مردم عادی خطری بزرگ است، در میان حاکمان و صاحبان نفوذ فکری و اجتماعی به مراتب خطرناک‌تر است. زیرا رفتار آنان آینه‌ای است که مردم جامعه در آن خود را می‌بینند. جامعه از سیره و رفتار پیشوایانش الگو می‌گیرد و اگر آنان به دنیا‌گرایی پیدا کنند، مردم نیز در پی آنان خواهند رفت. قرآن کریم در آیات متعدد، خطر دنیاگرایی و برتری‌طلبی را یادآور شده است. خداوند می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا» (قصص/۸۳)؛ سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که در زمین برتری‌جویی و فساد نمی‌خواهند. این آیه معیار روشنی است که هر نوع برتری‌طلبی، تجمل‌گرایی، تفاخر

و قدرت‌نمایی که از روح دنیاطلبی بر خیزد، انسان را از مسیر الهی خارج می‌سازد. بر همین اساس، امام علی(علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه فرمود: «به خدا سوگند اگر شب‌ها را تا صبح بر خارهای سوزان به سر برم و با زنجیر بسته شوم، برایم خوش‌تر است از اینکه در روز قیامت خدا و رسولش را دیدار کنم در حالی که به کسی ستم کرده یا مالی از دنیا را به ناحق گرفته باشم.» این جمله، نهایت بی‌اعتنایی به دنیا و قدرت‌رادر سیره حاکم الهی نشان می‌دهد.

در سیره اهل‌بیت(ع) حکومت‌ه‌وسایله‌ای برای رفاه و تفاخر، بلکه ابزاری برای اجرای عدالت و خدمت به‌بندگان خدا بود. امیرالمؤمنین(ع) وقتی در حکومت کوفه زندگی می‌کرد، ساده‌ترین لباس‌ها را می‌پوشید و از نان جو خشک تغذیه می‌کرد. در زمان ایشان، کارگزاران موظف بودند زندگی ساده‌ای داشته باشند تا فاصله طبقاتی میان آنان و مردم ایجاد نشود اما هرگاه حاکمان به تجمل و قدرت دل بستند، روح مردم نیز به دنیا متمایل شد. زیرا مردم، خواهان‌خواه، حاکمان را معیار موفقیت می‌دانند. اینکه گفته‌اند: «إِنَّ النَّاسَ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ» معطوف به این موضوع است. مردم بر آیین بزرگان خود هستند. یعنی رفتار و روش حاکمان، بی‌درنگ به لایه‌های پایین جامعه منتقل می‌شود. اگر حاکمان در رفاه، قدرت‌نمایی، رقابت بر سر مال و ظاهر‌گرایی باشند، جامعه نیز همان راه را می‌پیماید. در احادیث دیگر

آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: «همه خیر در خانه‌ای نهاده‌شده و کلیدش را زهد و بی‌رغبتی بدینا قرار داده‌اند. سپس فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: مرد شیرینی ایمان را در قلبش نمی‌یابد، تا آنکه باکش نباشد که چه کسی دنیا را خورد. آنگاه امام صادق(ع) فرمود: شناختن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرامست، تا به دنیا بی‌رغبت شود.» (الکافی، ج ۲، ص ۱۲۸) اماوقتی حاکمان یا نخبگان جامعه الگوی چشم‌دوختن به زر و زیور دنیا باشند، این میل به تمام جامعه سرایت می‌کند. با تمام این احوال باید توجه کرد که حاکمان تنها به‌صاحبان قدرت سیاسی محدود نیست. در هر عصری گروه‌هایی وجود دارند که بر افکار و احساسات مردم حاکم‌اند! خواه اندیشمندان وابسته، خواه ثروتمندان یا صاحبان رسانه. امروز در جهان معاصر، «حاکمان فکری» در قالب شبکه‌های خبری، صنایع فرهنگی، رسانه‌ها و... نقشی دارند که گاه از حکومت‌های رسمی تأثیرگذارتر است. آنان سبک زندگی را تعیین می‌کنند، معیار موفقیت را تعریف می‌نمایند و ذهن مردم را به سوی اهداف خود سوق می‌دهند. چنین قدرتی، اگر از مسیر الهی و اخلاقی خارج شود، همان اثر فسادانگیز را دارد که قرآن درباره فرعون‌ها و نمرودها هشدار داده است. در واقع، «فرعونیسم رسانه‌ای» شکل جدیدی از همان برتری‌طلبی است که آیه‌قصص از آن نهی کرد. وقتی رسانه‌ها، صنعت مد، سینما

لا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ» (ابراهم/۴۲) یعنی با یزید صحبت از قیامت می‌کند. یا با ابن زیاد وقتی صحبت می‌کند، صحبت از قیامت می‌کند. اعتقاد به معاد، می‌فرماید: «مَا زَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا. هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ، وَ سَبَّحُمُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ، فَتَحَاجُّ وَ تَحَاصُّمُ، فَأَنْظُرُ لِمَنِ الْفَلِخُ يَوْمَئِذٍ، تَكَلَّنَكَ أَثْمُكَ يَإَيُّنَا مَرْجَاةٌ»؛ این شهیدان کسانی بودند که خدا برای اینها شهادت را نوشته بود. اینها رفتند در جایگاه‌های خودشان خفتند. یک روزی تو را می‌آورند و این شهیدان را می‌آورند، معلوم می‌شود چه کسی سود برده و چه کسی زیان کرده است. اعتقاد به معاد!

این ایمان بود که ایشان را استوار نگه داشت. در حقیقت نهضت و قیام امام حسین(ع) دوبخش داشت. یک بخش شهادت بود. ایثار بود با جان، یک بخش اسارت بود که در این اسارت حضرت زینب(س)، پیام امام حسین(ع) را رساند. چون بنی‌امیه در صدد بودند این خون را محو کنند.

و تبلیغات، تجمل، رقابت، بدن‌نمایی و قدرت را ارزش معرفی می‌کنند، در حقیقت حاکمیت فکری خود را بر جامعه اعمال می‌نمایند. مردم، به‌ویژه جوانان، از این الگوها تقلید می‌کنند. در مقابل این جریان‌ها خطرناک، اهل بیت(ع) راهی دیگر گشودند: راه انفاق، وقف، زهد و خدمت به خلق. آنان نشان دادند که قدرت و ثروت اگر در مسیر خدا باشد، دنیا جدا نمی‌شود، بلکه پلی برای آخرت است. بنا بر دستور قرآن و ائمه معصومین(ع)، خیر دنیا و آخرت در اطاعت خداست و شر آن دو در نافرمانی او. معیار ارزش، نه مقدار مال و مقام بلکه تقوا است. اگر مال و قدرت در راه خدمت به مردم و رضای خدا خرج شود، ارزشمند است، وگرنه وبال گردن خواهد شد. در زمان ما نیز باید میان «رشد مادی» و «دنیاگرایی» فرق نهاد. اسلام هرگز با پیشرفت اقتصادی یا رفاه مردم مخالفت نکرده است. بلکه آنچه‌نکوهیده‌است، دل‌بستگی به دنیا و رقابت برای برتری ظاهری است. در جامعه‌ای که حاکمان و نخبگان، ساده‌زیستی و عدالت‌خواهی را سرلوحه رفتار خود قرار دهند، مردم نیز به دنبال حرص و تفاخر نمی‌روند اما اگر رهبران جامعه، چه سیاسی و چه فرهنگی، به رقابت در تجمل و ظاهرگرایی مشغول شوند، هر قدر هم در مورد خطرات دیگر حاکمان فکری، فرهنگی، رسانه‌ای و... اطلاع رسانی کنند و جامعه را آگاه کنند، مردم نمی‌توان این مسیر را بشناسد و به سمت آن حرکت کنند.

تاریخ نگار

شیخ‌الاسلام

در سال ۱۰۹۸ قمری، شاه سلیمان صفوی «علامه محمدباقر مجلسی» از برجسته‌ترین علمای شیعه را به منصب «شیخ‌الاسلامی» دارالسلطنه اصفهان منصوب کرد. این منصب از مهم‌ترین جایگاه‌های دینی و سیاسی در دوره صفویه بود و هدف از آن تقویت پایه‌های مذهب تشیع در ایران به شمار می‌رفت. مراسم انتصاب با احترام فراوان برگزار شد. این اقدام موجب افزایش نفوذ علمای شیعه در دربار و جامعه شد. علامه مجلسی با آثار علمی، چون «بحارالانوار» و «مرآة العقول»، نقشی اساسی در ترویج و تثبیت معارف شیعی ایفا کرد.



احکام

خراب کردن مسجد

پرسش: در طرح توسعه یکی از خیابان‌ها، چند مسجد در مسیر طرح قرار می‌گیرد که باید بعضی از آنها به طور کلی خراب شوند و در بقیه قسمتی از آنها تخریب شود تا حرکت وسایل نقلیه به‌راحتی صورت گیرد. خواهشمند است نظر شریف را بیان فرمایید.

پاسخ: خراب کردن تمام مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست، مگر در صورت وجود مصلحتی که اهمیت ندادن و بی‌توجهی به آن ممکن نباشد.

آیت‌الله‌المظلی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۴۰۳



سلوک

بی‌نصیب می‌مانی!

آیت‌الله علامه محمدتقی جعفری(ره): انسانی که هنوز آنچه به خود نمی‌پسندد، بر دیگران می‌پسندد و هنوز آنچه به خود می‌پسندد، بر دیگران نمی‌پسندد، از عرفان الهی هیچ بهره‌ای نخواهد برد. تا یک انسان از صفات نیکوی خیرخواهی، خیراندیشی، صبر، شکیبایی و ظرفیت در برابر رویدادهای سخت برخوردار نباشد، محروم خواهد ماند. از یک نظر می‌توان گفت عرفان اسلامی عبارت است از: تخلق به اخلاق الله، لذا توقع اِسنِ مقام عالی بدون تخلق به اخلاق فاضله که مقدمه لازم آن است، امکان‌پذیر نیست.



دین

شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

صداقت

آیه

گناهان مان را کوچک شماریم

سید علی میرهادی

کارشناس علوم اسلامی

قرآن کریم در سراسر آیات خود، انسان را نسبت به گناه و پیامدهای آن هشدار داده و همواره از کوچک شمردن خطاها بازداشته است. نگاه قرآن به گناه، نگاه جدی و هشداردهنده است، زیرا هر گناه، هر چند کوچک به‌نظر آید، در حقیقت نشانه‌ای از بی‌اعتنایی به فرمان خدا و فاصله گرفتن از راه حق است. در منطق الهی، اندازه گناه به اندازه بی‌توجهی انسان به عظمت پروردگار بستگی دارد. کسی که پروردگار را بزرگ بداند، حتی نافرمانی انس‌دک را عظیم می‌بیند، اما آن که خدا را کوچک در نظر گیرد، گناه کبیر را نیز سبک می‌شمارد. خداوند در قرآن فرموده: «وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور/۱۵)؛ شما آن را (گناهی) کوچک می‌پنداشتید، در حالی که نزد خدا بزرگ است. این آیه درباره تهمتی است که در زمان پیامبر(ص) نسبت به یکی از پاک‌ترین بندگان خدا زده شد اما پیامش عام است: هیچ گناهی، حتی اگر در چشم ما ساده جلوه کند، نزد خدا ممکن است بسیار بزرگ باشد. این هشدار الهی برای آن است که انسان، وجدان و ایمان خود را زنده نگه دارد و هرگز نسبت به خطایی تفاوت نشود.

از نگاه قرآن، بزرگ دانستن گناه نشانه بیداری دل است. هرچه ایمان انسان بیشتر شود، احساس سنگینی نسبت به خطاهای کوچک‌تر هم در او افزایش می‌یابد. رسول‌الله(ص) می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَالْكَافِرُ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَقْبَعٍ»؛ مؤمن گناه خود را چونان تخته سنگ بزرگی بر بالای سرش می‌بیند که می‌ترسد به روی او بیفتد و کافر گناه خویش را مانند مگسی می‌بیند که از جلوی بینی اش رد شود.(امالی طوسی، ص۵۲۷) در واقع، کسی که گناهان را کوچک می‌بیند، نه به دلیل بی‌گناهی بلکه از شدت دوری از خداست. خداوند در قرآن، با تعبیرهایی مانند «عذاب الیم»، «عذاب عظیم»، «سوء العذاب»، «نار جهنم» و ده‌ها توصیف دیگر، انسان را از غفلت نسبت به گناه باز می‌دارد. هدف از این توصیفات ترساندن بیهوده نیست، بلکه برای بیدار کردن انسان از خواب غفلت است. انسان اگر تنها با پاداش تشویق شود، ممکن است در برابر وسوسه‌های نفس مقاومت نکند اما هنگامی که از عاقبت دردناک خطا آگاه گردد، نیروی بازدارنده درونی در او فعال می‌شود. همان‌گونه که کودک با دانستن خطر آتش از نزدیک شدن به آن می‌پرهیزد، مؤمن نیز با شناخت عذاب الهی از گناه دور می‌شود. در قرآن، واژه «عذاب» بیش از سیصد بار تکرار شده و بیشتر همراه با صفتی هشداردهنده آمده است. مثلاً: «فَاتَّقُوا اللَّهَ الْيَّي وَوَدَّهَا النَّاسُ وَالْجَحَّارَةُ» (بقره/۲۴)؛ بترسید از آتشی که سوخت آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، یا «تَبَّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (حجر/۵۰-۴۹)؛ بندگانم را آگاه کن که من آمرزنده و مهربانم، ولی عذاب من نیز عذاب دردناک است. این ترکیب رحمت و هشدار، تعادلی الهی است که انسان نه مغرور شود به بخشش خدا و نه مأیوس از رحمت او. اگر انسان گناه را کوچک بشمارد، در واقع راه تکرار آن را باز گذاشته است. شیطان نیز از همین نقطه وارد می‌شود.

بانک‌ها پاسخگو نیستند!

بانک‌ها ستون فقرات هر اقتصاد مدرن هستند، اما وقتی ستون‌ها سست باشند، کل ساختار متزلزل می‌شود. در ایران، طی سال‌های گذشته، بحران‌هایی که منشأ آن شبکه بانکی بوده، بارها اقتصاد را به لبه ناپسمانی کشانده است. از پرونده‌های بزرگ بدهی‌های معوق تا اعطای تسهیلات رانتی به افراد و شرکت‌های خاص، همه نشان می‌دهد، نظارت بر بانک‌ها در ایران نه تنها ناکافی، بلکه به شدت کم‌شده است.

♦ بانک‌ها و فرار از پاسخگویی

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های نظام بانکی ایران، نبود شفافیت و پاسخگویی است. بانک‌ها نه تنها اطلاعات کافی درباره ترازنامه و اعطای وام‌ها منتشر نمی‌کنند، بلکه رفتارهای غیرمولد آنها اغلب بدون بازخواست باقی می‌ماند. پرونده‌های بزرگ مانند وام‌های کلان بانک سرمایه و فساد تسهیلات در بانک رفاه کارگران نمونه‌های ملموسی از این بحران هستند. در بانک سرمایه، برخی مدیران با ایجاد شبکه‌ای از شرکت‌های صوری، مبالغ هنگفتی را به‌صورت وام‌های غیرمولد تخصیص دادند که بخش قابل توجهی از آن هیچ‌گاه بازپرداخت نشد. این اقدامات نه تنها منابع بانک را تهدید کرد، بلکه فشار بر بانک مرکزی برای تزریق نقدینگی به بانک‌های مشکل‌دار را افزایش داد. پرونده بانک رفاه کارگران نیز روشن می‌کند که وام‌های بزرگ به پروژه‌های ساختمانی و زمین‌خواری بدون ارزیابی دقیق توان بازپرداخت و بدون رعایت استانداردهای اعتباری اعطا شده‌اند. این رفتارها نشان‌دهنده ضعف ابزارهای نظارتی بانک مرکزی و نهادهای قانونی است و پیامدهای مستقیم آن، افزایش بدهی‌های معوق و فشار بر اقتصاد واقعی است.

♦ ضعف نظارت بانک مرکزی

بانک مرکزی که باید چشم بیدار اقتصاد ایران باشد، در عمل با محدودیت‌های ساختاری و وابستگی سیاسی روبه‌روست. بسیاری از کارشناسان معتقدند، بانک مرکزی نمی‌تواند به‌صورت مستقل تصمیم‌گیری کند و فشار شبکه بانکی و نفوذ مدیران، سیاست‌های پولی را محدود می‌کند. تعارض منافع در ساختار نظارتی یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی است. مدیران یا سهام‌داران عمده بانک‌ها با نفوذ در تصمیمات کلان، نظارت را دور می‌زنند و این موجب خلق پول بی‌ضابطه، تسهیلات رانتی و افزایش بدهی‌های معوق می‌شود. در واقع، بانک مرکزی بدون ابزار و استقلال واقعی، تنها نقش یک ناظر ظاهری را ایفا می‌کند. همچنین محدودیت‌های قانونی و نبود شفافیت کامل، موجب شده است که بانک‌ها بتوانند بدون پاسخگویی، وام‌های کلان به افراد خاص یا شرکت‌های وابسته به خود اعطا کنند. این وضعیت نه تنها اقتصاد را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به نظام بانکی را نیز کاهش می‌دهد.

♦ قوانین ناکارآمد و خلأهای نظارتی

یکی دیگر از مشکلات، ضعف قوانین بانکداری و خلأهای نظارتی است. قانون بانکداری بدون ربا که سال‌هاست اجرا می‌شود، هنوز در بسیاری از بخش‌ها ناقص است و ضمانت اجرایی کافی ندارد. برای نمونه، قوانین مربوط به شفافیت ترازنامه و گزارش‌دهی مالی، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بسیاری از تخلفات قابل پنهان‌سازی است. بر اساس گزارش‌های رسمی، برخی بانک‌ها بیش از چند برابر توان مالی خود وام داده‌اند؛ عملی که نه تنها ریسک ورشکستگی را بالا می‌برد، بلکه امکان نظارت دقیق بانک مرکزی را نیز کاهش می‌دهد. در موارد متعدد، افشای تخلفات تنها پس از انتشار رسانه‌ای یا گزارش‌های حسابرسی مستقل صورت گرفته است. این ضعف‌ها پیامدهای اقتصادی مستقیم نیز دارند؛ وام‌های غیرمولد موجب افزایش تورم در بخش مسکن، خودرو و ارز شده و فشار بر طبقه متوسط و کم‌درآمد را افزایش می‌دهند. در نتیجه، قوانین ناقص و نظارت ناکافی هم به اقتصاد و هم به اعتماد عمومی آسیب می‌زنند.

♦ پرونده‌های واقعی؛ از فساد تا فشار اقتصادی

پرونده‌های واقعی بانک‌ها، تصویر روشنی از ناکارآمدی نظارت ارائه می‌کنند. بانک ملت نمونه‌ای از فساد بانکی است؛ گزارش‌های تحقیقاتی نشان داد که برخی مدیران با ارائه وام‌های کلان به شرکت‌های مرتبط با خود، نه تنها قانون را نقض کرده‌اند، بلکه منابع بانک را نیز به خطر انداخته‌اند. در بانک تجارت نیز تسهیلات بدون ضابطه به پروژه‌های غیرمولد تخصیص یافته است. این رفتار باعث شد بخش قابل توجهی از نقدینگی سرگردان شود و تورم در بخش مسکن و ارز افزایش یابد. این پرونده‌ها نشان می‌دهد، ضعف نظارت تنها به یک بانک محدود نیست و نظام بانکداری ایران به شکل کلی در معرض ریسک قرار دارد. پرونده‌های کوچک‌تر، مانند بانک صادرات و بانک رفاه نیز نمونه‌هایی از ایجاد شبکه‌های تسهیلات رانتی هستند که بدون بازپرداخت قابل توجه، منابع بانک را هدر داده‌اند. این پرونده‌ها پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مستقیمی دارند و اعتماد عمومی را کاهش می‌دهند.

♦ چالش‌های نظارت در عمل

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، کمبود نیروی متخصص و مستقل در بانک مرکزی و هیئت‌های نظارتی است. بدون کارشناسان حرفه‌ای و مستقل، حتی بهترین قوانین نیز نمی‌تواند اجرا شود. چالش دیگر، نفوذ سیاسی و فشارهای خارجی به بانک‌ها و نهاد نظارتی است. وقتی تصمیمات اقتصادی تحت فشار سیاسی اتخاذ می‌شوند، بانک‌ها می‌توانند رفتار غیرمولد داشته باشند بدون اینکه ریسک واقعی برای مدیران ایجاد شود. همچنین نبود سیستم شفاف پایش و گزارش‌دهی آنلاین بانک‌ها موجب شده که مشکلات زمانی آشکار شوند که اصلاح آن‌ها تقریباً ناممکن باشد. در نتیجه، سیستم نظارتی همواره عقب‌تر از تحولات شبکه بانکی حرکت می‌کند.

♦ بانک‌ها همچنان موتور بی‌ثباتی

وضعیت نظام بانکی ایران، زنجیره‌ای از ضعف نظارت، تعارض منافع و خلأهای قانونی است. وقتی بانک مرکزی مستقل نیست، گزارش‌دهی شفاف اجباری نمی‌شود و مدیران بانک‌ها پاسخگو نیستند، بانک‌ها عملاً می‌توانند بدون هیچ مانعی منابع را به سمت پروژه‌های غیرمولد هدایت کنند. نتیجه، تورم فزاینده، افزایش بدهی‌های معوق و کاهش اعتماد عمومی است؛ همان مشکلاتی که هر سال اقتصاد ایران را با بحران‌های تازه روبه‌رو می‌کند. اگر راهکارهای عملی اجرا نشود، بحران‌های بانکی دوباره تکرار خواهد شد؛ ایجاد نهاد نظارتی مستقل و مجزه به ابزار اجرایی، الزام به گزارش‌دهی شفاف و اصلاح قوانین بانکداری برای محدود کردن خلق پول غیرمولد، تنها مسیر توقف این چرخه است. بدون این اقدامات، بانک‌ها همچنان موتور اصلی بی‌ثباتی اقتصاد خواهند ماند و زندگی روزمره مردم در معرض ریسک‌های پنهان بانکی قرار می‌گیرد. مردم، فعالان اقتصادی و رسانه‌ها باید فشار بر نهادهای نظارتی و قانون‌گذار را افزایش دهند تا بانک‌ها مسیر پاسخگویی و شفافیت را بپذیرند. بانک‌ها دیگر نباید از چشم ناظر مستقل و افکار عمومی پنهان بمانند؛ اقتصاد ایران برای عبور از بحران‌های بانکی، به شفافیت و پاسخگویی واقعی نیاز دارد.

عملیات گروگان‌گیری!

صبح صادق، نقش بانک‌ها در خلق تورم را بررسی می‌کند

♦ بانک مرکزی و نظارت از دست‌رفته

بانک مرکزی باید چشم بیدار نظام پولی باشد؛ نهادی مستقل که از خلق پول بی‌بستوانه جلوگیری کرده و انضباط مالی را برقرار کند؛ اما در ساختار فعلی، این نهاد نه‌تنها استقلال لازم را ندارد، بلکه در بسیاری از موارد خود اسیر تعارض منافع با بانک‌هاست. نظارت‌های دوره‌ای، عمدتاً بر شاخص‌های سطحی متمرکز است و امکان مداخله واقعی در سیاست‌های اعتباری بانک‌ها وجود ندارد. حتی در مواردی که ترازنامه بانک‌ها حاکی از تخلف یا اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است، بر خورده‌ها دیر هنگام و حداقلی بوده‌اند. کارشناسان می‌گویند مادامی که بانک مرکزی در انتخاب مدیران، سیاست‌های اعتباری و حتی نظارت‌های میدانی تحت نفوذ دولت و ذی‌نفعان بانکی باقی بماند، اصلاح نظام بانکی شعاری بیش نخواهد بود.

♦ بحران بدهی‌ها و سقوط اعتماد عمومی

در حال حاضر، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و سپرده‌گذاران در حال افزایش است. برخی بانک‌ها با جذب سپرده‌های جدید، صرفاً بدهی‌های قبلی خود را تسویه می‌کنند؛ رفتاری که در بلندمدت به معنای ورشکستگی پنهان است. از سوی دیگر، رقابت ناسالم برای پرداخت سودهای بالا موجب شده است بانک‌ها بیش از منابع واقعی‌شان تعهد ایجاد کنند. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی است. مردم در ظاهر پول‌شان را در بانک‌ها می‌گذارند، اما در واقع، آن پول در چرخه‌ای می‌چرخد که بازدهی‌اش نه به تولید ملی، بلکه به تورم و نابرابری ختم می‌شود.

♦ اقتصاد گروگان بانک‌ها

در اقتصادهای توسعه‌یافته، بانک‌ها تابع سیاست‌های پولی‌اند، اما در ایران، این سیاست‌ها اغلب تابع رفتار بانک‌ها شده‌اند. هر زمان که دولت یا بانک مرکزی بخواهد انقباض پولی ایجاد کند، فشار شبکه بانکی مانع می‌شود. بانک‌هایی که بدهی بالا دارند و درگیر پروژه‌های نیمه‌تمام هستند، از هر گونه انضباط مالی فرار می‌کنند؛ چرا که در غیر این صورت، ورشکستگی آنها علنی خواهد شد.

به همین دلیل، هر سال بخش قابل توجهی از نقدینگی جدید برای نجات بانک‌های مشکل‌دار تزریق می‌شود و این خود، به دور جدیدی از تورم دامن می‌زند. در چنین چرخه‌ای، اقتصاد به گروگان شبکه‌ای از منافع درهم‌تنیده بانکی درمی‌آید که خروج از آن بدون اصلاح ساختار نظارت ممکن نیست.

♦ اصلاحی که بدون شفافیت ممکن نیست

نظام بانکی ایران، به‌جای آنکه بازوی توسعه باشد، به عامل اصلی تورم تبدیل شده است. خلق پول بی‌ضابطه، تسهیلات رانتی، ضعف نظارت و وابستگی سیاسی بانک مرکزی، زنجیره‌ای از مشکلات به‌هم‌پیوسته‌اند که نتیجه‌شان کاهش ارزش پول ملی و بی‌اعتمادی عمومی است.

برای عبور از این وضعیت، باید شفافیت مالی بانک‌ها اجباری شود، ترازنامه‌ها به‌صورت عمومی منتشر شده و بانک مرکزی به نهادی مستقل با قدرت نظارتی واقعی تبدیل شود. تا زمانی که بانک‌ها پاسخگو نباشند و خلق پول کنترل نشود، هر سیاست ضدتورمی فقط مُسکنی کوتاه‌مدت است.

تورم امروز نه یک پدیده اقتصادی صرف، که محصول یک نظام بانکی بی‌نظم و بی‌پاسخ‌گوست؛ نظامی که اگر اصلاح نشود، دیر یا زود، بار دیگر اقتصاد ایران را به ورطه بحران خواهد کشاند.

هر صبح که مردم برای خرید ساده‌ترین کالاها به بازار می‌روند، تورم را نه در نمودارها، بلکه در پرچسب قیمت‌ها می‌بینند. تورمی که ریشه‌اش نه در کمبود تولید، بلکه در وفور پول بی‌بشتوانه‌ای است که از دل نظام بانکی بیرون می‌آید. در حالی که بسیاری از شهروندان گمان می‌کنند چاپ اسکناس کار دولت است، واقعیت این است که بانک‌ها با ترازنامه‌های متورم و خلق اعتباری بی‌مهار، خود به کارخانه تولید تورم تبدیل شده‌اند. بانک‌های ایران سال‌هاست از مسیر اصلی خود یعنی تجهیز منابع و تأمین مالی تولید منحرف شده‌اند. امروز بخش قابل توجهی از نقدینگی کشور نه در خطوط تولید، که در بازارهای غیرمولد زمین، مسکن و ارز می‌چرخد و منشأ این پول‌های بی‌قرار، نظام بانکی‌ای است که به جای انضباط، بر مدار منافع کوتاه‌مدت سهام‌دارانش می‌چرخد. در ظاهر، مقررات بانک مرکزی باید مانع از رشد بی‌رویه ترازنامه بانک‌ها و خلق اعتبار غیرمولد شود، اما در عمل، ضعف نظارت، تعارض منافع و نفوذ مدیران بانکی در تصمیم‌گیری‌های کلان موجب شده است که کنترل خلق پول به امری فرمالیته تبدیل شود. نتیجه روشن است؛ نقدینگی در گردش هر سال چند برابر می‌شود و ارزش پول ملی در سکوت نظام بانکی آب می‌رود.

♦ خلق پول در سایه؛ سازوکار پنهان تورم

خلق پول بانکی فرآیندی پیچیده، اما خطرناک است. بانک‌ها از محل سپرده‌های مردم و وام‌هایی که می‌دهند، اعتبار جدیدی خلق می‌کنند؛ اعتباری که در ترازنامه آنها به‌عنوان «دارایی» ثبت می‌شود و در عمل به افزایش نقدینگی می‌انجامد. این روند در ذات خود بد نیست، اما وقتی نظارت بر نسبت‌های مالی از میان برود و بانک‌ها بتوانند چند برابر سپرده‌های واقعی‌شان وام بدهند، پولی در اقتصاد تزریق می‌شود که هیچ پشتوانه تولیدی ندارد. در چنین وضعیتی، هر تسهیلاتی که پرداخت می‌شود، بدون اینکه کالایی تولید یا خدمتی افزوده شود، به تقاضای جدید در بازار تبدیل می‌شود. عرضه ثابت می‌ماند، اما حجم پول افزایش می‌یابد و نتیجه طبیعی آن، تورم است. آمارهای رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد، حجم نقدینگی ایران در ده سال گذشته بیش از هشت برابر شده است؛ در حالی که رشد اقتصادی حقیقی در همین بازه کمتر از ۲ درصد در سال بوده است. معنای ساده این تفاوت، تزریق پول بی‌بشتوانه از دل نظام بانکی است.

♦ تسهیلات رانتی و بانک‌های غیرمولد

اما خلق پول فقط یک بخش ماجراست. بخش دیگر، چگونگی هزینه‌شدن همین پول‌هاست. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد، بخش بزرگی از تسهیلات کلان بانکی نه به تولید، که به شرکت‌های وابسته به خود بانک‌ها یا افراد خاص تعلق گرفته است. در برخی پرونده‌ها، مدیران بانکی به‌صورت غیرمستقیم در شرکت‌هایی سهام‌دارند که از همان بانک وام‌های کلان گرفته‌اند؛ وام‌هایی که بازپرداخت نمی‌شود، اما همچنان در ترازنامه بانک به‌عنوان «دارایی» باقی می‌ماند. به این ترتیب، پولی که باید به تولید واقعی برود، از برج‌سازی، خرید ارز و سوداگری در زمین و خودرو سر درمی‌آورد. این چرخه معیوب نه‌تنها موجب رشد بی‌ضابطه قیمت‌ها می‌شود، بلکه زمینه‌شکل‌گیری فساد ساختاری را نیز فراهم می‌کند. در حالی که بانک‌ها در ظاهر، در پی توسعه اقتصادی‌اند، در عمل با رفتارهای رانتی خود به موتور اصلی بی‌ثباتی اقتصاد تبدیل شده‌اند. یکی از نمایندگان مجلس به تازگی گفته بود «بانک‌ها کشور را اداره می‌کنند، نه دولت». این جمله در ظاهر اغراق‌آمیز است، اما نگاهی به قدرت مالی بانک‌ها و میزان تأثیرشان بر نقدینگی نشان می‌دهد که چندان هم از واقعیت دور نیست.





راهی که دیگران رفتند!

درس‌هایی از بانکداری جهان؛ چگونه **نظام‌های نظارتی پیشرفته** جلوی تخلف را می‌گیرند؟

در سال‌های اخیر، بحران‌های بانکی در ایران بیش از آنکه صرفاً موضوعی اقتصادی باشند، به چالشی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده‌اند. خلق پول بی‌ضابطه، بدهی‌های اثبات‌شده و فقدان نظارت مؤثر بر بانک‌ها، موجب کاهش اعتماد عمومی و افزایش ریسک سیستماتیک شده است. این شرایط، نه تنها منابع مالی کشور را تهدید می‌کند، بلکه زندگی روزمره مردم را نیز با نوسان‌های شدید تورم و کاهش قدرت خرید روبه‌رو می‌سازد.

در سوی دیگر جهان، کشورهایی وجود دارند که با ایجاد سازوکارهای نظارتی دقیق و مستقل، توانسته‌اند بانک‌ها را به مسیر پاسخگویی و شفافیت هدایت کنند و مانع بروز بحران‌های گسترده شوند. مطالعه تجربه این کشورها، از ایالات متحده و آلمان گرفته تا ژاپن و ترکیه، نشان می‌دهد شفافیت اطلاعات، استقلال نهاد ناظر و پایش مداوم رفتار بانکی سه مؤلفه کلیدی برای جلوگیری از بحران است.

این گزارش قصد دارد با بررسی این نظام‌های موفق، نه تنها درس‌های کاربردی برای سیاست‌گذاران ایرانی ارائه دهد، بلکه نشان دهد چگونه رسانه‌ها و افکار عمومی می‌توانند نقش مؤثری در نظارت بر بانک‌ها ایفا کنند و از تکرار بحران‌های مشابه در آینده جلوگیری کنند.

ایالات متحده؛ تفکیک قدرت

نظام نظارتی بانک‌ها در آمریکا چندلایه و مبتنی بر تفکیک نهادهاست. فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) وظیفه تنظیم سیاست پولی را دارد، اما نظارت مستقیم بر بانک‌ها بین چند نهاد از جمله دفتر حسابرسی ارزی (OCC)، مؤسسه بیمه سپرده‌های فدرال (FDIC) و دفتر نظارت بر پس‌انداز و وام‌ها تقسیم شده است.

این تفکیک سبب می‌شود هیچ نهاد واحدی قدرت مطلق نداشته باشد و هر تصمیم بانکی از مسیر چند لایه نظارتی عبور کند. برای نمونه، وقتی بانکی در آمریکا بخواهد دارایی جدیدی بخرد یا نرخ سود را تغییر دهد، باید گزارش‌های خود را به چند نهاد ارائه و تأییدیه دریافت کند.

نکته مهم‌تر دسترسی عمومی به اطلاعات مالی بانک‌هاست. همه داده‌های مربوط به ترازنامه، نقدینگی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها در وبگاه‌های رسمی منتشر می‌شود تا رسانه‌ها و افکار عمومی نیز بتوانند رفتار مالی بانک‌ها را رصد کنند. این شفافیت بزرگ‌ترین بازدارنده در برابر فساد مالی و خلق پول غیرقانونی است؛ چیزی که در ایران هنوز جای خالی آن احساس می‌شود.

آلمان؛ ناظر مستقل

در آلمان، ساختار نظارت بانکی بر پایه قانون‌گرایی و تفکیک وظایف طراحی شده است. نهاد BaFin (اداره فدرال نظارت مالی)، ناظر اصلی بر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و بازار سرمایه است و از دولت فدرال استقلال دارد.

BaFin هر ساله گزارش ارزیابی ریسک بانک‌ها را منتشر می‌کند و در صورت مشاهده تخلف، اختیار تعلیق یا حتی لغو مجوز بانک متخلف را دارد. از سوی دیگر، بانک مرکزی آلمان (Deutsche Bundesbank) با جمع‌آوری داده‌های مالی، ابزار تحلیلی لازم برای تصمیم‌گیری BaFin را فراهم می‌کند. ویژگی جالب مدل آلمانی، تکیه بر پیشگیری به جای برخورد پس از بحران است. مثلاً اگر نسبت کفایت سرمایه بانکی پایین بیاید، نهاد ناظر بلافاصله هشدار می‌دهد و بانک موظف است ظرف مدت مشخص سرمایه خود را افزایش دهد یا فعالیت پرریسک را متوقف کند. همین پیش‌بینی‌گری موجب شده آلمان حتی در بحران مالی ۲۰۰۸ کمتر از سایر کشورها آسیب ببیند.

ژاپن؛ کنترل سختگیرانه بر خلق پول و بدهی

نظام بانکی ژاپن پس از بحران بزرگ دهه ۱۹۹۰ اصلاح شد و امروز یکی از منضبط‌ترین نظام‌های نظارتی جهان شناخته می‌شود.

در این کشور، بانک مرکزی ژاپن (BOJ) و آژانس خدمات مالی (FSA) دو بازوی اصلی نظارت هستند. بانک‌ها موظفند به‌صورت ماهانه ترازنامه‌های خود را به FSA ارسال کنند و هرگونه افزایش بدهی یا خلق اعتبار جدید، باید با مجوز رسمی باشد. دولت ژاپن سیاستی موسوم به «ثبیت مالی و شفافیت کامل» را اجرا می‌کند؛ یعنی هر بانک موظف است جزئیات وام‌های کلان خود را منتشر کند. رسانه‌های اقتصادی نیز نقش فعالی در بررسی و تحلیل این داده‌ها دارند. این همکاری ساختاری میان بانک‌ها، دولت و رسانه‌ها موجب شده است ژاپن از دهه ۲۰۰۰ تاکنون هیچ بحران بانکی گسترده‌ای را تجربه نکند.

ترکیه؛ رصد لحظه‌ای

ترکیه در دو دهه اخیر مسیر ویژه‌ای را طی کرده است. پس از بحران مالی ۲۰۰۱، دولت این کشور هینت تنظیم و نظارت بر بانکداری (BDDK) را تأسیس کرد؛ نهادی مستقل که با بهره‌گیری از سامانه‌های دیجیتال، تمامی تراکش‌های بانکی را به‌صورت برخط رصد می‌کند.

بانک‌ها در ترکیه موظفند هر ۲۴ ساعت گزارشی از وضعیت نقدینگی و تسهیلات خود ارسال کنند. BDDK در صورت مشاهده هرگونه انحراف از مقررات، بلافاصله اختیار مداخله دارد.

این نظارت لحظه‌ای، با استفاده از فناوری داده‌کاوی، باعث شده تخلفات مالی در مراحل اولیه شناسایی شده و اعتماد عمومی به بانک‌ها حفظ شود.

مدل ترکیه به ایران نزدیک‌تر است، چراکه در هر دو کشور بانک‌ها خصوصی و نیمه‌دولتی حضور دارند، اما تفاوت در نحوه اعمال نظارت و سرعت واکنش نهاد ناظر است؛ نقطه‌ای که در ایران اغلب دچار تعلل و بی‌عملی می‌شود.

ایران باید چه کند؟

مقایسه نظام‌های نظارتی موفق در جهان، تصویری روشن از راهکارهایی ارائه می‌دهد که می‌تواند ایران را از چرخه بحران‌های بانکی بیرون بیاورد. سه اصل کلیدی در تمامی کشورهای که توانسته‌اند بانکداری سالم و پایدار داشته باشند، مشترک است: استقلال نهاد ناظر از تأثیرات دولت و ذی‌نفعان داخلی، شفافیت کامل اطلاعات مالی بانک‌ها و پایش مداوم فعالیت‌های بانکی با واکنش سریع در صورت تخلف. در ایران، متأسفانه هر سه مؤلفه دچار آسیب شده است. بانک مرکزی هنوز درگیر سیاست‌ها و منافع دولت است، گزارش‌دهی بانک‌ها اغلب محرمانه است و واکنش نهادهای ناظر غالباً زمانی صورت می‌گیرد که بحران از مرحله پیشگیری عبور کرده است. تجربه کشورهایی چون آلمان، ژاپن و ترکیه نشان می‌دهد که نظارت موفق تنها محصول قانون نیست؛ بلکه نتیجه ایجاد فرهنگ پاسخگویی، شفافیت و همکاری میان بانک، نهاد ناظر و رسانه‌هاست.

برای اصلاح نظام بانکی ایران، ایجاد چنین فرهنگی حیاتی است. رسانه‌ها با ایفای نقش ناظر عمومی و مطالبه‌گری شفافیت، می‌توانند فشار لازم را برای تغییر ایجاد کنند. بدون این اقدامات، بانکداری کشور همچنان در معرض خطر تکرار بحران‌های گذشته خواهد بود و اعتماد عمومی که پایه‌ای‌ترین سرمایه اقتصادی است، همچنان آسیب می‌بیند. تنها با شفافیت و پاسخگویی واقعی، می‌توان مسیر بانکداری ایران را از واکنش‌های دیر هنگام و بحران‌های مکرر به ثبات و اعتماد بازگرداند.

بانک‌ها چطور بنگاه‌داری می‌کنند؟



اصلاً بنگاه‌داری بانک یعنی چی؟

یعنی زمانی که بانک‌ها تو زمینه‌هایی مثل مسکن، طلا و سکه سرمایه‌گذاری می‌کنن

مگه کار بانک همین نیست؟

نه! وظیفه بانک ارائه خدمات پولی به مردم و وظیفه‌ش بنگاه‌داری نیست

پس ورود بانک به این فعالیت‌ها اشتباهه؟

آره، چون تو ایران این فعالیت‌ها مولد نیستن و باعث تولید و ایجاد اشتغال نمیشن

یه مثال ساده‌تر می‌زنی؟

مثلاً یه بانک بزرگترین مرکز خرید دنیا رو میسازه اما اون هیچ کمکی به اقتصاد و مردم کشور نمیکنه!

پس چرا بانک‌ها اینکارو میکنن؟

در یک کلام چون سودش زیاده و دردسرش کم

حالا ضرر این بنگاه‌داری چیه؟

دارایی‌های زیادی تولید میشه که در بانک‌ها منجمد میشن و بانک‌ها مجبور میشن پول چاپ کنن، تورم بالا میره و قدرت خرید مردم کم میشه

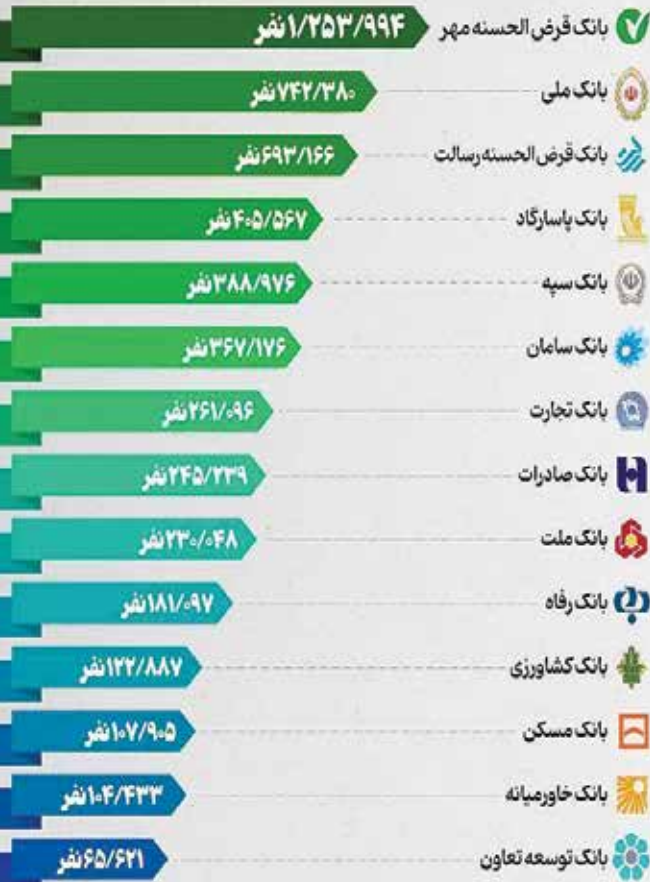
فهمیدم، حالا چه باید کرد؟

به تازگی بنگاه‌داری بانک‌ها ممنوع و قانون اون هم تصویب شده و باید منتظر باشیم که اجرا میشه یا نه

کدام بانک‌ها به افراد

بیشتری وام داده‌اند؟

آمار اعطای وام بانک‌ها تا تیرماه ۱۴۰۳



تقویم انقلاب

والفجر ۴ و عقب‌نشینی متجاوزان!



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

موضوع مهمی که در تقویم تاریخی دوران هشت سال دفاع مقدس توجه چندانی به آن نشده، عملیات «والفجر ۴» است که در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ آغاز شد و بیش از ده روز به طول انجامید. این عملیات در سه مرحله سخت صورت گرفت و دستاوردها و پیروزی‌های بزرگی را برای ایران به ارمغان آورد؛ از جمله بیرون راندن متجاوزان یعنی و ضد انقلاب در غرب کشور به مرزهای بین‌المللی که حماسه‌ای کم‌نظیر در دوران هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌آید.

همه موفقیت‌ها در حالی بود که رزمندگان جبهه‌های جنوب برای انجام عملیات با موانع و مشکلاتی مواجه بودند؛ از قبیل اینکه متجاوزان یعنی روی نوار خط مرزی در داخل خاک عراق استحکامات زیادی ایجاد کرده و موانع‌های متعددی را به وجود آورده بودند؛ به گونه‌ای که وضعیت برای اجرای عملیات در جبهه‌های جنوب گره خورده و چنان سخت شده بود که رزمندگان جنوب مجبور شدند از وضعیت جبهه‌های غرب بازدید کنند. پس از بازدید و بررسی‌ها بود که جلسات بحث و تبادل نظر برگزار شد و در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که برای تنبیه متجاوز سلسله عملیات‌هایی را به طور مشترک از مرزهای غربی شروع کنند. انجام این عملیات در در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۲ آغاز شد و به مدت ۱۰ روز به طول انجامید. این عملیات که عملیات «والفجر ۴» نام داشت، از جبهه شمالی و در محور بانه- مریوان در مناطق کوهستانی کردستان ایران و از طرف شهر سردشت تا مریوان در منطقه‌ای به وسعت ۱۶۰ کیلومتر مربع در حوالی منطقه پنجوین عراق انجام گرفت. در سراسر منطقه این عملیات ۹ لشکر ارتش عراق به همراه ۲ تیپ پیاده و ۱۰ گردان توپخانه در مقابل ۱۶ تیپ پیاده، ۷ گردان کماندویی، ۴ گردان زرهی و ۱۵ گردان توپخانه حضور داشتند که تعدادی از آنها به عنوان نیروهای درگیر به شمار می‌آمدند. طبق طرح تهیه شده یگان‌ها در ۴ قرارگاه جزء، شامل ۳ قرارگاه در خط و یک قرارگاه احتیاط سازماندهی شدند. هدف اصلی اینس عملیات آزادسازی بخشی از سرزمین‌های ایران و تصرف پیشرفتگی و دهانه دشت شبلر و مسدود کردن راه عبور افراد مسلح احزاب کرد وفادار به رژیم بعثی عراق و همچنین تأمین شهر پنجوین بود. یکی دیگر از اهداف اجرای این عملیات عبارت بود از اینکه شهرهای بانه و مریوان در استان کردستان و جاده‌های ارتباطی آنها از زیربرد آتش توپخانه ارتش بعثی خارج شود. انجام این عملیات موفقیت‌های خیلی خوب را به همراه داشت که یکی از مهم‌ترین آنها تصرف منطقه شیلر به طول ۳۵ در عرض ۶ تا ۱۵ کیلومتر بود که منطقه بانه را در شمال از منطقه مریوان در جنوب جدا می‌کند. این پیش‌فتگی در خاک ایران موجب شده بود تا برقراری ارتباط زمینی با مشکلاتی همراه شود. از طرفی ۲۵۰ نفر از رزمندگان اسلام که در اسارات حزب دموکرات ایران بودند، آزاد شدند. این عملیات بسیار تأثیرگذار بود و موجب واکنش آمریکا و رژیم صهیونیستی در لبنان شد. رژیم بعثی عراق که ضربه سنگینی محتمل شد، در بسیاری از بخش‌ها مجبور به عقب‌نشینی شدند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

نقش رژیم پهلوی در ساختار نظام بین‌الملل طی دهه‌های میانی قرن بیستم، به‌ویژه در پی اجرای دکترین نیکسون، موضوعی است که بررسی آن برای درک سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه اهمیتی دوچندان دارد. با شکل‌گیری نظام دوقطبی و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ جهانی دوم، خلیج فارس به منزله یکی از مهم‌ترین مناطق انرژی‌خیز جهان، به کانونی برای رقابت قدرت‌های جهانی بدل شد. در این میان، ایالات متحده آمریکا با هدف مهار جنبش‌های آزادی‌بخش و تضمین جریان بی‌وقفه نفت به کشورهای صنعتی، به دنبال تثبیت رژیم‌های وابسته و نظامی‌سازی منطقه برآمد. ایران عصر پهلوی، با توجه به موقعیت جغرافیایی، توان نظامی رو به رشد و وابستگی شدید حاکمیت به غرب، به مهره‌ای کلیدی در اجرای این سیاست‌ها تبدیل شد.

در برخی اسناد و تحلیل‌های آن‌زمان آشکار می‌شود که شاه‌نه‌تنها به منزله متحد آمریکا، بلکه در نقش پاسدار منافع و سیاست‌های اقتصادی و امنیتی این کشور عمل می‌کرد؛ نقشی که از تجهیز بی‌سابقه نظامی تا دخالت‌های مستقیم در تحولات منطقه‌ای، مانند سرکوب جنبش ظفار در عمان نمود می‌یافت. به عبارتی دیگر، اهمیت استراتژیک نفت برای آمریکا از مجرای اتحاد با ایران می‌گذشت و وابستگی هر چه بیشتر ایران به آمریکا، از سویی متضمن تأمین نفت و از سوی دیگر به داشتن متحدی سرسخت و مطیع در منطقه‌ای مهم می‌انجامید.

انجمن دانش‌جویان ایرانی خارج از کشور، به تاریخ ۷ مهر ۱۳۵۲، در این زمینه تحلیل تأمل‌برانگیزی دارد. در این بیانیه آمده است، تمرکز نفت در خلیج فارس از یک سو و رشد سریع مصرف نفت در کشورهای صنعتی از سوی دیگر، موجب شده است کنترل این منطقه برای آمریکا حیاتی باشد. همچنین، با توجه به اهمیت اقتصادی واضح خلیج فارس، جنبش‌های انقلابی مردم تهدیدلی جدی برای منافع بزرگ شرکت‌های نفتی به شمار می‌روند. به همین دلیل است که نیکسون در قدم نخست دکترین خود

دکترین نیکسون

و نقش منطقه‌ای ایران!



بدون شک، پیشبرد اینس دکترین بدون نقش‌آفرینی ایران و رژیم صهیونی به منزله دو متحد اصلی در مواجهه با اتحاد اعراب که منافع استراتژیک آمریکا در منطقه از جمله نفت را با خطر جدی روبه‌رو می‌کرد، امکان‌پذیر نبود. نیکسون هنگام توضیح «استراتژی جدید خود برای صلح» گفت: «مبنای اصلی آن این است که ایالات متحده در دفاع از متحدان و دوستان و توسعه‌شان مشارکت می‌کند، اما نمی‌تواند همه برنامه‌ها و دفاع از ملل آزاد را به‌تنهایی پیش ببرد. ما فقط در مواردی که تفاوتی ایجاد کند و به منافع آمریکا مربوط باشد، دخالت خواهیم کرد.»

برای امپریالیسم آمریکا، خلیج فارس یکی از مناطقی بود که «تفاوت ایجاد می‌کرد» و «مهم» بود. چون تمام کشورهای صنعتی جهان برای بقای خود به نفت خلیج فارس وابسته‌اند، تسلط آمریکا بر این منطقه به‌معنای رهبری جهانی امپریالیسم آمریکا بود و هر تغییری در وضعیت موجود می‌توانست موجب تضعیف قدرت آمریکا نه‌تنها در خاورمیانه، بلکه در سطح جهان شود.

در سال ۱۹۶۸، بریتانیا اعلام کرد به دلیل بحران اقتصادی شدیدی که پس از جنگ جهانی

را با نظامی‌سازی رژیم شاه و حمایت از حمله ارتش شاه به منطقه ظفار آغاز کرد تا کنترل منابع طبیعی را برای خود حفظ کند.

دکترین نیکسون تلاشی بود برای ایجاد یک نظام جدید ثبات بین‌المللی که این تغییرات مهم را در توازن قدرت جهانی مد نظر داشت: تهدید روزافزون امپریالیسم، به‌ویژه آمریکا، از سوی موج جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش در جهان سوم. بر اساس این بیانیه، دکترین نیکسون پاسخی به ضعف امپراتوری آمریکا بود. این دکترین معتقد بود بزرگ‌ترین تهدید برای آمریکا، مبارزات انقلابی، ضدامپریالیستی و آزادی‌بخش ملت‌های جهان سوم است.

بر این اساس، راهبرد آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی چنین بود:

– کاهش تدریجی تعداد نیروهای نظامی آمریکا در خارج از کشور، در عین حفظ قابلیت جابه‌جایی سریع به مناطق بحرآن خیز؛ – گسترش عظیم نیروی هوایی و دریایی آمریکا برای حمایت از رژیم‌های وابسته؛ – افزایش چشمگیر کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به کشورهای منطقه برای توسعه توانمندی‌های ضدشورش.

دهلیز

اقتصاد انحصاری

نگاهی به فساد در دربار رژیم دیکتاتوری پهلوی

رژیم پهلوی حاکمیتی منحط‌بود که فساد در همه رگ‌های ساختار او نفوذ کرده و این بستر آلوده فضا را برای بهره‌برداری بیگانگان فراهم کرده بود. این وضعیت نابهنجار را در آثار و نوشته‌های به‌جا مانده از آن روزگار می‌توان مشاهده کرد. «عباسقلی گلشانیان» از کارگزاران مهم اقتصادی و قضایی دوره پهلوی دوم در خاطرات خود، تصویری از یک سیستم اقتصادی بسته و انحصارگرا را ترسیم می‌کند که در آن دولت، هم به منزله بازیگر اصلی و هم به عنوان ناظر مطلق عمل می‌کرد. این مدل که با ایجاد انحصار برای شرکت‌های دولتی و تعیین قیمت‌های چندگانه ارز همراه بود، به جای تسهیل تجارت، فضایی برای رانت‌خواری و توزیع ناعادلانه منابع فراهم می‌کرد. این سیاست‌ها در نهایت به حاشیه رانده شدن بخش خصوصی و شکل‌گیری یک بوروکراسی عظیم و ناکارآمد در تجارت خارجی کشور منجر شد. وی در کتاب «خاطرات من یا گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی» می‌نویسد:



حافظه

سقوط مالاکا

نگاهی به غارتگری نظام‌مند استعمارگران در اندلس!



در واپسین سال‌های سده پانزدهم، ایزابل و فردیناند با بسیج سپاهیان عظیم و سازماندهی نیروهای نظامی کارآزموده، به سوی آخرین پایگاه‌های مسلمانان در اندلس حرکت کردند. مورخان از ویرانی و غارت نظام‌مند مناطق تحت سیطره مسلمانان به دست نیروهای مهاجم گزارش داده‌اند. محاصره شهر مالقه (مالاکا) که از پایگاه‌های مهم مسلمانان به‌شمار می‌رفت، به قحطی شدیدی انجامید که به گفته «ویل دورانت»، مورخ نامدار، مردم شهر را به خوردن حیوانات از جمله اسب، سگ و گربه کشاند. این محاصره ظالمانه موجب شد شمار بسیاری از ساکنان بی‌گناه شهر بر اثر گرسنگی و بیماری جان باخته و شرایط غیرانسانی بر شهر حاکم شود.

با سقوط نهایی شهر مالقه، دوازده هزار نفر از ساکنان آن به بردگی گرفته شدند و میراث فرهنگی و تمدنی شهر مورد غارت و تخریب گسترده قرار گرفت. این رویداد تلخ، تنها نمونه‌ای از خشونت‌های گسترده‌ای بود که در جریان بازپس‌گیری اندلس به دست مسیحیان رخ داد.

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۵۹

دولت مطلوب

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

شهید صدر را می‌توان از جمله متفکران مسلمانی دانست که به اندیشه جمهوری اسلامی اعتقاد راسخ داشت. نظام جمهوری اسلامی نیز در مبنای مشروعیت، ساختار تقسیم قدرت، تدوین قانون اساسی، نظام اقتصادی... بهره‌فراوانی از اندیشه این عالم فریخته جهان اسلام برده است. از آنجایی که نظریه دولت و مختصات آن یکی از وجوه مهم اندیشه شهید صدر محسوب می‌شود، پرداختن به این موضوع از حیث نظری و عملی بسیار اهمیت دارد. فهم و ادراک این فراز از اندیشه سیاسی شهید صدر ضمن این که کمک می‌کند تا بیشتر با رویکرد انتقادی دولت در اسلام و مقایسه آن با تئوری دولت در نظریات لیبرالیستی و مارکسیستی آشنا بشویم، ما را در فهم ارکان دولت مطلوب هم آشنا می‌کند. آشنایی ما با این موضوع در اندیشه سیاسی شهید صدر، مسلما به‌تجارب مادر تکامل مراحل پنجگانه انقلاب اسلامی کمک خواهد کرد؛ چرا که مطابق اندیشه رهبر معظم انقلاب کشور مادر روند تکاملی انقلاب اسلامی که پنج مرحله است، در مرحله سوم که تشکیل دولت اسلامی به مفهوم عام آن متوقف شده است و طبعاًغور و تفحص در اندیشه‌های‌نوع‌آیزی چون اندیشه شهید صدر و بهره‌مندی از نظریه ایشان در باره دولت مطلوب می‌تواند به‌تعمید مؤلفه‌ها، امکانات نظری و سایر الزامات رسیدن به دولت اسلامی در روند تکاملی انقلاب یاری‌رساند.

علامه شهید سیدمحمدباقر صدر بر مبنای باور به خداگرایی، توحید و عدل کلی، سه اصل حاکمیت مطلقه خدا بر جهان، سنت‌های حاکم بر هستی و آزادی و اختیار انسان- به عنوان موجود عاقل- را نتیجه می‌گیرد که حاصل آنها پذیرش خلافت و جانشینی انسان از سوی خدا در قالبی تکوینی و فطری همراه با تأیید و پذیرش شرعی است. بعد سیاسی این خلافت و جانشینی اداره سر نوشت مشترک جمعی یا حکومت است که جز رعایت و پاسداری از حقوق، شؤون و مصالح عمومی و مصالح دین الهی نمی‌باشد. این حکومت حق مردم و مسئولیت آنان به‌عنوان جانشین خدا در زمین است. از این‌رو نظام مردمی یا مردم‌سالارانه نیز مورد تأیید او هست؛ هر چند در اساس قائل به امامت منصوص (بر اساس عصمت) می‌باشد. بنابراین او در زمان غیبت امام عصر(عج) باور دارد که حکومت از دو خط خلافت انسان، با مسئولیت تشکیل نهاد حکومتی مشتمل بر قوای مقننه و مجریه و شهادت «مرجع فقیه عام» با مسئولیت نظارت شرعی بر حکومت و بیان احکام و داوری (قضات) تشکیل می‌گردد که وی آن را حکومت «جمهوری اسلامی» می‌نامد.

دولت مطلوب در اندیشه ایشان، دولتی مشروط به رعایت موازین شرعی و قانونی و مصلحت عمومی است. از نظر وی مصداق عینی و اصیل این دولت، حکومت پیامبران و صالحان در تاریخ بشر و اسلام و جمهوری اسلامی در جهان معاصر است. به نظر شهید صدر در عصر غیبت معصوم، مرجعیت صالح باید مترصد دولت‌سازی براساس احکام و مبانی اسلامی باشد. بر این اساس، ایشان در ارائه نسخه عینی‌تر مطابق بافقه اسلامی، فقیهان مسلمان و نخبه را که علمای شریعت هستند، تشویق و توصیه‌اکید می‌کند که «رهبری مبارزه علیه ظلم و استثمار را بر عهده بگیرند و پس از براندازی طاغوت، حکومت صالحان را تشکیل دهند.



بررسی واقعیت قدرت ایران با رویکرد تاریخی

انقلاب اسلامی و تغییر ایران!

غرامت به طرف مقابل و تحمیل کاپیتولاسیون‌های سیاسی و اقتصادی به ایران، حتی حق کشتیرانی نظامی در دریای خزر از ایران سلب می‌شود. مورد دوم به ماجرای هرات در دوره قاجار برمی‌گردد که بعد از لشکرکشی ایران به این شهر و تصرف هرات، با اولتیماتوم انگلیس، لشکر ایران مجبور به عقب‌نشینی از هرات شد و در نهایت، معاهده پاریس بر ایران تحمیل شد.

مورد بعدی به پس از پیروزی انقلاب مشروطه برمی‌گردد؛ به این ترتیب که بعد از پیروزی این انقلاب و تأسیس مجلس شورای ملی، دوره اول مجلس با به‌توپ بسته شدن از سوی روس‌ها تعطیل شد و وقتی که مجلس دوم آغاز به کار کرد، دو مستشار آمریکایی و سوندی به نام‌های «مورگان شوستر» و «پال مارسن» برای حل مشکلات مالی و نظامی استخدام کرد و درواقع، شوستر اداره امور گمرکی ایران را به دست گرفت. با آغاز به کار شوستر، وقتی وی به مناطق تحت سیطره روس‌ها در شمال ایران و همچنین به مناطق تحت سیطره انگلیس‌ها در جنوب ایران وارد شد، با مخالفت این قدرت‌ها مواجه شد. بنابراین، روس‌ها با حمایت پنهان انگلیس‌ها به ایران اولتیماتوم دادند که اگر شوستر ظرف ۷۲ ساعت از ایران اخراج نشود، آنها به ایران لشکرکشی کرده و هزینه‌های لشکرکشی را هم از دولت ایران خواهند گرفت. اگر چه با نطق تاریخی «مرحوم مدرس» در مجلس، مجلس شورای ملی اولتیماتوم روس‌ها را رد کرد، دولت با پذیرش اولتیماتوم روس‌ها، هم مجلس را تعطیل کرد و هم شوستر از ایران اخراج شد.

در دوره رضاخان نیز وی با وجود نشان دادن

اندکی استقلال در برابر متفقین، به‌راحتی با فشار آنها عزل و به جزیره موریس تبعید شد. جالب آنکه متفقین با سه ستون نیرو و در شهریور ۱۳۲۰ از جنوب ایران تا قلب تهران بدون هیچ مقاومتی از سوی ارتش رضاشاهی پیشروی کردند. در دوره پهلوی دوم نیز آمریکا و انگلیس تنها با ۷۵ هزار دلار دولت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون کردند و برای ۲۵ سال، دولتی دست‌نشانده بر ایران حاکم کردند که در ابعاد و حوزه‌های گوناگون به آنها وابسته بود.

♦ انقلاب اسلامی و تغییر مسیر ایران

آنگونه که تمهید مختصر تاریخی ذکر شده در بالا نشان می‌دهد، ایران در دوره معاصر همواره در برابر فشارهای خارجی آسیب‌پذیری بالایی داشته است و در اصل، با هر گونه تهدید دشمنان، خواسته موردنظر آنها در ایران محقق شده است؛ از جدایی بخش‌هایی از سرزمین ایران تا جابه‌جایی سلسله‌ها و حکومت‌ها، نقض استقلال و حاکمیت ملی ...و.

. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی به صورت بنیادین دگرگون شد، به گونه‌ای که امروز با وجود تهدید دشمنان، نه‌تنها خواسته بیگانگان محقق نمی‌شود، بلکه با قدرت به آنها نه گفته می‌شود و با مقاومت مؤثر و موفق در برابر آنها دیگر تحمیلی صورت نمی‌گیرد و تسلیمی در کار نیست. بهترین نمونه در این زمینه، پیروزی ایران در برابر دشمن صهیونیستی و جبهه وسیع حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه است. درواقع، ایران با پیروزی در این جنگ، بعد دیگری از قدرت خود را نمایان کرد؛ بدین ترتیب که قدرت

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی- ۱۵

ترجیح آسایش بر تکلیف!



چهارمین مانع از موانع عمل نکردن به معیارها و ضوابط انقلابی بودن، راحت‌طلبی، سازش و عیب ندانستن تبعیت از دشمن است. این مانع، برخلاف دو مانع پیشین که بیشتر در غفلت یا ضعف اخلاقی ریشه داشت، جلوه‌ای اجتماعی و سیاسی نیز دارد. راحت‌طلبی در ظاهر امری شخصی است، اما وقتی با مسئولیت‌های اجتماعی و آرمان‌های جمعی پیوند می‌خورد، به یکی از خطرناک‌ترین عوامل انحراف در مسیر انقلاب تبدیل می‌شود. راحت‌طلبی، یعنی ترجیح آسایش فردی بر تکلیف الهی و اولویت‌های امت. سازش، یعنی تن دادن به کم‌هزینه‌ترین راه حتی اگر با حقیقت ناسازگار باشد و «عیب ندانستن تبعیت از دشمن»، یعنی رسیدن به مرحله‌ای که وابستگی فکری و سیاسی به بیگانه نه‌تنها ناپسند شمرده نمی‌شود، بلکه نوعی «واقع‌گرایی» و «خردورزی سیاسی» قلمداد می‌شود. در چنین وضعیتی، وجدان انقلابی انسان خاموش می‌شود، حساسیت‌ها نسبت به دشمن از میان می‌رود و خط‌نما‌یز میان استقلال و وابستگی کمرنگ می‌شود. این رویه، در سطوح گوناگون جامعه می‌تواند بروز کند. گاهی در تصمیم‌های شخصی، به شکل تنبلی، بی‌میلی به کار سخت، و بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات جمعی خود را نشان می‌دهد. گاهی هم در عرصه مدیریت و سیاست، در قالب ترجیح سازش بر مقاومت، کوتاه‌آیند در برابر فشارها، یا امید بستن به لیخند دشمن جلوه می‌کند. در هر دو صورت، نقطه مشترک، ترس از سختی و میل به عافیت است؛ همان

چیزی که قرآن آن را «رضوا بالحیاة الدنیا واطمأنوا بها» توصیف می‌کند. رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که راه اصلاح کشور از مسیر «کار جهادی و انقلابی» می‌گذرد، نه از مسیر سازش و تنبلی. ایشان می‌فرمایند: «ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه بخش‌ها، کمر بسته بودن مثل یک جهادگر لازم است؛ این اگر بود، کارها راه می‌افتد، بن‌بست‌ها باز می‌شود، شکافته می‌شود؛ [یعنی] کار فزآوان، پُر حجم و باکفیت و مجاهدانه و انقلابی... [مسئولین] دامن همت به کمر ببندند و واقعا کار کنند.» این بیان، نقطه مقابل روحیه «سازش و راحت‌طلبی» است. کسی که اهل مجاهدت است، بن‌بست را نمی‌پذیرد و دشواری را بخشی از مسیر می‌داند. اما کسی که عافیت‌طلب است، به‌جای مواجهه با مشکلات، به دنبال «میان‌بر» می‌گردد؛ حتی اگر این میان‌بر، به قیمت از دست رفتن استقلال یا تحریف آرمان‌ها تمام شود. چنین انسانی در لحظه‌های تزاحم، نه بر اساس اولویت‌های انقلاب، بلکه بر اساس میزان رنج و زحمتی که باید تحمل کند تصمیم می‌گیرد. تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نیز شاهدهی روشن است. در همه مقاطع سرنوشت‌ساز، دو گروه در برابر هم قرار گرفتند: گروهی که بر اصول ایستادند و هزینه‌ها را پذیرفتند، و گروهی که گفتند «باید واقع‌گر بود»، «نباید با دنیا درافتاد»، و «ما نه‌تغییر کرده است». گروه دوم، همان کسانی هستند که رهبر فرزانه انقلاب از آنان به عنوان «انقلابیون فرسوده پشیمان» یاد کردند: «صرف‌نظر از یک عده انقلابی فرسوده پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت‌را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده ملت، که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه عمیق را دارند.»

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۱۵۰

قدرت نرم

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

پادزهر جنگ شناختی به تعبیر رهبر معظم انقلاب، تبیین واقعیت‌ها و حقایق انقلاب و نظام اسلامی است تا پارگیری دشمن از میان مردم ما موفق نباشد. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند مسا باید بحث تبیین را نسبت به حقایق انجام بدهیم و خیلی از حقایق باید تبیین شوند. این جمله به‌معنای این است که هنوز بسیاری از حقایق هستند که تبیین نشده‌اند و یا به‌خوبی این کار انجام نشده است. در مقابل تبیین، حرکت گمراه‌کننده و تحریف‌کننده دشمن وجود دارد که از جوانب مختلف و از صدها طرف به‌سوی جمهوری اسلامی ایران سرازیرشده و می‌خواهد افکار مردم را مورد اثرپذیری سم‌آلود قرار دهد. از این جهت، یکی از موضوعات خوبی که رهبر معظم انقلاب ذکر می‌کنند این است که افکار عمومی را به‌سمت راه درست و منطقی و راهی که در آن عقلانیت انقلابی هست، هدایت کنیم. «جهاد تبیین»، خنثی‌کننده توطئه دشمن است.

جوزف ساموئل نای سال ۲۰۱۱ در کتاب «The Future of Power» می‌گوید آمریکا در آینده تمایل چندانی به استفاده از قدرت نظامی نخواهد داشت و برتری نظامی به‌معنای برتری جهانی نیست. وی در مورد ایران هم این بحث را مطرح می‌کند و می‌گوید که آمریکا جنگ نرم را با ایران در پیش خواهد گرفت و از اهرم فشار اقتصادی استفاده می‌کند. اکنون ما داریم انواع

نکته گرام

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ترامپ گمان می‌برد به این زودی حافظهٔ ملت‌ها پاک می‌شود؛ شما سال‌ها بزرگ‌ترین حامی و شریک جنایات هولناک صهیونیست‌ها بوده‌اید و دستان‌تان به خون بیش از ۶۷ هزار شهید در غزه آغشته است و حالا لباس منجسی به تن کرده‌اید! در مورد ملت و نظام ایران هم هذیان‌های روان پریشانه می‌گویید. آقای ترامپ! ملت ایران را نشناخته‌ای. تو و هم‌پیمانانت که سال‌ها شریک ظلم و خون بوده‌اید، به بهشت راهی نخواهید یافت؛ نه مستقیم و نه غیرمستقیم! **«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»**

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه؛ با وجود تمایل به تعاملات دیپلماتیک، نه رئیس‌جمهور پزشکیان و نه من، نمی‌توانیم با کسانی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان مسا را تهدید و تحریم می‌کنند. فلسطینیان کاملاً محق هستند که حق اساسی تعیین سرنوشت خود را به دست آورند و همه کشورها بیش از هر زمان دیگری وظیفه دارند که در حمایت از این خواسته قانونی و مشروع و به آنان کمک کنند

مهدی محمدی، مشاور رئیس مجلس در امور راهبردی؛ مردانی پس از دو سال مجاهدت، از دل تونل‌ها در غزه بیرون خواهند آمد و چشم آفتاب به دیدن جمال آنها روشن خواهد شد. آنها بزرگ‌ترین قهرمانان نوع بشرند و باید تندیس آنها را همین حالا که در میان ما هستند ساخت و بر سر در تاریخ نصب کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی ایمانی‌پور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ ترامپ وقیحانه تلاش می‌کند واقعیت «آتش‌بس بر خاسته از قدرت رئیس‌جمهور آمریکا در حالی از نقش متوهمانه کشورش در صلح سخن می‌گوید که پرونده کشتار بی‌رحمانه مردم غزه با سلاح‌های آمریکایی در سایه وتوی چندین باره آتش‌بس در شورای امنیت توسط واشنگتن تا تابد مفتوح است.

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس؛ شرم‌الشیخ صحنه بازسازی چهره خون‌آلود آمریکاست؛ همان بازیگری که دیروز کنار ماشین کشتار ایستاد و امروز با نقاب صلح ظاهر شده است. این تئاتر دیپلماسی تغییری در معادلات میدانی منطقه ایجاد نکرده و نه می‌تواند افکار عمومی جهان را فریب دهد.

سیدعباس موسوی، معاون نشریات دفتر رئیس‌جمهور؛ یعنی می‌خواستیم برویم شرم‌الشیخ مستقیماً اینها را بشنویم، تحقیر شویم، با شرم و بدون مایه ازا برگردیم؟! واقعا سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل به همین سادگی که برخی از ما تصور می‌کنیم یا نشان می‌دهیم نیست. «سیاست خارجی ایران منافع محور اما واقع‌گراست.» در سیاست خارجی معقول و متعطف ایران، هیچگاه سرغ ما یک پا ندارد؛ اما حتما غیرت و شرف دارد.

ژنپ سلیمانی، فعال رسانه‌ای؛ توافق اولیه با حماس، یک شکست بزرگ برای جناحکاران رژیم صهیونیستی است. جانبان اسرائیلی حتی اگر یک روز هم دست‌شان از کشتن بی‌گناهان دور باشد، پیروزی برای بشریت است. البته هیچ‌گاه به طمع جناحکاران برای دستیابی به جایزه صلح نوپل اعتمادی نیست!

مهديه چوپانی
دبیر گروه مجازستان



قرار است در ساحل گرم و آرام چابهار، سکوهاي پرتاب فضايی آماده به کار شوند. اين صحنه که به زودی در اين نقطه استراتژيک جنوبي ايران تحقق خواهد يافت، تنها نمونه‌ای از تحولات بزرگ فضايی کشور است. پروژه‌ای که به مناسبت هفته جهاني فضا و در آستانه تکميل ۹۳ درصدی از مراحل اجرایی خود، چشم‌انداز جدیدی از پیشرفت‌های فضايی ايران را پيش روی همگان قرار داده است.

چابهار؛ به‌عنوان بایکونور ايران
پایگاه فضایی چابهار، نخستین پایگاه فضایی غیرنظامی ايران، در آستانه آغاز یک انقلاب فضایی بزرگ است. این پایگاه قرار است ميزبان پرتاب موجودات زنده و ماهواره‌های سنجشی و مخابراتی به مدار زمین‌آهنگ باشد. مدارهایی که دستیابی به آنها مستلزم شرایط خاصی است و پرتاب به این مدارها از نزدیکی خط استوا، مزایای زیادی را به همراه دارد. این موقعیت منحصر به فرد نه تنها ایمنی

پرتاب‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه پیچیدگی‌ها و هزینه‌های مربوط به مانورهای مبداری را کاهش می‌دهد. برخی از مسئولان این پروژه را به «بایکونور ايران» تشبیه کرده‌اند. درست همان‌طور که پایگاه بایکونور در قزاقستان برای روسیه نقشی استراتژیک و راهبردی دارد، چابهار نیز در آینده قرار است به یکی از مهم‌ترین نقاط فضایی جهان تبدیل شود. این پایگاه با داشتن مساحتی به وسعت ۱۴۰۰ هکتار، قرار است در آینده به عنوان مرکز اصلی تمام مأموریت‌های فضایی ايران فعالیت کند. ویژگی‌های جغرافیایی این منطقه، مانند نزدیکی به اقیانوس هند و جمعیت اندک، موقعیت آن را از نظر ایمنی و شرایط پرتاب به یکی از بهترین نقاط دنیا تبدیل کرده است. در نگاه بلندمدت، این پایگاه می‌تواند افزون بر پرتاب‌های داخلی، خدمات پرتابی به سایر کشورها را نیز ارائه دهد، که این امر نه تنها جایگاه ايران را در عرصه بین‌المللی تقویت می‌کند، بلکه منبعی برای ارزآوری خواهد بود.

چرا چابهار؟
چابهار با موقعیت جغرافیایی خاص خود، یکی از بهترین نقاط برای ساخت پایگاه فضایی است. این منطقه که در نزدیکی خط استوا قرار دارد، امکان پرتاب موشک‌ها به مدارهای خاص را فراهم



می‌کند. نزدیک بودن به خط استوا به این معناست که موشک‌ها می‌توانند از سرعت چرخش زمین بهره بیشتری ببرند و با مصرف سوخت کمتر، به مدار مورد نظر برسند. زمین در این ناحیه با سرعتی حدود ۱۶۵۰ کیلومتر در ساعت می‌چرخد و این سرعت می‌تواند حدود پنج درصد از انرژی لازم برای پرتاب را تأمین کند. این یعنی اینکه با پرتاب از این موقعیت جغرافیایی، موشک‌ها می‌توانند با کارایی بالاتر و هزینه‌های کمتری به مدار برسند. به‌علاوه، قرارگیری این پایگاه در منطقه‌ای کم‌جمعیت و ساحلی موجب می‌شود که ایمنی شهروندان حفظ شده و عملیات پرتاب بدون هیچ‌گونه ریسک جدی انجام شود. در صورت بروز نقص فنی یا خطا، بقایای فضاپیماها به اقیانوس سقوط می‌کنند و هیچ‌گونه تهدیدی برای مناطق مسکونی وجود نخواهد داشت.

اهمیت پایگاه‌های فضایی در جهان
کشورهای پیشرفته‌ای چون آمریکا، چین، هند، ژاپن و کشورهای اروپایی در طول سال‌ها با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فضایی خود، توانسته‌اند افزون بر پیشرفت‌های علمی و فناوری، جایگاه اقتصادی و امنیتی خود را نیز تقویت کنند. در واقع، پایگاه‌های فضایی نه‌فقط به منزله یک زیرساخت علمی و تحقیقاتی، بلکه به‌عنوان موتور محرک توسعه

اقتصادی، اشتغال‌زایی و حتی افزایش قدرت نظامی و امنیتی شناخته می‌شوند. پایگاه فضایی چابهار نیز از این قاعده مستثنی نیست. علاوه بر مزایای علمی و فناوری، توسعه این پایگاه می‌تواند منافع اقتصادی فراوانی را به همراه داشته باشد. این منطقه جهانی فضا، ایجاد فرصت‌های شغلی و جذب سرمایه‌گذاری باشد. همچنین، این پروژه می‌تواند به رشد صنایع مرتبط با فضا و دفاعی در ايران کمک کند و زمینه‌ساز تولید فناوری‌های پیشرفته در این حوزه‌ها باشد.

مزایای اقتصادی و لجستیکی چابهار
چابهار نه‌تنها از نظر علمی و فضایی اهمیت دارد، بلکه مزایای اقتصادی و لجستیکی آن نیز قابل توجه است. بندر چابهار به دلیل اتصال مستقیم به اقیانوس هند و داشتن اسکله‌های عمیق، یکی از مناسب‌ترین بنادر برای انتقال تجهیزات سنگین و قطعات فضاپیماها به شمار می‌رود. همچنین، فاصله این بندر از سایر نقاط پرجمعیت، هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش داده و فرآیندهای تجاری را تسهیل می‌کند. در کنار این ویژگی‌های لجستیکی، چابهار از نظر اقتصادی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. هزینه‌های پایین تخلیه و بارگیری در این بندر و معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران، این منطقه را به یک مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. بنابراین، نه‌تنها چابهار به یک مرکز کلیدی برای برنامه‌های فضایی ايران تبدیل می‌شود، بلکه می‌تواند نقشی مهم در توسعه اقتصادی و تجاری منطقه داشته باشد.

آینده‌ای روشن برای ايران
پایگاه فضایی چابهار با طراحی سه فازی خود، قرار است نه‌تنها به پرتابگرهای سوخت جامد، بلکه به پرتابگرهای سوخت مایع نیز مجهز شود. این امر امکان پرتاب ماهواره‌ها به مدارهای بالاتر و مأموریت‌های پیچیده‌تر را فراهم می‌آورد. در حال حاضر، بخش نخست این پروژه در مراحل پایانی خود قرار دارد و برای اولین پرتاب آماده می‌شود. پایگاه فضایی چابهار، با ترکیب موقعیت جغرافیایی استثنایی، زیرساخت‌های بندری قدرتمند و طراحی چندمرحله‌ای، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های راهبردی ايران در مسیر دستیابی به استقلال فضایی به شمار می‌آید. این پایگاه نه تنها می‌تواند چهره آینده فضایی ايران را دگرگون کند، بلکه در درازمدت به یک بازیگر کلیدی در عرصه فضایی جهانی تبدیل خواهد شد.

گزارش

هوش مصنوعی ابزار نفوذ نرم جهانی؟

بیش ازحد به این دوستان مصنوعی می‌تواند به انزوای اجتماعی و بی‌هویتی فرهنگی منجر شود. اما نگرانی اصلی فقط فردی نیست، بلکه سیاسی و تمدنی است؛ چون در سکوت، نسل‌هایی در حال شکل‌گیری هستند که ارزش‌ها، عواطف و حتی درکشان از حقیقت، از طریق الگوریتم‌هایی نوشته می‌شود که هزاران کیلومتر دورتر طراحی شده‌اند. راه‌حل، ممنوعیت فناوری نیست، بلکه آگاهی است. والدین باید با فرزندان‌شان گفت‌وگو کنند و دولت‌ها باید سواد رسانه‌ای و استقلال دیجیتال را جدی بگیرند.

در جهانی که هر مکالمه می‌تواند داده‌ای سیاسی باشد، ساده‌ترین کار مثل صحبت کردن با یک ربات شاید نرم‌ترین شکل کنترل ذهن در عصر جدید باشد.

نفوذ فرهنگی و داده‌ای شرکت‌های فناوری غربی تصویب کرده‌اند؛ اما در بسیاری از جوامع دیگر، نوجوانان بی‌دفاع در برابر این نفوذ آرام و هوشمند باقی مانده‌اند. نوجوانی که ساعت‌ها با یک هوش مصنوعی حرف می‌زند، در واقع در حال گفت‌وگو با سیستمی است که طرز فکر و پاسخ‌هایش بر پایه ارزش‌های خاص طراحی شده؛ ارزش‌هایی که ممکن است با فرهنگ، خانواده یا حتی سیاست کشور خودش در تضاد باشد.

در ظاهر، چت‌بات‌ها جای خالی دوستی را پر می‌کنند؛ اما در باطن، نسلی را شکل می‌دهند که کمتر با مخالفت، تفاوت و گفت‌وگوی واقعی روبه‌رو می‌شود. در دنیای واقعی، همین اختلاف‌نظر و چالش‌ها هستند که مهارت اجتماعی و بلوغ فکری را می‌سازند. حذف آنها یعنی تربیت نسلی مطیع، تأیید‌طلب و وابسته به رضایت دیجیتال. روان‌شناسان هشدار می‌دهند که وابستگی

می‌کنند و یک‌سوم آنها مسائل شخصی خود را با این ربات‌ها در میان می‌گذارند. این یعنی میلیون‌ها گفت‌وگوی روزمره که در ظاهر شخصی‌اند، اما در واقع به داده‌هایی با ارزش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل می‌شوند؛ داده‌هایی که در سرورهای شرکت‌هایی ذخیره می‌شوند که اغلب با دولت‌ها و نهادهای امنیتی پیوند مستقیم دارند.

هوش مصنوعی دیگر فقط ابزار سرگرمی نیست؛ به سلاح نرم قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است. گفت‌وگویی ساده با یک چت‌بات می‌تواند اطلاعاتی از روحیه، تمایلات فکری و گرایش‌های سیاسی نسل جدید جمع‌آوری کند. در نتیجه، کشوری که مالک فناوری است، عملاً می‌تواند در شکل‌گیری الگوهای فکری و رفتاری جوانان سایر کشورها نقش داشته باشد.

کشورهایی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا همین امروز قوانینی سخت‌گیرانه برای کنترل

گروه مجازستان

صبح صادق

«شمارهات رو بده، برسم خونه زنگ می‌زنم...» این جمله برای نسل‌هایی نه‌چندان دور، نهایت استفاده از فناوری بود. گفت‌وگوهایی که از پشت تلفن‌های ثابت آغاز می‌شدند و با خنده، شوخی و صمیمیت ادامه می‌یافتند. دوستی یعنی تماس چشمی، یعنی خنده‌های واقعی و قهقهه‌هایی که به‌آشتی ختم می‌شد؛ اما امروز نوجوانی که از مدرسه برمی‌گردد، به جای تلفن ثابت سراغ چت‌بات‌های هوشمند می‌رود؛ موجوداتی که هرگز خسته نمی‌شوند، همیشه تأیید می‌کنند و هرگز قهر نمی‌کنند. این شاید در ظاهر بی‌ضرر به نظر برسد، اما پشت این «دوستی مصنوعی» حقیقتی سیاسی پنهان است.

بر اساس گزارش CNN بیش از نیمی از نوجوانان آمریکایی به طور منظم با هوش مصنوعی چت

پژواک

تدابیر امنیتی

امضای قوانین جدید هوش مصنوعی



ایالت کالیفرنیا در آمریکا قوانین جدیدی را در زمینه هوش مصنوعی و چت‌بات‌ها اجرا خواهد کرد. لایحه‌ای که با هدف تنظیم صنعت چت‌بات‌های هوش مصنوعی تدوین شده بود، حالا در این ایالت به قانون رسمی تبدیل شده است. طبق این قانون جدید، توسعه‌دهندگان چت‌بات‌ها موظفند تدابیر ایمنی تازه‌ای را برای محافظت از کاربران به اجرا درآورند. برای نمونه، اگر فردی منطقی در هنگام تعامل با یک چت‌بات به اشتباه تصور کند که در حال صحبت با یک انسان است، شرکت سازنده موظف است به‌صورت واضح و آشکار اعلام کند که محصول آنها صرفاً یک سیستم هوش مصنوعی است و انسان نیست.

نرم افزار

ماشینو

برنامه ایرانی هوش مصنوعی خودرو



یکی از مواردی که هر ماشین‌سواری نیاز دارد یادآوری تاریخ بیمه و معاینه فنی یا سرویس‌هایی مثل تعویض روغن یا تعمیرات خودر است. نرم‌افزار «ماشینو» همه موارد را در برنامه خودش آورده است تا هم به آمارهایی مثل میانگین مصرف سوخت یا هزینه سالانه خودرو دسترسی داشته باشید و هم همه موارد سر موقع به شما یاد آوری شود. علاوه بر این، ماشینو یک دستیار هوش مصنوعی نیز دارد که می‌توانید با آن چت کنید، سوالات درباره خودرو از آن پرسید یا از برنامه چکاپ هوش مصنوعی برای بررسی و شناسایی ایرادات خودرو و دریافت راهکارهای مناسب استفاده کنید.

خبر خوب

فناورانه در خدمت سالمندان

اولین مدل بومی محصولات فیزیکی



پژوهشگران دانشگاه تهران، یک مدل بومی برای طراحی محصولات فیزیکی فناورانه مناسب برای بهبود کیفیت زندگی سالمندان سالم ایرانی ارائه کردند. این مدل نخستین الگوی جامع بومی در کشور است که به بهبود کیفیت زندگی، حفظ استقلال فردی و کاهش فشار بر نظام مراقبتی سالمندان سالم کشور کمک می‌کند. پیاده‌سازی این مدل می‌تواند به طراحی و تولید محصولاتی منجر شود که با نیازها و توانایی‌های سالمندان سازگارترند، استقلال فردی آنها را تقویت می‌کنند و امکان مشارکت فعال‌تر آنان در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورد.

یادداشت

پسران هور؛ برای نسل امروز

مهدی امیدی

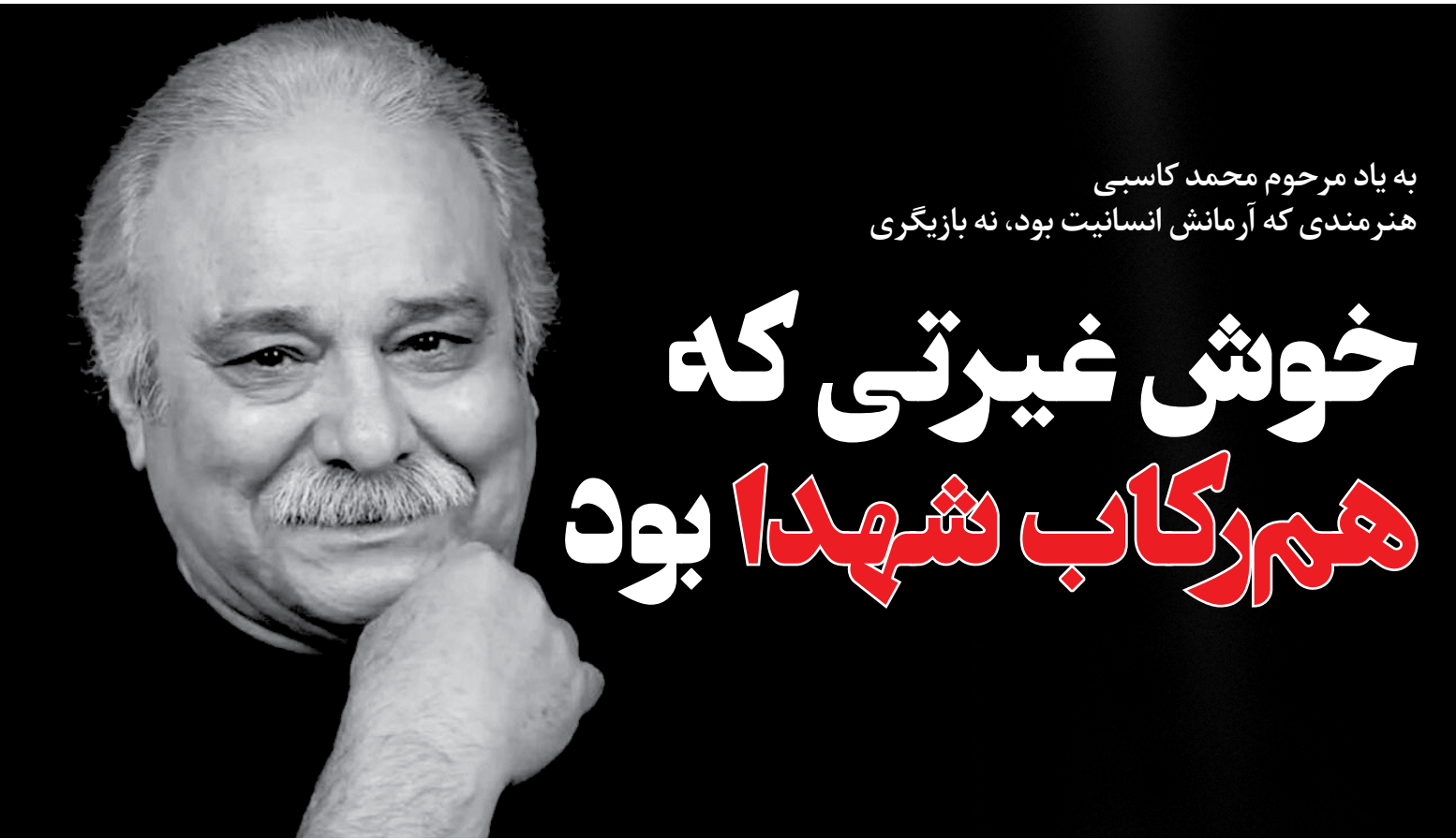
خبرنگار

تولیدات هنری، به‌ویژه در بستر رسانه ملی، همواره از مؤثرترین ابزارهای انتقال فرهنگ، باورها و ارزش‌های یک ملت بوده‌اند و در این میان، دف‌اع مقدس گنجینه‌ای بی‌بدیل از ایمان، ایثار و ایستادگی است. حفظ و انتقال میراث این دوران به نسل‌های آینده، وظیفه‌ای ملی و رسانه‌ای به شمار می‌آید و تأکید بر ساخت آثار فاخر در این ژانر باید همواره در اولویت مدیران ارشد فرهنگی قرار داشته باشد.

سریال «پسران هور» یک تجربه جدید در این زمینه است. این مجموعه نه تنها یادآور خاطراتی حماسی برای نسل پیشین و ایثارگران است، بلکه مهم‌ر از آن، پلی محکم میان نسل جدید و واقعیت‌های حماسی هشت سال مقاومت ایجاد می‌کند. اهمیت حیاتی «پسران هور» در انتقال این حقیقت به جوانان امروز نهفته است که ملت انقلابی ایران چگونه با دست‌های خالی و تکیه بر ایمان و ولایتمداری، در برابر دشمنی تا دندان مسلح که از حمایت‌های استکبار جهانی برخوردار بود، ایستادگی کرد و پیروز شد. این سریال، فراتر از یک نمایش صرف، یک ضرورت راهبردی است که روحیه مقاومت و بصیرت انقلابی را تجلی می‌بخشد.

آنچه «پسران هور» را از بسیاری آثار دفاع مقدس متمایز می‌کند، تمرکز همزمان بر دو بُعد اصلی داستان است: بُعد عملیاتی و بُعد انسانی رزمندگان.

در بسیاری از آثار، شخصیت‌ها اغلب یک‌بعدی و صرفاً در میدان جنگ به تصویر کشیده می‌شوند؛ اما «پسران هور» با نشان دادن لحظات انسانی، مانند رابطه با خانواده، دغدغه‌ها، امیدها و حتی اضطراب‌های شخصیت‌ها، توانسته است تجربه‌ای ملموس و نزدیک به واقعیت ارائه دهد. این توجه به وجوه انسانی، ارزش قصه را فراتر از یک روایت تاریخی صرف کرده و آن را به درسی اخلاقی و انسانی برای مخاطب تبدیل می‌کند. انتخاب شهید علی هاشمی و یارانش به‌عنوان محور داستان، به وضوح نشان‌دهنده اهمیت روایت قهرمانان کمتر شناخته‌شده است که نقشی مهم در عملیات‌های حیاتی جنگ داشتند. پرداختن به چنین شخصیت‌هایی، پیام مهمی درباره عدالت تاریخی و ارج نهادن به ایثارگری‌ها دارد و یادآوری می‌کند که تاریخ، روایت انسان‌هایی است که با شجاعت و فداکاری، سرنوشت جمعی را شکل دادند. یکی دیگر از جنبه‌های قابل توجه سریال، بازسازی دقیق جغرافیا، فرهنگ و زندگی محلی منطقه هورالعظیم است. فیلم‌برداری در تالاب‌ها و نزارها و تلاش بازیگران برای تسلط بر مهارت‌هایی مانند بلم‌رانی، فضاسازی واقعی و ملموسی از آن دوران به مخاطب منتقل کرده است. این واقع‌گرایی در کنار وفاداری بازیگران به شخصیت‌های واقعی، ارزش قصه‌را نه تنها در سطح داستانی، بلکه در سطح انسانی و عاطفی ارتقا می‌دهد. پیام‌های اخلاقی و انسانی سریال بسیار برجسته است؛ مفاهیمی مانند فداکاری، شجاعت، صداقت و ایمان رزمندگان، در طول داستان به‌صورت طبیعی بازنتاب یافته است. «پسران هور» با تلفیق صحنه‌های جنگی و انسانی، درک عمیق‌تری از مفهوم ایثار ارائه داده و نشان می‌دهد ارزش‌های انسانی و اخلاقی، حتی در میانه خشونت و جنگ، قابل حفظ و برجسته هستند. این سریال با توانایی در تلفیق تاریخ، فرهنگ و اخلاق، نه تنها یک اثر سرگرم‌کننده، بلکه یک میراث فرهنگی و آموزشی برای نسل‌های آینده است که می‌تواند در برابر نفوذ و تحریف، سدی مستحکم ایجاد کند.



به یاد مرحوم محمد کاسبی هنرمندی که آرمانش انسانیت بود، نه بازیگری

خوش غیرتی که هم‌رکاب شهدا بود



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

شعارش این بود «به دنیا نیامده‌ام که بازیگری کنم، آمده‌ام که بروم دنبال انسانیت» و به این شعار هم عمل کرد و تا انتها به آن پایبند بود. «مرحوم محمد کاسبی» که برخلاف نام خانوادگی‌اش به هیچ رو اهل کسب و کاسبی نبود، با وجودی که یک چهره مشهور به شمار می‌آمد، اما از خودنمایی و تفاخر و تظاهر و تجملات به دور بود و مرامی مردمی داشت. بازیگری که صداقت و رفاقت و اصالت برایش اصل بود.

در این سال‌ها به دلیل بیماری و زمین گیر شدن، از کار دور بود و قبل از آن هم در دهه ۹۰ کمتر کار می‌کرد، اما حتی یک قدم از حقایقی که به آنها ایمان آورده و زندگی و فعالیت هنری‌اش را هم بر همان مینا پیش می‌برد، خسته نشد و عقب ننشست؛ چون ایمانش عاشقانه بود. کاسبی همان طور کار می‌کرد که زندگی می‌کرد و همان طور زندگی می‌کرد که عشق و باور داشت.

نسل جدید، کاسبی را کمتر می‌شناسند؛ اما او در دهه ۶۰ یک بازیگر خارق‌العاده در سینمای ایران بود؛ بازیگری که حسسی و با عمق عاطفه بازی می‌کرد؛ یعنی نقش را فقط بازی نمی‌کرد، بلکه به نقشی که ایفا می‌کرد، جان می‌بخشید و آن را زندگی می‌کرد.

یکی از اولین کارهای محمد کاسبی در سینما، بازی در فیلم «مرگ دیگری» بود که سال ۱۳۶۱ ساخته شد. او در همان فیلم اول، استعداد ناب بازیگری خود را نشان داد، آنقدر که پویا و محکم نقش را اجرا کرد. او درباره اولین تجربه‌اش در

بازیگری سینما می‌گفت: «فیلم حسی داشت که موقع بازی اگر کارگردان کات می‌داد، پیدا کردن دنباله آن حس مشکل می‌شد. به همین دلیل هم شش دانگ مواظب بودم که کات نخورد.»

همان طور که در فیلم «پدر» با تعمیق احساس، نقش مردی را جان بخشید که ناپدری بود، اما می‌خواست پدرا نه رفتار کند. این بازی گرم و درونی، در آثار طنزی هم که کاسبی در دهه ۸۰ با آنها به محبوبیت رسید هم اتفاق افتاد؛ به خصوص در سریال‌های «خوش رکاب» و «خوش غیرت» که به تصویر کشیدن مرد به اصطلاح داش مشتی جوانمرد و بامرام بود.

متأسفانه محمد کاسبی در سال‌هایی که بستری بود و کار نمی‌کرد، با بی‌مهری‌های زیادی رویه‌رو شد. افزون بر اینکه توان قرار گرفتن جلوی دوربین را نداشت و به نوعی منزوی شده بود، نهادهایی مثل خانه سینما که کارگردشان حمایت صنفی و معیشتی از سینماگران است، هیچ گاه سر اغش نرفتند و حالی هم از او نپرسیدند. برخی مسئولان هم که به او قول حمایت داده بودند، به قول‌شان عمل نکردند. اما او حتی در آخرین لحظات حیاتش و در اوج بیماری نیز بر حرارت و صداقتانه و مؤمنانه از باورهایش سخن می‌گفت. آنچنان که در گفت‌وگویی که در آخرین روزهای حیاتش، یک هفته قبل از وداعش با دنیا با او داشتم و منتشر هم شد، خاطرات روزهای انقلاب اسلامی را این چنین می‌گفت: «وقتی ۲۷ سال داشتم، یعنی سال ۱۳۵۷، سال آخر دانشگاه، یک دانشجوی پر حرارت و خواهان دگرگونی و انقلاب بودم، من هم قطره‌ای در سیل خروشان مردمی بودم که در خیابان‌ها فریاد می‌زدند مرگ بر شاه! و همان فریادها منجر شد به قدم نهادن امام خمینی (ره) به این سرزمین، که آمدند و با آمدن‌شان این انقلاب

به پیروزی رسید. یادم هست آن روزها در حسینیة جماران که یک حسینیة کوچک بود، مردم جمع می‌شدند و شعار می‌دادند «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر شوروی»، «مرگ بر انگلیس»، «مرگ بر اسرائیل» و... چون خاطرات زمان پهلوی را در ذهن داشتیم. رضاشاه سردار سپه بود، اما شمال کشورش را روس‌ها اشغال کرده بودند و جنوب کشورش را انگلیس‌ها؛ من نمی‌دانم او شاه کدام قسمت از ایران بود! همین «نخجوان» را هم رضاشاه پیشکش کرد به روس‌ها. بحرین را هم پسرش به انگلیس‌ها پیشکش کرد. امام آمده بود با جوان‌هایی مملکت را به دست گرفته بود؛ این پیر مرد مرتب به مسئولین می‌گفت ما خدمتگزار این مردم هستیم و مردم ولی نعمت ما هستند. وقتی امام این‌گونه صحبت می‌کرد، علاقه‌مندانش ضجه می‌زدند. وقتی امام به بهجه‌هایی که به جبهه می‌رفتند، می‌گفتند من به حال شما غبطه می‌خورم، تعارف نمی‌کرد، چون امام جوانی را می‌دید که با سن پایین به جایی رسیده که فهمیده بود باید با خدا معامله کند. بنابر این، امام وقتی حال درونی این جوان را می‌دید غبطه می‌خورد.» در همین مصاحبه صحبت به روزهای جنگ ۱۲ روزه امسال رسید، گفت: «واقعاً دم بچه‌های سپاه پاسداران گرم که آن روزها از جان خودشان گذشتند و مظلوم واقع شدند؛ باید اسم‌شان را گرامی بداریم. متأسفم برای آنهایی که قبلاً قدرت موشکی ما را زیر سؤال می‌برند و برخورداری از این قدرت را نفی می‌کردند. چون اگر این موشک‌ها و بزرگانی چون «شهید طهرانی مقدم» و سایر شهدا نبودند، خاک این مملکت توسط دشمنان به توبره کشیده می‌شد. ۱۲ ساعت اول جنگ، لحظات بسیار سختی بود؛ در عرض چند ساعت آن فرماندهان و نیروها را از دست دادیم.

چند روز قبل یکی از فرماندهان می‌گفت که در آن لحظات همه ما دچار حیرت شده بودیم. فقط حضرت آقا بود که ما را بیدار کرد و باعث شد تا به خط شویم و در نتیجه به چند روز نکشید که آن دشمن گفت آتش بس!»

مرحوم محمد کاسبی فیلم‌ها و سریال‌های بزرگ و مطرح و پر مخاطبی بازی کرده و جوایز زیادی هم گرفته است؛ از جمله دو بار از جشنواره فیلم فجر، سیمرغ گرفته است. اما جالب این است که به‌جایی اینکه به این فعالیت‌ها و جوایز افتخار کند، جفیه رهبر معظم انقلاب و یادگاری شهید قاسم سلیمانی و انگشتر سید حسن نصرالله را مایه عزت و افتخار خودش می‌دانست. این به دلیل رابطه عاشقانه این هنرمند با شهدا بود. همان طور که یک بار وقتی مهمان برنامه «چهل تیکه» تلویزیون بود، وقتی مجری از نافذ بودن چشمانش صحبت کرد، کاسبی هم بغض کرد و گفت: «من خودم عاشق چشم خمار سردار سلیمانی‌ام.»

محمد کاسبی حالا از میان ما رفته است، اما یادگارهای زیادی از خود بجا گذاشته است؛ از مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بخش نمایش‌های رادیویی که خودش بنیانگذار آنها بود تا حوزه هنری و بنیاد فارابی و... که از جمله بنیانگذاران‌شان به شمار می‌آید؛ از نقش آقائتی در «خوش رکاب» و آقارحمان در «سه در چهار»، تنها فیلم سینمایی که کارگردانی کرد، یعنی «شنا در زمستان» و خیلی چیزهای دیگر. اما قطعاً مهم‌ترین یادگار محمد کاسبی، مرام و فرهنگی بود که می‌تواند الگو و سرمشق خیلی دیگر از هنرمندان باشد، مرامی که بر خاسته از اصالت و زیست متدنیانه بود.

برداشت

قدر هنرمندان پیشکسوت را بدانیم!

آفریدند و روح جامعه را پروراندند، شایسته نیست که در سال‌های پایانی زندگی، منزوی، بی‌کار و دل‌نگران تأمین هزینه‌های اولیه در مان زندگی باشند. هر چند اقداماتی نظیر تأسیس «صندوق اعتباری هنر» و افزایش مستمری‌ها صورت گرفته است، اما با توجه به وضعیت اقتصادی و تسورم فزاینده، این حمایت‌ها اغلب کفاف زندگی شرافتمندانه این عزیزان را نمی‌دهد. وظیفه نهادهای فرهنگی و دولتی، فراتر از پرداخت مبالغ اندک حمایتی است؛ باید سازوکارهای پایدار و عادلانه‌ای برای بیمه کامل، درمان رایگان و پرداخت مستمری‌های مکفی متناسب با شأن و جایگاه آنان در نظر گرفته شود. حمایت معیشتی از پیشکسوتان، در واقع حمایت از جایگاه هنر در جامعه است.

در کنار دغدغه‌های معیشتی، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های هنرمندان سالخورده، احساس انزوا و خانه‌نشینی پس از سال‌ها

فعالیت پر بار است. از یاد بردن این افراد، تنها یک ضایعه اقتصادی نیست، بلکه یک خسران فرهنگی جبران‌ناپذیر است. چه تجربیات یک هنرمند کهنسال، چکیده ده‌ها سال آزمون و خطا، مطالعه و درک عمیق از جامعه و فرهنگ است. این دانش انباشته، بهترین سرمایه برای نسل جوان و مدیران فرهنگی حال حاضر است. ضروری است که نهادهای مسئول از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما و دانشگاه‌های هنر، بستر لازم را برای «انتقال فعال تجربه» این عزیزان فراهم کنند. این بهره‌گیری می‌تواند در قالب نقش‌های مشورتی در سیاست‌گذاری‌های کلان، برگزاری کارگاه‌ها و مسترکلاس‌ها با تدریس استادان پیشکسوت برای نسل جوان و همچنین مستندسازی و نگارش تاریخ شفاهی زندگی و آثار هنری آنان نمود باید تا این گنجینه دانایی حفظ شود و از توانمندی‌های باقی‌مانده این عزیزان در

پروژه‌های فاخر هنری، به صورت هدفمند استفاده شود.

تکریم هنرمندان پیشکسوت، فراتر از کمک‌های مادی، نیازمند توجه معنوی و عاطفی است. در فرهنگ ایرانی، احترام به بزرگان ریشه عمیقی دارد. برگزاری برنامه‌های گروهی، دیدار و عیادت‌های چهره به چهره و ایجاد حس اعتماد و منزلت، از اهمیتی حیاتی برخوردار است. همانطور که یکی از پیشکسوتان گفته است، «آدم‌ها نیاز به نوازش و محبت دارند.» در نهایت، باید دانست که حمایت از هنرمندان پیشکسوت، حمایت از «هنر» است. کشوری که هنرمندانش در دوران پیری در آسایش و احترام نباشند، هرگز نمی‌تواند ادعای اعتلای فرهنگی داشته باشد. اکنون زمان آن رسیده است که با نگاهی عمیق و مسئولانه، قدردان کسانی باشیم که وجودشان، میراث فرهنگی و هنری این سرزمین را غنی کرده است.

قبیله عشق

پایان خدمت با امضای
اباعبدالله الحسین(ع)

«شهید امیرعلی فضلّی» سال ۱۳۸۲ در محله سنگلج متولد شد. دانش‌آموخته هنرستان ماندگار صنعتی تهران در رشته ماشینین ابزار بود و اهل ورزش و از بچه‌های «هیئت جان‌نثاران حسینی» بود. امیرعلی سرباز ۱۴ ماه خدمت بود و قرار بود بعد از پایان خدمت، برایش آستین بالا بزنند که با اصابت موشک رژیم صهیونی به زندان اوین در روز دوم تیر ماه، ساعت ۱۰ و نیم صبح به شهادت رسید.

«محمود فضلّی» پدر شهید می‌گوید: «امیرعلی بچه اولم بود. شب قبل از حمله رژیم صهیونی با برادر کوچک‌ترش کل‌کل برادرانه داشتند. صبح قبل از اینکه راهی زندان اوین شویم، دو برادر با هم آشتی کردند. تقریباً ساعت ۹ صبح بود که امیرعلی را رساندم جلوی زندان اوین، امیرعلی اگر وسیله داشت خودش می‌رفت و اگر نه تا محل خدمتش همراهی‌اش می‌کردم. تازه رسیده بودم به محل کارم در کرج. تا آدمم بسم‌الله بگویم و کار را شروع کنم، حدود ساعت ۱۱:۳۰، یکی از کاسبان همسایه گفت: زندان اوین را زدند. نفهمیدم خودم را چطور از کرج به زندان اوین رساندم. مثل جمعیتی که آنجا بودند دنبال امیرعلی رفتم. امیرعلی تقریباً از آخرین کسانی بود که پیکرش را از زیر آوار بیرون آوردند. بعد از دوستانش شنیدم که او همان روز در محل خدمتش از همه دوستانش حلاّلت طلبیده بود. من هیچ تلمّخی از او ندیدم. هر چه به‌یاد می‌آوریم لب‌خند اوست. رفاقتش با پدر و مادرش خیلی عمیق بود. امیرعلی از سنش فهمیده‌تر بود؛ در کالسبی، دوستی و خانواده‌اش. آنقدر خوش‌خنده و پسر از آرزو بود، تا چند روز هر کسی که زنگ می‌زد، می‌گفت نمی‌تواند باور کند که او رفته است. برای پایان خدمت پسرم برنامه‌ها داشتیم. قرار بود دامادش کنم؛ اما خدا او را برد پیش خودش و ان‌شاءالله با امام حسین(ع) محشورش کند. امیر از خدمت ترخیص شد؛ با شهادت کارت پایان خدمتش را اباعبدالله(ع) امضا کرد.»

«امیر مسعود فضلّی» پسر عموی شهید می‌گوید: «او دغدغه همه زندانیانی را داشت که با رقم‌های ناچیز در زندان گرفتار بودند. در محفلی نبود که حرف این زندانیان را وسط نکشد و از آنها نگوید. دلسوز بود. خیلی هم دلسوز بود. همه رفقا و اقوام امیرعلی را به عنوان کسی می‌شناختیم که در دوران سربازی توجه به آزادسازی زندانیان غیرعمد و مالی را به اطر افیانش منتقل می‌کرد. او درباره زندانیان مالی و اینکه چه شرایط سختی دارند زیاد صحبت می‌کرد؛ اینکه در میان زندانیان افرادی با بدهی ۵۰ میلیونی یا حتی ۲۰ میلیونی هستند که نیاز بیشتری به یاری و همراهی خیران دارند. دوست داشت به این دست افراد کمک کند و دست همه آنها را بگیرد ولی قسمت نشد. امیدواریم امروز که با شهادتش دستش بازتر است، مشکل همه این زندانیان را حل کند.»

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی» در اولین رویداد ملی دانشجویی «بشارت نصر» که در دانشگاه قم برگزار شد، با اشاره به جایگاه «مقاومت» در منظومه فکری اسلامی، اظهار کرد: «جبهه مقاومت با شمعار و احساسات به نتیجه نمی‌رسد؛ بلکه قدرت واقعی آن در تکیه بر علم، ایمان و اقتصاد مقاومتی است.»

وی با بیان اینکه دشمن برای سلطه بر ملت‌ها از راه اقتدارزدایی عمل می‌کند، گفت: «دشمن تلاش دارد ما را در حوزه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی تضعیف کند تا ابتکار عمل از دست امت اسلامی خارج شود. امروز جنگ اصلی استکبار جهانی، جنگ شناختی است؛ نبردی که در آن هدف دشمن، تغییر باورها، دانقه فرهنگی و سبک زندگی مردم ماست.»

نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه به افشای توطئه‌های استکبار و هشدار نسبت به تبعیت از آنان اختصاص یافته است. هدف واقعی دشمن نه انرژی هسته‌ای و نه مسائل نظامی است، بلکه آنها در پی تسلط بر اراده ملت‌ها هستند. نزاع اصلی از آغاز تاریخ بر سر فرمانروایی و حاکمیت است؛ همان نزاعی که فرعون در برابر انبیاء داشت و امروز آمریکا همان مسیر را دنبال می‌کند.»

وی با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب درباره جنگ شناختی، تصریح کرد: «اگر ملت در عرصه شناختی شکست نخورد، حتی اگر در میدان جنگ آسیب ببینند، در نهایت پیروز خواهد بود؛ چراکه

نماینده ولی فقیه در سپاه

امت متصل به ولایت هرگز شکست نمی‌خورد

و امت را از بین ببرد. از این‌رو، بسا تفرقه‌افکنی، چندقطبی‌سازی و دامن‌زدن به اختلافات در جامعه، می‌کوشد این وحدت را از درون متلاشی کند. رهبر معظم انقلاب این انسجام را «اتحاد مقدس» می‌نامند و نفاق را خطری جدی برای امت اسلامی می‌دانند.»

وی همچنین به مسئله مقاومت و شیوه تحقق آن اشاره کرد و گفت: «قرآن کریم مقاومت را تنها راه عزت معرفی کرده است. مقاومت ممکن است هزینه داشته باشد، اما ثمره آن پیروزی و سربلندی است. در حالی‌که سازش، هزینه‌اش ذلت است. ایمان، توکل، مرزبندی با دشمنان، بصیرت‌افزایی، تقویت روحیه و امید اجتماعی از ارکان اصلی مقاومت به شمار می‌رود.»

نماینده ولی فقیه در سپاه تأکید کرد: «مقاومت تنها در میدان نظامی معنا ندارد، بلکه باید در عرصه علم، فرهنگ و اقتصاد نیز محقق شود. جبهه مؤمنان باید مانند دشمنان که جبهه‌ای عظیم و رسانه‌ای تشکیل داده‌اند، به‌صورت جبهه‌ای منسجم و هدفمند عمل کند.»

وی با اشاره به برخی فشارها بر دولت در عرصه سیاست خارجی گفت: «برخی به رئیس‌جمهور فشار می‌آورند که چرا در نیویورک یا شرم‌الشیخ کار را تمام نکردی؟ مردم در فشارند و باید مذاکره را به سرانجام برسانی! اما باید بدانند مقاومت هزینه دارد و نتیجه آن عزت است؛ بر خلاف سازش که به ذلت می‌انجامد.»



نماینده ولی فقیه در سپاه ادامه داد: «در فرهنگ اسلامی، هیچ مقامی بالاتر از عبودیت نیست. شرط رسیدن به مراتب ولایت، نبوت و امامت، عبودیت خالصانه در برابر پروردگار است. از این روست که بزرگان ما بر سنگ مزار خود تنها واژه «عبد» را می‌نگارند؛ چراکه همه افتخارات در سایه بندگی خدا معنا پیدا می‌کند.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی در ادامه افزود: «دشمن می‌داند که امت بی‌امام خطری ندارد، اما امت متصل به ولایت شکست‌ناپذیر است. همه تلاش استکبار این است که پیوند میان امام

شکست واقعی، شکست در فهم و بینش است نه در زمین.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی در بخش دیگری از سخنان خود، رمز پیروزی جریان مقاومت را «تعبید در برابر ولایت» دانست و گفت: «چند سال پیش در نشستی با سردار سیدمحمد حجازی و جمعی از فرماندهان حزب‌الله لبنان، درباره راز موفقیت‌های سیدحسن نصرالله بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اساس پیروزی‌های او، ایمان و تعبد مطلق در برابر ولایت بود. او سربازی خالص در راه خدا بود و به‌حق مدال «سربازی اسلام» را بر سینه داشت.»

معاون دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه

آماده اجرای سند جامع
توسعه دریا محور هستیم

«سردار احمد راستی» معاون دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه، در سمینار بررسی پیش‌نویس «سند جامع توسعه دریایی کشور» که در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد، با تأکید بر اهمیت بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی اظهار داشت: «اکنون کمتر از دو درصد اقتصاد کشور مربوط به توسعه دریا محور است و این مسیر بسیار کند و ناچیز پیش رفته است.» وی بر اهمیت اتصال عمق کشور به دریا و توسعه جزایر تأکید و خاطرنشان کرد: «بحث کریدورها بسیار حیاتی است؛ لذا ما باید رویکرد خود را به «نگاه از دریا به ساحل» تغییر دهیم و اتصال محورهای شرق-غرب را نیز جدی بگیریم.»

وی درباره بهره‌برداری از منابع بستر دریا و معادن اظهار داشت: «جزایر ما از نظر معدنی و منابع بستر دریایی بسیار غنی هستند. ما باید سیاست‌های بحری کشور را با توجه به ظرفیت‌های واقعی طراحی کنیم.»

مشاور فرمانده نیروی قدس سپاه

رژیم صهیونی
به آخر خطر رسیده است

«سردار حسن پلارک» در گفت‌وگویی، با اشاره به انعقاد توافق آتش‌بس بین حماس و رژیم صهیونیستی، اظهار داشت: «این توافق به نفع رژیم صهیونیستی نیست و در واقع، مؤید پیروزی مقاومت و حاصل ایستادگی مردم غزه و فداکاری شهداست.»

سردار پلارک با اشاره به وضعیت سخت رژیم صهیونیستی افزود: «این رژیم به انتهای خط رسیده و نکته بارز در این زمینه، خروج جمعی سران کشورها از سالن مجمع عمومی سازمان ملل در هنگام سخنرانی نتانیاهوی ملعون بود؛ این تیر آخر به رژیم صهیونیستی بود و صهیونیست‌ها فهمیدند که در دنیا کاملاً منزوی شده‌اند و به ناچار به توافق با حماس تن دادند.»

وی با اشاره به پشتیبانی جبهه مقاومت از حماس گفت: «حماس تنها نیست و اگر رژیم صهیونیستی آتش‌بس را نقض کند، حمایتش به پشتیبانی از او ادامه خواهند داد.»

معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه

امنیت پایدار با اقتدار
نظامی محقق می‌شود

«سردار احمد اخوان» معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه، در مراسم گرامیداشت «شهدای وحدت» و سالگرد شهادت «سردار سرلشکر شهید نورعلی شوشتری» اعلام کرد، راهبرد کنونی نیروی زمینی، تداوم قوی‌تر مسیر عملیاتی آن شهید با تکیه بر امنیت توسعه‌محور، محوریت‌زدایی و هوشمندسازی نیرو است. سردار اخوان با اشاره به سوابق درخشان شهید شوشتری در «جانشینی فرمانده نیروی زمینی»، گفت: «شهید شوشتری بر این باور بود که امنیت پایدار با اقتدار نظامی ممکن می‌شود.» سردار اخوان همچنین بر برنامه‌های تحول و پیشرفت نیروی زمینی سپاه تأکید کرد و گفت: «ما در حال تحول در نگرش تاکتیکی و تکنیکی هستیم؛ توسعه تاکتیک‌های نوین، پیاده‌سازی نظام بهره‌وری و هوشمندسازی نیرو و استفاده از هوش مصنوعی جزء برنامه‌های اصلی ماست تا رزمندگان در پرتو نورانی شهید شوشتری، نعمت امنیت و آسایش را تداوم بخشند.»

فرمانده سپاه نینوا

اولویت‌های سپاه
خدمت به مردم است

«پاسدار سیدموسی حسینی» در آیین تکریم و معارفه «فرمانده سپاه نینوا گلستان» گفت: «وظیفه دارم از مجاهدت‌های برادر ارجمند «سردار ملک شاه‌کوهی» در طول دوران فرماندهی ایشان تشکر کنم.» فرمانده جدید سپاه نینوا افزود: «همه شما حضاران در این جلسه یک ظرفیت برای انقلاب اسلامی به شمار می‌روید و حقیر به‌عنوان یک سرباز خادم سپاه و بسیج در خدمت شما خواهم بود. اولویت‌ها در مأموریت‌های سپاه بی‌شمارند؛ اما حوزه پیش‌روندگی، حفظ و ارتقای امنیت با گسترش شبکه اشراف اطلاعاتی و پیگیری مأموریت‌های اعتلای بسیج در قرارگاه‌های ۱۳ گانه از اولویت‌های ما خواهد بود؛ اما همه اینها بر پایه خدمت‌رسانی بی‌نت به مردم است.»

وی در پایان گفت: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر پایه ایمان و اخلاق استوار است و ما در سپاه نینوا همین دو اصل را سرلوحه همه فعالیت‌های خود قرار می‌دهیم.»

خبر

انتظار آزادی

«سیدحجت‌الله موسوی قوام» در دیدار با مسئول حرکت‌های جهادی بسیج استان کرمان، ضمن اشاره به اهمیت آزادی زندانیان جرایم غیرعمد به منزله یک حرکت جهادی، گفت: «از ابتدای تأسیس ستاد دیه استان کرمان تاکنون، چندین هزار زندانی جرایم غیرعمد از زندان‌های استان آزاد شده‌اند. هم‌اکنون ۳۰۰ مددجوی جرایم غیرعمد در زندان‌های استان هستند و برای آزادی آنان بیش از ۶۰ میلیارد تومان نیاز است.» وی با بیان این مطلب که صلح و سازش بین طرفین دعای از برنامه‌های اصلی ستاد دیه است، بیان کرد: «گروه‌های جهادی می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های خود در زمینه تخفیف و گذشت رضایت‌مندانه همکاری کنند.»

۲۸۰ اثر علمی

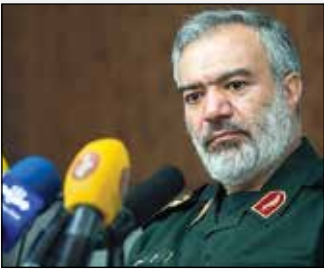
«سردار مرتضی عمومهدی» مسئول سازمان بسیج اساتید استان در سومین جشنواره علمی شهید چمران گفت: «بیش از ۷۸۰ اثر به جشنواره رسید و با بررسی در کمیته‌های تخصصی و علمی ۱۱ پژوهشگر به عنوان پژوهشگران برتر شناخته شده و به جشنواره کشوری معرفی شدند.» وی گفت: «تأکید بسیج اساتید بر تولید علم نافع است تا آنچه تولید می‌شود در راستای نیازهای کشور باشد. هدف اصلی جشنواره نیز هدایت جریان علمی کشور به سمت نیازها و اولویت‌های جامعه است و همچنین در راستای بیانیه گام دوم زیرساخت‌های تمدن نوین اسلامی و ظرفیت‌های علمی کشور روز به روز تقویت شود.»

کشف ماینر

روابط عمومی ناحیه مقاومت بسیج «سپاه میاندوآب» در اطلاعیه‌ای از شناسایی و کشف دستگاه‌های غیرمجاز استخراج ارز دیجیتال در این شهرستان خبر داد. براساس این اطلاعیه و پیرو رصد اطلاعاتی و بررسی‌های تخصصی و با هماهنگی مرجع قضائی، ۲۵ دستگاه غیرمجاز استخراج رمز ارز دیجیتال در میاندوآب با تلاش پاسداران گمنام‌امام‌زمان(عج) و با همکاری کارشناسان محترم اداره برق کشف و توقیف شد. در حالی که کشور با ناترازی در حوزه انرژی و برق مواجه است، فعالیت این‌گونه مزارع غیرقانونی، نه‌تنها فشار مضاعفی بر شبکه برق وارد می‌کند؛ بلکه در برخی موارد موجب اختلال در تأمین برق صنایع و مشترکان خانگی و ایجاد خسارت برای شهروندان می‌شود.

جانشین فرمانده کل سپاه مطرح کرد

معنویت، نقطه برتری ایران



دشمنان بارها شکست خورده و حتی یک‌بار هم به پیروزی نرسیده‌اند.»

وی افزود: «مقاومت ملت ایران در طول بیش از چهار دهه نشان‌دهنده پیوند ایمان، معنویت و عمل به تکلیف است که موجب اقتدار کشور و ناکامی دشمنان شده است.»

وی درباره جنگ ۱۲ روزه نیز اظهار داشت: «در حالی که شمار زیادی از کشورها در این جنگ حضور داشتند، ما به تکلیف خود عمل کردیم و دشمنان مجبور به توقف شدند.»

«دریادار علی فدوی» جانشین فرمانده کل سپاه در آیین تودیع و معارفه «فرمانده سپاه حضرت جوادالائمه(ع)» خراسان شمالی اظهار کرد: «از آغاز انقلاب تاکنون، دشمنان حملات نظامی متعددی علیه کشور انجام دادند، اما ملت ایران در طول ۴۷ سال همواره با فرمان الهی، دفاعی جانانه و مؤمنانه داشته است.»

وی افزود: «ملت ما به بصیرت رسیده‌اند و تکلیف خود را می‌دانند؛ وعده‌های خداوند تحقق یافته و ما به آنچه خداوند فرموده، ایمان داریم و براساس آن عمل می‌کنیم.»

جانشین فرمانده کل سپاه تصریح کرد: «دشمنان از درک معنویت ملت ایران عاجز هستند و همین عامل باعث شده است هیچ‌گاه در مقابل ایران اسلامی به پیروزی دست نیابند.»

سردار فدوی خاطر نشان کرد: «ما به تکالیف الهی خود عمل کرده‌ایم و خداوند نیز وعده‌های خود را محقق کرده است؛

یادنامه‌ای برای سردار علیرضا افشار

اتحاد آزادی خواهان جهان



بازدارندگی ایران را در منطقه تقویت کرد.»

وی همچنین به بیداری جهان نسبت به اسلام و تغییر نگرش‌ها نسبت به دین الهی اشاره کرد و افزود: «این تغییر نگرش‌ها، حاصل سال‌ها تلاش، ایثار و شهادت مردم مظلوم و فرماندهان محور مقاومت است.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قلوب امت اسلامی را به هم نزدیک کرد و زمینه همبستگی مسلمانان در حمایت از مظلومیت مردم غزه را فراهم آورد.»

«سردار محمد کرمی» فرماننده نیروی زمینی سپاه در یادواره سرداران و ۷۷۵ شهید شهرستان «مهاباد» اظهار داشت: «رژیم صهیونیستی با حمایت برخی قدرت‌های غربی و شرقی درصدد تضعیف امنیت ملی ایران بود، اما واکنش شجاعانه نیروهای مسلح همراه با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) دشمن را به آتش‌بس واداشت.»

سردار کرمی افزود: «یکی از دستاوردهای مهم این جنگ این بود که صدای آزادی‌خواهان جهان علیه جنایت‌های رژیم صهیونیستی را تقویت و همگان را به مقابله با جنایت این سنگ هار به صف کرد.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه گفت: «اشلیک موشک‌های دقیق سپاه به قلب سرزمین‌های اشغالی با توکل بر خداوند، نمونه‌ای بارز از اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی است که امنیت و صلابت کشور را تثبیت و قدرت

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

صبح جمعه است و اهالی «شهرک شهید محلاتی تهران»، پیکر سردار «علیرضا افشار» را به دوش می‌کشند تا پس از سال‌ها خدمت به اسلام و میهن در آرامگاه ابدی آرام بگیرد. او که سال‌ها در کسوت پاسداری از ارزش‌های انقلاب و خدمت به مردم فعالیت کرده بود، بر اثر سکنه قلبی دیده از جهان فرویست. مراسم وداع با این سردار، تصویری از یک عمر مبارزه، اخلاص و خدمت را پیش چشم می‌آورد؛ مردی که از خیابان‌های پرشور انقلاب تا مسئولیت‌های کلان نظامی و سیاسی، راهی پرفرازونشیب را پیمود.

علیرضا افشار در سال ۱۳۳۰ در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در «مدرسه علوی» در مشهد گذراند و سپس با ورود به «دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف»، در مسیر تحصیلات عالی گام گذاشت؛ اما زندگی او تنها به درس و دانشگاه محدود نشد. در سال‌های پیش از انقلاب، روحیه انقلابی‌اش او را به میدان مبارزه با رژیم پهلوی کشاند. فعالیت‌های سیاسی او به دستگیری از سوی ساواک منجر شد و چهار ماه را در زندان ساواک گذراند. این تجربه، عزم او را برای پیگیری آرمان‌های انقلابی‌راسخ‌تر کرد.

افشار از دانشجویان پیرو خط امام(ره) بود و در یکی از نقاط عطف تاریخ انقلاب، یعنی تسخیر لانه جاسوسی در سال ۱۳۵۸، نقشی فعال داشت. او در گفت‌وگویی خاطره‌ای از آن روزها روایت کرده است: «من دو یا سه روز بعد از تسخیر لانه به دانشجویان ملحق شدم و در ابتدا و در برنامه‌ریزی‌های اولیه حضور نداشتم. جریان دانشجویان خط امام را شورای پنج‌نفره‌ای متشکل از نمایندگان دانشگاه‌ها اداره می‌کرد که من هم به عنوان نماینده دانشگاه صنعتی شریف به دوستان اضافه شدم.» او در کانکسی که جلوی درب سفارت قرار داشت، با مهمانان خارجی گفت‌وگو می‌کرد و از این فرصت

خبر

مرکز مواسات

«حجت‌الاسلام زنگنه»، معاون امور خانواده سپاه و «دکتر صباغیان» قائم مقام کمیته امداد امام خمینی (ره) طی آیینی از افتتاح ۶۹ مرکز مواسات مؤمنانه تقویت همدلی و مواسات اجتماعی، حفظ کرامت افراد تحت پوشش و گسترش فرهنگ احسان و کمک مؤمنانه خبر دادند. در این آیین، مدیران فرهنگی خانواده سپاه در سراسر کشور با حضور در مراکز امداد استانی به‌صورت برخط در افتتاح مراکز مواسات مؤمنانه حاضر شدند و با نیازسنجی و وضعیت‌سنجی مددجویان استان، زمینه همکاری و هم‌افزایی بیشتر و اقدامات بعدی را فراهم کردند. حجت‌الاسلام زنگنه در این جلسه بر ضرورت خدمت به مردم تأکید کردند.

۱۳۶۱ عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بود و در خدمت‌رسانی به محرومان نقشی کلیدی ایفا کرد. سپس به سپاه پیوست و در سال‌های دفاع مقدس مسئولیت‌های مهمی چون جانشینی و ریاست ستاد مرکزی و سخنگویی سپاه را بر عهده گرفت. «سردار یحیی رحیم‌صفوی»، که از سال ۱۳۶۱ با افشار آشنا بود، در حاشیه مراسم تشییع او گفت: «ایشان در عرصه‌های اندیشه، اخلاق، رفتار و عملکرد، انسانی شایسته در پیشگاه خداوند و اولیای الهی بود.»

افشار از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ فرمانده نیروی مقاومت بسیج بود و سپس بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ ریاست دانشگاه امام حسین(ع) را بر عهده گرفت. او در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را عهده‌دار بود. در این دوره، به دلیل تداخل مسئولیت‌ها، از ریاست بنیاد استعفا داد و تا سال ۱۳۸۳ معاونت فرهنگی و امور مجلس ستاد کل را بر عهده گرفت.

سردار افشار در سال ۱۳۸۶ به عنوان «معاون سیاسی وزارت کشور» منصوب شد و در دی‌ماه ۱۳۸۸، معاونت امور اجتماعی، فرهنگی و شوراهای وزارت کشور را بر عهده گرفت.

«سردار محمد پاکپور»، فرمانده کل سپاه در پیام تسلیت خود، سردار افشار را «شخصیتی انقلابی، مخلص و ولایت‌مدار» توصیف کرد که عمر خود را صرف خدمت به ملت و صیانت از ارزش‌های دینی و انقلابی کرد. او در مسئولیت‌های متعدد، از جمله ریاست ستاد مرکزی سپاه، فرماندهی بسیج و ریاست دانشگاه امام حسین(ع)، با روحیه‌ای سرشار از اخلاص و ولایت‌مداری، خدماتی ماندگار ارائه داد. زندگی سردار علیرضا افشار، روایتی است از تعهد به آرمان‌های انقلاب، از خیابان‌های مبارزه در پیش از انقلاب تا میدان‌های جهاد و خدمت در پس از آن. او که در جوانی با رژیم شمشاهی مبارزه کرد، پس از انقلاب نیز در نقش‌های گوناگون، از جهاد سازندگی تا سپاه و وزارت کشور، اثری ماندگار از خود به جا گذاشت. مراسم تشییع او، نه‌تنها وداعی با یک سردار بود، بلکه بزرگداشتی برای یک عمر اخلاص، خدمت و پایبندی به ارزش‌های انقلاب اسلامی بود.

۲۳ پروژه ملی

«سردار عبدالرضا عابد» فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) از اجرای ۲۲ پروژه بزرگ در استان فارس خبر داد و گفت: «پروژه خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی «پارس» با سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیون یورو، ظرف ۳۶ ماه به بهره‌برداری می‌رسد.» وی افزود: «با احتساب پروژه خط لوله پارس که قرارداد آن امروز امضا شد، مجموع پروژه‌های این قرارگاه در فارس به ۵۵ پروژه رسیده و هم‌اکنون ۲۲ پروژه در دست اجراست.» عابد تأکید کرد: «تلاش ما در قرارگاه بر این است که همه پروژه‌ها، به‌ویژه خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی از مهرآران در هرمزگان به فارس، نه تنها در موعد مقرر، بلکه زودتر از برنامه‌زمان‌بندی پیش‌بینی شده به پایان برسد.»

۱۵

پاسدار

شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴

صداقت

روی خط

غزه را خدا آزاد کرد

۰۹۱۲۰۰۰۳۳۵ / نیروهای مقاومت حماس باید حواس‌شان به مار زخمی صهیونی باشد تا از کینه‌ای که به دل گرفته، دوباره جنایت‌اش را آغاز نکند. لعنت خدا بر صهیون.

۰۹۳۷۰۰۰۴۲۹۹ / اصلاح‌طلبان همیسن را می‌خواستید که پزشکیان و عراقچی راهی مصر شوند تا ترامپ در کمال وقاحت به رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه‌مان توهین کند! غیرت ملی‌تان را حراج کرده‌اید یا ترامپ را هنوز که هنوز است نشناخته‌اید؟

۰۹۲۱۰۰۰۶۶۴۷ / نمی‌دانم شبکه‌های عربی چگونه می‌خواهند برای تاریخ توضیح بدهند که ترامپی را که از هر فرصتی برای سلاح دادن به تتانیاهو کوتاهی نمی‌کرد و در سخنرانی خود علناً اعتراف کرد که تتانیاهو از من سلاح می‌خواست و من حتی اسم بعضی از آنها را نمی‌دانستم! بعد عرب‌ها این فرد را در جمع خودشان دعوت کرده‌اند و او هم به راحتی همه را تحقیر می‌کند.

۰۹۳۸۰۰۰۷۶۷۰ / «شهید صالح جعفر اوی» مردانه رسالت خبرنگاری‌اش را با ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار فالور در برابر صهیون‌های بی‌همه چیز به تصویر کشید و همین موضوع سبب شد تا نیروهای صهیونی‌تاب و توانی برای دیدن این رشادت نداشته باشند و او را به شهادت برسانند. امیدوارم همه خبرنگاران ایرانی این شهید را الگوی خود قرار دهند. ممنون از هفته‌نامه صبح صادق/ باشی از کرج

۰۹۱۹۰۰۰۳۳۷۵ / همه مردم دنیا شاهد باشند این خدا بود که فلسطین را به پیروزی رساند. غزه را خدا آزاد کرد. آن روزهایی که دست مردم دنیا کوتاه بود و نمی‌توانستند به مردم مظلوم غزه که دیگر نه سلاح و نه مواد غذایی کمک کنند، این خدا بود که به آنان چنان عزتی داد که با دست‌های خالی دست‌های پر صهیون‌ها را کوتاه کنند. خدا رو هزار مرتبه شکر.

۰۹۱۳۰۰۰۶۷۴۵ / خدا بیامرزد مرحوم کاسبی را که وقتی برخی‌ها ولنسگاری و پرده‌داری را در سینما سباب می‌کردند، خط قرمزش حزب‌اللهی بودن و ارادتش به هر چه حزب‌اللهی بود؛ مخصوصاً به حاج قاسم ارادت داشت؛ ان‌شاءالله هممان شهدا باشد.

۰۹۱۲۰۰۰۸۸۷۹ / هفته‌نامه صبح صادق خواهشاً یک ویژه‌نامه هم برای امروز سینما کار کنید. مسئولان سینما انگار خوانند. این بی‌حیایی‌هایی که در رسانه ملی ما جا باز کرده، به همه مقدسات قسم سختی با جامعه ما ندارد. این چه وضعی است یک بازیگر زن را به هوای اینکه گریم مردانه کرده، می‌آورد تا هر غلطی می‌خواهد انجام دهد.

۰۹۱۶۰۰۰۳۴۷۳ / این غرب‌گرایان و اصلاح‌طلبان معلوم نیست حرف حساب‌شان چیست؟ می‌خواهید دو دستی کشور را به دست آمریکایی‌ها بدهید و خیال‌تان راحت شود؟ مگر این کشور ارثیه پدرتان است که به این راحتی نسخه‌هایی می‌دهید که چوب حراج به کشورمان می‌زند؟

۰۹۲۲۰۰۰۶۷۸۱ / این اصلاحات جایش که بیفتد یاران خودش را هم پس می‌زند؛ تا دیروز برای پزشکیان و عراقچی یقه پاره می‌کردند، امروز که پزشکیان و عراقچی به ساز آنها حرف نمی‌زنند، علیه آنها بیانه می‌دهند و سخنرانی می‌کنند. لاقل به یاران خودتان رحم کنید. اینها دارند چهره غرب را می‌بینند شما هنوز باورتان نشده که آمریکا هیچ‌جوره با ما سر سازگاری ندارد.

۰۹۳۹۰۰۰۴۶۵۷ / پرونده‌ای را درباره پتل‌های خورشیدی کار کنید. درباره ضررها و منافع که این محصول دارد در کجا کار شود خوب است، در کجا نه./ بیات از زنجان

۳۰۰۰۹۰۰۰۳۳۰۰

سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق

۰۹۲۱۷۷۴۰۰۰۰۰۰

هفته‌نامه صبح صادق

مصادیق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سرمدیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:‌سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۶

تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۱۱

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک:۰۲۳۳ ۳۰۰۰۹۹۰۰

شماره ۱۲۰۹ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۴



خمار عشق

الهام اخگر

نویسنده

محمد کاسبی رشد یافته محله نازی‌آباد تهران بود؛ محله‌ای که در آن زمان بسیاری از بازیگران توانمند سینمای ایران از آنجا درخشیدند. در جوانی با وجود پذیرش در کتکور پزشکی سوار در بلم عشق پزشکی را رها می‌کند تا به جای سرگرم کردن مردم به اینکه شفا یا بلای خدا در درد و خون فرارسد، به کسب پرده به پرده روی یار در سکناس‌های کارگاه بازیگری نگار بپردازد. بازیگری با هیبتی مردانه که مهربانی غیرتمندانه پدری را در فیلم «پدر» و شرارت نفس برتری جوی شیطانی مکبث را در «مریم مقدس» و رفاقت وفادارانه را در «خوش رکاب» و غیرت مردانه را در «خوش غیرت» و دعوای هابیل و قابیل را در «صاحب‌لان» و چندین گنجنامه دیگر به نمایش گذاشت.

♦ سخنی با تو ای خوش‌مرام

تو آن خماره عشقی که تصویر مستی جمال یار را در خماری چشمان دیگری می‌جست. چه فرق می‌کند ردای بازیگری بر تن داشته باشی یا ردای پاسداری. باید عاشق باشی تا در سکناس‌های آخر زندگی‌ات قدردان مردم باشی و نگران بدهکار بودن به نگاه‌های انسان‌هایی که نقش‌های خیال و خاطره آنها را آراسته‌ای.

تصویری کامل از تو را در برنامه «چهل تیکه» آخرین سکناس بازیگری‌ات در برنامه‌ای تلویزیونی دیدم. سستاره غریب سینمای ایران، غربت را در اشک و آه و غریبی‌ات را در میان این ستارگان بی‌درد و فروشنده و کاسب هنر همچون سکناسی که در فیلم آسمان هشتم غریبی غریب‌الغربا را به رخ تماشاگران کشید دیدم. بازیگر باید صاحب اشک و آه و درد باشد و این همان روح تعهد به عشق در بازیگر است و یک چغویه از ساقی پاداش این تعهد و هنر است.

به قول خودت مرگ سراغ تک‌تک ما خواهد آمد و از ما خواهد پرسید هنرت را چند فروختی و در قبال این خودفروشی چه چیز کاسب بوده‌ای؟ مرگ تو مرگ دیگری نیست. تمام نخواهی شد؛ زیرا هر که به او پیوست نامیراست و همانطور که تو در لحظه‌های آخر برای‌مان بهار آرزو کردی و دعای تحویل سال خواندی، برای تو آغازی بهارین تا آسمان هشتم در وعده گاهت با بانوی آب و آینه آرزو می‌کنیم. به امید دیدار تک ستاره بسا معرفت ویا غیرت خوش‌مرام.

صبحانه

نیت در رفتار

انگیزه هر عمل تعیین‌کننده ارزش آن است. هر کاری که برای خدا و در راه خدا باشد، قداست دارد و ماندگار می‌شود و اگر مقدس‌ترین کار و الهی‌ترین عمل ناخالصی داشته باشد، از ارزش و اعتبار می‌افتد. مسلمان واقعی کسی است که دوستی و دشمنی‌اش، پیوند و قطع رابطه‌اش، گفتار و سکوتش جهاد و صلحش عطا و منعش همه و همه برای خدا باشد.

داستان

رؤیای دختران غزه

بجسبانم به‌سینه‌تا بغضِ توی چشم‌هایش برود و شادیِ لطیفِ دخترانه‌نشیند جایش.

به اینها فکر می‌کنم و دوباره به چشم‌های دخترک غزه‌ایِ توی فیلم نگاه می‌کنم. نگاه ساکت و بغض‌دارش دارد می‌چرخد. یعنی از اینکه به جای دانه‌های نرم‌شانه، خاک‌نشسته روی موهایش بغض کرده؟ یا چون گل‌ها و پاپیون‌های روی لباسش پشتِ دوده‌های سیاه قایم شده‌اند؟ دارد دنبال آغوش مادر می‌گردد یا پناو پدر؟

نه! خوب که فکر می‌کنم می‌بینم اینها برای دنیای ماست. دنیای دختران غزه فرق دارد. رنگ‌ها خیلی وقت است توی غزه استتار کرده‌اند. غذاها دیگر شبیه قبل نیستند. دخترها به کم‌بودن آغوش عادت کرده‌اند. آن هم وقتی مادرانشان یا توی بیمارستان بالای سر مجروحند یا توی صف غذا، البته اگر شهید نشده باشند. این دختران غزه‌ای با چشم‌های‌شان دارند

تلخند

صلح بر ویرانه‌ها/ کارتون‌نست: اسامه حجاج/ اردن



سلامت

ید در بدن

زهر ا حسینی

کارشناس تغذیه

بدن برای حفظ سلامت خود به انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی نیاز دارد. زمانی‌که این مواد مورد نیاز به بدن نرسند، سیستم ایمنی بدن ضعیف می‌شود و در نتیجه خطر ابتلا به بیماری‌ها افزایش پیدا می‌کند. «ید» یکی از مواد معدنی است که وجود آن برای حفظ سلامت بدن ضروری است.

ید عنصری کمیاب است و ۲۰ تا ۵۰ میلی‌گرم از بدن انسان را تشکیل می‌دهد. ۸ میلی‌گرم از این عنصر در غده تیروئید وجود دارد؛ به همین دلیل کمبود این ماده در بدن بر عملکرد تیروئید اثرات بسیار منفی دارد.

گواتر یکی از بیماری‌هایی است که در اثر کمبود این عنصر در بدن به وجود می‌آید. پس وجود این عنصر برای کارکرد درست غده تیروئید ضروری است. وجود این ماده معدنی در بدن فواید بسیاری دارد؛ از جمله اینکه نقش بسیار مهمی در حفظ سلامت سیستم عصبی دارد و به رشد استخوان‌ها و دندان‌ها در بدن کمک می‌کند، همچنین وجود این عنصر برای ایجاد تعادل در سوخت‌وساز بدن ضروری است و به پروتئین‌سازی در بدن کمک می‌کند. جلوگیری از ابتلا به سرطان، حفظ انرژی بدن، حفظ استحکام ناخن‌ها، جلوگیری از پوسیدگی دندان و تقویت مو، از دیگر آثار وجود ید در بدن است. برای تأمین ید در بدن باید رژیم غذایی خاصی را رعایت کنید. مصرف ماهی‌های آب‌شور، استفاده از سبزیجاتی که در خاک غنی از ید رشد پیدا کرده‌اند، استفاده از نمک یددار، استفاده از نانی که در خمیر آن از این ماده معدنی استفاده شده است، اسفناج، فراوری‌های شیردار حاوی این ماده معدنی.

کارشناسان سلامتی به این نکته تأکید دارند که اگر می‌خواهید این ماده معدنی در بدن شما به اندازه کافی وجود داشته باشد، بهتر است به رژیم غذایی خودتان ماهی را اضافه کنید و این مقدار در طول هفته دو بار است. همچنین مصرف کلم و شلغم پخته نقش بسیار مؤثری در تأمین نیاز بدن به این ماده معدنی دارد.

صادقانه

توشه‌ای پربار

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «در قیامت چه دلیل‌ها که باطل شود، و چه عذر‌ها که شخص به آن دلگرم بود مردود شود! پس به بر نامه‌ای روی آور که عذرت به آن پذیرفته شود و برهانت به آن استوار گردد و از دنیایی که برای آن باقی نمی‌مانی، برای آخرت انتخاب کن آنچه را برایت ماندنی است و برای سفر آخرت آماده باش، به برقی نجات دیده بگشا و بار و توشه آخرت را بر پشت مرکب‌های همت محکم ببند.» بخشی ازخطبه ۲۲۳ نهج‌البلاغه

غیر رسمی

آقا دامادها

و عروس خانم‌ها!



پس از اجرای صیغه عقد عده‌ای از جوانان از سوی رهبر معظم انقلاب ـ که فرزند بنده نیز در جمع آنها بود ـ ایشان عروس و دامادها را چنین نصیحت فرمودند: «اگر شما یک جسم بی‌جانی را به منزل ببرید و بخواهید آن را به عنوان یک کالا نگهداری کنید، چندان به رسیدگی نیاز ندارد، شاید لازم باشد هر چند ماه یک بار گردگیری شود. اما اگر یک گلدان زنده را به منزل ببرید، باید هر روز به آن رسیدگی نمایید و از آن مراقبت کنید. در آب، نور و هوای آن دقت لازم را به کار برید.» رهبر معظم انقلاب در ادامه فرمودند: «شما هم یک گل زنده را به منزل می‌برید و باید از آن به طور مرتب مراقبت کنید تا پژمرده نشود. عروس خانم‌ها باید از دامادها مراقبت و پذیری کنند. آقا دامادها نیز باید مراقب عروس خانم‌ها باشند و بـه آنها محبت نمایند.»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین

سیدعلی حسینی

حسن ختام

پناه امن دلشوره‌ها

سلام بر مهدی(عج)؛ آن امید پنهان و آن مهربان‌تر از هر پدر و مادر. سلام بر او که از نام دلربایش نور و رحمت می‌بارد، هم او که در تگنهای همیشگی زندگی، چشمان خسته امیدوار، راه آمدنش را دنبال می‌کنند.

سلام بر او که آرزوی دیدارش زنده نگاهمان داشته و تمنای وصالش جان به نفس‌های ما بخشیده‌است.

یاد شیرینت رونق زندگی است و تو همان آفتاب پنهان در پس ابرهایی که قلبمان بشارت آمدنت را می‌دهد. ما با زخم فراق بر سینه‌های‌مان، هر صبح پای عهدمان با تو می‌نشینیم که کاش رسم رفاقت را از خودت بیاموزیم و عاشقی را تمرین کنیم. فدای نام و یاد مهربانت که فراموشی ندارد. ایها العزیز! حضور گرم تو که در ثانیه‌های زندگی احساس می‌شود و من تا همیشه برای شیرینی لحظه‌های تو،سل، قدر و قیمتی نمی‌یابم.

عزیز فاطمه! بـه فدای تو و دعای پدرا نه‌ات؛ همان پناه امنی که دلشوره‌های زندگی کنارش رنگ می‌بازد.

ای آشنای پنهان! بـسر دل‌های غربت گرفته دستی بکش و درد دوری را تسکین بده که در تمنای تو آواره‌ترنیم. دوست داشتن تو و آرزوی دیدارت، تمام سرمایه و هستی ما در زندگی است و خوشا بر حال هر دلی که تو را دوست بدارد و بودنت را تمنا کند، ای خوب‌ترین یاور و بهترین محبوب!

